

کارگران جهان متحد شوید!

# بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۰ بهاء ۲۰ رزق

## در صفحات دیگر این شماره:

- حمله مزدوران رژیم به روستای نخودچر صفحه ۹
- رژیم به جنگزدگان خدمت میکند یا خیانت؟ صفحه ۱۷
- در جمهوری اسلامی زن نصف آدم می‌آزد! صفحه ۲۴
- حزب توده: هم‌صدا با شکنجه‌گران، علیه انقلابیون صفحه ۲۶
- ترس و هراس لیبرالها از شنیدن صدای انقلاب است! صفحه ۲۹

مروری بر درگیریهای  
حزب دمکرات با کومه‌له در اطراف مهاباد

## ریشه‌ها و عوامل حمله حزب دمکرات به کمونیست‌ها

صفحه ۵

## مقاله

### "بیانیه ده ماده‌ای" و "بحث آزاد": تاکتیک حزب جمهوری اسلامی در تشدید سرکوب و خفقان

لتن، آموزگار بزرگ پروتاریا گفتاردهاها نه‌ای دارد... مضمون که، انقلاب و مبارزه طبقاتی نه تنها کارگران و زمینکنان بلکه همچنین بورژوازی و دنیسمان طبقه‌کارگر و سوده‌های محروم را نیز "مورث" میدهد و آبدیده مسارد. این گفته، در مورد حزب جمهوری اسلامی یعنی جناح سلط رژیم حاکم، صدای کامل و روشنی یافته است.

حزب جمهوری اسلامی، بدلیل کیفیت و نحوه تشکیل و انتقال گیری خود، یعنی به یک حزب سیاسی و یک جریان مؤتلف قدرت سیاسی، و نیز لحاظ بقیه در صفحه ۲

## رژیم جمهوری اسلامی: مذاکره با آمریکا ادامه دارد

عوامل دیگری که بر ما سده‌داری ایران در ادامه زندگی انگلیس‌اش به آن نیاز دارد. امکان پذیر است و از همینجا است که، رژیم جمهوری اسلامی و هر چه برتر برنج آن و از جمله جناح سرتر در قدرت سیاسی یعنی حزب جمهوری اسلامی غیرمتمدانان بوجش و با وجود رنگ و روغنیهای بظاهر "فدا میریالیستی" که غاشین حزب بوده و "فداشیدان اکثریت" سرور صورت آن بممالند به زد و بند با امپریالیستها و از جمله امپریالیسم آمریکا سرگرم هستند و مالد منافع رژیم ایجاب نمی‌کند که این اسرار بیان! زدیدگان تیرنوده‌ها بگذرند و با... در بقیه در صفحه ۳۱

## لبنان: مصاف انقلاب و ضد انقلاب در اوج

صفحه ۲۱

## لیبرالها از چه موضعی به لایحه پیشنهادی بودجه می‌نگرند؟

صفحه ۱۱

موتک بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سوم مقاله دوم**

مجموعه عوامل درونی و بیرونی خود، که در اینجا مورد بحث ما نیست، فاقد آنجا ملازمه سیاست دقیقاً روشن بود و فقط در جریان پراتیک ضد - انقلابی خویش این امکان را یافت که بتدریج از نقطه نظر منافع و مقتضیات رژیم سیاسی و اقتصادی سرمایه داری ایران، برای انجام بیشتر کارها سردار د. این حزب میروند تا با تکیه بر آموخته های پراتیک ضد انقلابی دوساله خود در رویارویی با انقلاب و درگیری با جناح دیگر حکومت، بویزها انگار برتشارت تاریخ سیاسی شورزوازی ضد انقلابی "قابلیتهای" جدیدی کسب نمایند و به موازات زود بودن "نشان کارها" آزادان خطوط اساسی سیاست خویش در عرصه های گوناگون عنصر "دراست" و "پختگی" را نیز در مقولسه تا کتیکهای خود وارد نمایند. حزب جمهوری اسلامی "پخته تر" شده است! و حرکتیهای اخیر این جریان ضد انقلابی، گواهی بر این امر است. در محصور این حرکات نوین، "اطلاعه ده" مانده ای دادستانی انقلاب و سیاست عملی مبتنی بر آن از جانب جناح مسلط حکومت، قرار داده که هم اکنون به یکی از مهمترین مسائل و موضوعات سیاسی جامعه تبدیل شده است.

"سپاه نیاده مانده ای" بنام سیاست کتیک نوین جناح مسلط حکومت، معمول نکات مل سیاستهای حزب جمهوری اسلامی، بنام یک حزب ضد انقلابی در رویارویی با مسائل اساسی جامعه، بحران گزینی و مبارزه او بگیرنده طبقاتی، در شرایط کنونی است. این "سپاه نیاده" سیاست ناشی از آن آمیختگی از عواطف مغربی، اختناق و سرکوب، بودراست و کاردانی ضد انقلابی است که در آن اهداف چند گانه ای دنبال میشود. مادرشاه های گذشته تپکار "جنبه های" از این سیاست و تاکتیک نوین را مورد تار و پودررسی قرار دادیم و در ذیل خواهیم گوشتنا اهداف اساسی نهفته در این تاکتیک و سیاست را، بطور مختصر مورد تار و پودررسی و سپس نتایج سیاسی حاصله از آن و تاکتیک صحیح کمونیستها را در سرا بر آن روشن نمائیم.

۱- تشدید سرکوب و اختناق در پوتنش "قانون": از همان زمان که سردمداران رژیم سال جدید را سال "قانون" اعلام کردند، روشن بود که روش جدیدی در خط سرکوب و تهدید آزادیهای سیاسی از جانب رژیم در پیش گرفته خواهد شد. این خط جدید رژیم در واقع همان خطی بود که بعداً در قالب "اطلاعه ده مانده ای" توسط جناح "حزبی" فرمول بندی و ارائه گردید. چرا میگوئیم سیاست رژیم، به این دلیل که فی الواقع از مدتها پیش بوسیله موازات تسلط حزب به ارگانهای اصلی قدرت این جناح حزب بوده که سیاست رژیم را در ما می - ترین و خواه آن طرح ریزی کرده و عملاً به پیش میبرد.

این تاکتیک جدید و پلاتفرم! آن یعنی

"سپاه نیاده مانده ای"، همین این واقعیت بود که حزب جمهوری اسلامی، پس از یک دوره سرکوب جریان و فاقد هرگونه یوش و لیاقت قانونی، اکنون میخواهد که بپوش مناسب و عواطف بیابانهای برای این سیاست سرکوب و خفقان خویش فراهم نماید.

تجربه دوساله عملکرد حزب جمهوری اسلامی سرکوب خونین و آشکار و بیدون اعتقاد به قانون بورژوازی - چیزیکه لیبرالها شدت بر آن پای فشرده نماز "حزب" یک چهره "قانون" شکن بوجود آورده بود. چهره ای که بویزه لیبرالها در ترسیم و تجسم آن در ذهن متوهم توده ها نقش بسیاری ایفا کرده بودند. علاوه بر توده ها در تجربه مبارزاتی خود و با کسب آگاهی بیشتر چهره حزب را بیشتر دریا فتنه. این واقعیت ها در انفراد حزب بنحو بسیار بقای نقش ایفا نمود. "حزب" اکنون در پی آن بوده که این سیاست را لیاقت قانون ببوشاند. تا در زیر چتر آن، بنام تشدید خفقان و سرکوب را در عرصه سیاسی جامعه، با آسودگی بیشتری به اجرا در آورد.

از طرف دیگر بحران سیاسی جامعه، و تشدید نا رضایتی توده ها و تداوم اعتدای جنبش در طوسی این مدت، هیچ چشم اندازی از فروکش مسارزه طبقاتی را تصور نمی کرد.

آنچه که از ابتدا قابل پیش بینی نبود، گسترش با زهم بیشتر مبارزه طبقاتی و نفوذ سیاست نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست، از سوی دیگر بود. بنام این "حزب" به عنوان نیروی مسلط بر حکومت، در پی راهی بود تا بتواند در آید، به نحو مطلوب به مقابله با این وضعیت بپردازد و در نظام حاکم را از سره تشدید مبارزه توده ها، ممنون دارد. "سپاه نیاده مانده ای" بطور چنین سیاسی بود. با دقت تمام در سواد این "سپاه نیاده" روشنی میتوان در پس عبارات عواطف بیابانها و آزادی ستان، چهره کربه تشدید خفقان و سرکوب مبارزه طبقاتی و آزادیهای دمکراتیک را مشاهده نمود. در این سیاست رژیم برای اولین بار بطور قانونی و رسمی، میگوشت تا نیروهای پیگیر کمونیستی را متفرساخته و نیروهای سیاسی منززل را در دوراهی سائین با بورژوازی ویا "غیر قانونی" شدن قرار میدهد.

"سپاه نیاده مانده ای" اعلام رسمی جنگ، در یوش قانون، به نیروهای انقلابی و کمونیست و توده های تحت شتم! اعلام رسمی سیاست تشدید هر چه بیشتر خفقان و سرکوب، و اعلام سرود آشکارتر به هر جلوه ای از آزادیهای دمکراتیک در صحنه سیاسی جامعه امروز است. در این سیاست رژیم بخوبی میتوان سیاست گسترش خفقان و سرکوب بورژوازی را، در عواطف بیابانها به ترین شکل خود مشاهده کرد. عملکرد این "سپاه نیاده" سیاست در دوره اخیر تا کنون بخوبی این چهره کربه و ضد - انقلابی را در هیئت جدید آن، به نمایش گذاشته

است. از آن پس در لیاقت "قانون"، نظام سرات مسالمت آمیز نیروهای انقلابی و کمونیست را با گلوله و نارنجک به خون کشیدند، و این کار را در یوش قانون و بدلیل "مخدوش شدن قانون" انجام دادند. هرگونه نظامی حاکمیت علنی را شدت سرکوب کردند، دستگیری و شکنجه را شدت بخشیدند و هر جانشانی از حرکت توده ها یافتند، و حشانه ترا گذاشته و برای حفظ "قانون" به نام یورش بردند. همین است مهمترین وجه سیاست جدید حزب جمهوری اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی.

۲- تعیین دقیق مرز دوستان و دشمنان رژیم و سپهر گیری از ستون پنجم بورژوازی و درون جنبش کارگری، تا در روز حزب جمهوری اسلامی با کودنی تمام، گام به لیاقت و مشاطه گران خود را ندیده "سپهری" میگریست و آنان را از زینت دوستی و محبت خویش محروم میساخت. یکی از جلوه های "پختگی" سیاست "حزب" در همین حال یکی از عواطف بیابانها به ترین جلوه های آن، در از گزیدن دست دوستی به سمت این دشمنان انقلاب و طبقه کارگر و قانونیست بختیدن به فعالیت آنها و نشان دادن آنان در کنار خویش است تا به متحدین آشکار حکومت است. رویز و یوشینهای خائوس بوده ای و "اکثریت" که به گام به لیاقت ارتجاع مشمول بودند، اکنون فرصتی یافته اند تا از مرزهای سنت خویش را از دست رژیم در یافت نمایند. رژیم با این کار در هدف مشخص را دنبال میکند، از یک سو در هدیت با ما رکنسیم لنسیم، ما طبعین خویش را در درون جنبش کارگری بطور فعال بکار می اندازد تا به مشاطه گیری بیشتر چهره کریسه رژیم بپردازد و توده ها را نسبت به ما هیبت ضد مکرراتیک و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و بویزه حزب جمهوری مخدوش و مسموم نمایند، و از سوی دیگر ما قانونی کردن آنها، بیبوند خویش را با متحدین واقعی اش در درون جنبش کارگری مستحکم سازد و از این طریق با یگانه ای چنان عسری خویش را گسترده تر سازد و انفرادی بیشتر خویش تا حد ممکن حصران نماید. حزب جمهوری در واقع با این عمل بطور انوعا تنگ، مرز میان دوستان و دشمنان واقعی خود را ترسیم میکند و با گذاشتن معیارها و ملاکهای در "سپاه نیاده مانده ای" خود که فی الواقع مرز میان حیانت به انقلاب و وفاداری به آن را تعیین مینماید. مرزها را بروشنی ترسیم مینماید و هرگونه کدورتی را از صورت آن میرداید.

۳- گرفتن انتکار عمل از لیبرالها و خلق سلاح کردن آنها، یکی از ابزارهای اساسی که لیبرالها، در جهت مقابله با رقیب سیاسی خویش در قدرت، یعنی حزب جمهوری اسلامی، از آن سود جستند، و مهمترین آنها، "النسرام" خویش به "قانون" اساسی و عدم پیبندی "حزب" به آن بوده است. یعنی قدر، سختگور و هراسی بقیه در صفحه ۲

# زنده باد سوسیالیسم!

# جنبش کارگری



**تثبیت نرخ دستمزد  
سال ۵۹: تشدید فقر  
وفلاکت کارگران**

برای تمام سبدها رزمه جیبی های بسیار، بنامات رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که حداقل دستمزد کارگران همچون سال گذشته بمقدار ۶۲۵ ریال تثبیت خواهد گردید و تنها مبلغ ۴۰ ریال بعنوان "حق پایه" بکارگرانی که در ارتکاب سال گذشته با آنها سهواً تعدیل مگرند، حق آنکه در سال جاری حق خواهند داشت که مبلغ ۲۰ الی ۶۰ ریال بکارگرانی که ارتکابان رضایت ندارند بپردازند. این تصمیم مدکارگری رژیم در شرایطی صورت میگیرد که در همه عظیمه فقر و فلاکت کارگران و رزمندگان، موجبات بروز خرابیها گسترده اعمال کارگران برای احراز دستمزد گردیده است. خواهی از این دستمزد بپردازند و بپردازند بجز در محورهای عمده مبارزات انضامی کارگران است. چرا که سوجه سرج فرایند رژیم و مضرطنی اما در حقی دولت (همانطور که در سال ۱۳۵۷ نشان دادیم)، حداقل معیشت ۲۲۲/۵ درصد دستمزد کارگران اضافه شود تا سطح زندگیشان در حداقل گذشته ثابت نماید اما در راه حداقل واقعی احراز دستمزد درآمده مضر خود را خواهد گشاید.

نورمگونی جامعه که ناشی از مصادفای دانی سرمایه داری بوده و ارسال از بهای نظریه بدیده است، باعث می شود که سطح زندگی کارگران و رزمندگان روز بروز پایین تر آمده و زندگی سخت تر از آنها را هم سخت تر شود و اما در عین حال سرمایه داران روز به روز ثروتمندتر می گردند.

سازمان بنام **بنیاد احراز دستمزد** در صدد گسترش حقوق کارگران که حداقل آنرا بمقدار ۹۰۰ ریال قرار داده، با راهی راه کارگران رنجبران میسازد. سیاست زندگی فلاکت بار سال گذشته خود را تکرار می نماید، اما با تمام اهرم دولت، کارگران به زندگی بیقرار فلاکت زوی سر تا سر آمدند. مسلم است اینکه تصمیم رژیم مبنی بر عدم احراز حداقل دستمزد کارگران، عکس العمل مبارزاتی گسترده ای را از سوی کارگران پدید خواهد داشت. این حقیقتی است که خود رژیم سرگردان و غمگین دارد تا با استیفات عوام فریبانه خود بیست و نه روز به خواب داده و این اقدام مدکارگری رژیم را به نفع طبقاتی احراز دستمزد در تمام ابعاد این کشور و تمام عرصه ها، اما با این وجود این سوال مطرح می شود که هدف رژیم از این اقدام چیست و عوام فریبان این درگاه است؟  
اینکه به راه توسط بنامات رژیم از حق

## اعتصاب در کارخانه پارس الکتریک

اعتصاب کارگران پارس الکتریک (سهران) در پی افزایش دستمزد و حقوق آنها صورت گرفت. کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب پس از مدتی با رضایت کارخانه منتهی شد. کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب پس از مدتی با رضایت کارخانه منتهی شد.

اعتصاب کارگران پارس الکتریک (سهران) در پی افزایش دستمزد و حقوق آنها صورت گرفت. کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب پس از مدتی با رضایت کارخانه منتهی شد. کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب پس از مدتی با رضایت کارخانه منتهی شد.

## اخراج کارگران شرکت انزک و چپاول دستمزدشان

سود و بیگانه خون سرج بر سر انداختند و در پیرویه شرکت داده و به طایفه عینی رسید. کارگران میگویند خواهی از این اقدامات مبارزاتی خود به نفع احراز دستمزد و حقوق آنها، اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب پس از مدتی با رضایت کارخانه منتهی شد.

شرکت انزک در پی افزایش دستمزد و حقوق آنها صورت گرفت. کارگران این شرکت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب پس از مدتی با رضایت شرکت منتهی شد. کارگران این شرکت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، اقدام به اعتصاب کردند. این اعتصاب پس از مدتی با رضایت شرکت منتهی شد.

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



گوی دولت گرفته تا مسئولان وزارت کار) بعنوان نوجویی جهت یا شن نگه داشتن دستمزدها و عدم افزایش آنها، بیان شده، این ادعاست که گویا افزایش دستمزدها موجب بالرفتن قیمتها خواهد شد و بنابراین برای مقابله با تورم (افزایش قیمتها) میبایست دستمزدها را ثابت نگه داشت (ما در باره این شهادی و کوششهای عوامفربانه سرمایه داران در بیگانه شماره ۵۰ توضیحات لازم را داده ایم. در این رابطه معاون پارلمانی و نظارت وزارت کار و امور اجتماعی، دکتر فریخ سیاست دولت در باره مردم میگوید:

"افزایش دستمزدها بدین افزایش تولید و انضباط مستقیم و پیوسته داشته باشد تا سبب حجم پول در گردش و میزان کالای عرضه شده را برهم نزند. همین لحاظ وزارت کار و امور اجتماعی تلاش میکند تا اینک به بالرفتن قدرت خرید کارگران کمک کند حتی المقدور شرایطی بدهد تا آنها جرنهای سی رویه روستا شیان به شهرهای بزرگ جلوگیری نماید و در جوان نیز از جا بجا نشی نایبندگان ما به اصطلاح از جا بجا نشی کارگران از بعضی به بخش دیگر صنعت خودداری گردد." (۸)

این مطلب بیانگر مسئله است: نخست آنکه رژیم قهدها رد علت کمبود دستمزدها کارگران را کمبود تولید درجه سه جلوه دهد. و بدین ترتیب کارگران را با میدان افزایش دستمزدها در رسد تولید هر چه بیشتر ما ختم و بر شدت استعمار آنها و نتایج تخریب سود سرمایه داران با افزایش درجا لیکه تورم موجود ناشی از تضادهای ذاتی سیستم سرمایه داری وابسته میباید شود و در اصل متضاد دارد: راه نخست راه انقلابی است که بحران را بطنج کارگران و زحمتکشان حل میکند، برای کسی که در چهار چوب سیستم موجودا بکان پذیر نیست.

**و اما راه دوم راه انقلابی و سرمایه دارانه میباید که بحران را بطنج تکمیل فقر و فلاکت بیشتر کارگران و زحمتکشان، برای مسدود کردن راههای مبارزین میباید. یعنی همان راهی که رژیم جمهوری اسلامی با انتقال فشار بحران بر دوش کارگران از طریق استعمار و وحشیانه تر آنها، سعی در انجامش دارد. آری بیهوده نیست کسی که رژیم از یکسویه سرکوب میا روزات حق طلبانه کارگران میبرد و از سوی دیگر با کمسک نوکران روبرو میبندد تا شاکا کارگران را به افزایش دستمزدها و واقع افزایش استعمار و محرومیتها بشان وادار سازد.**

نکته دوم، مربوط میشود به ادعای مساوی

۸ - روزنامه میزان ۶۰/۳/۵

نگاهی به بودجه سال ۱۳۶۰ بیندازیم، در بودجه سال ۶۰ سهم مالیاتهای غیر مستقیم در درآمد های دولت به نسبت سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است. به عبارت دیگر در سال ۶۰ مالیاتهای سروری اجناس مورد مصرف کشیده میشود و باعث گرانتر شدن هر چه بیشتر آنها خواهد شد. سهم بیشتری در درآمدهای دولت خواهد داشت. این مسئله باعث خواهد شد که قیمت اجناس با زهم بالاتر برود و مصرف کارگران و زحمتکشان با زهم کمتر شود. زیرا فشار این مالیاتها هم مثل مالیاتهای مستقیم با لایحه بردوش کارگران و زحمتکشان قرار میگردد. بنا بر این میبندیم که رژیم سرمایه داران جلور از یکطرف ادعای افزایش قدرت خرید کارگران را میکنند و از طرف دیگر با ثابت نگه داشتن دستمزدها و با افزایش مالیاتهای غیر مستقیم، قدرت خرید آنها و به عبارت دیگر میزان مصرف آنها را با زهم محدود تر میکند. برای اینکه تصویر روشن تری ترسیم کنیم وضعیت از این قرار است: قیمتها روز به روز با طرور با لایحه میروند، دستمزدها همچنان ثابت میمانند، عده زیادی با طرور بیکاری و ناشی کار رحتی همان دستمزدها را هم ندارند، رژیم جمهوری اسلامی برای دفاع از منافع سرمایه داران با وحشیانه ترین شکلی دست به سرکوب میسازد طبقه کارگر برای افزایش دستمزدها میزند و... نتیجه: کارگران علمبرغانی بکنه بیشتر و بیشتر کار میکنند و استعمار میشوند، اما با زهم فقر و فلاکت بیشتری دانگیشان میشود و سرمایه داران روز به روز غنیتر میشوند و برتر میشوند و زندگی آسوده و راحت تر آری اینست سرمایه داری و اینست رژیم جمهوری اسلامی.

اما از همه اینها که بگذریم میبندیم کسی حد اکثر میلیتی که میباید دستمزدها کارگر با سابقه اضافه شود، ۱۰۰ ریال میباشد، کسی که در این صورت نیز با توجه به حداقل دستمزدی (۹۰۰ ریال) که طبق محاسبه خود رژیم به بدیداخت شود، حداقل سطح زندگی چنین کارگرانی نسبت به سال گذشته، فاصله زیادی وجود دارد. بدین ترتیب واضح است که این "تلاش"های رژیم به تنها موجب "بالا بردن قدرت خرید کارگران" نمیشود، بلکه جز در حدت فریب آنها و دانگین زدن فقر در میان شان نیست.

و اما نکته سومی که آقای معاون وزیر رسمی دار دیده بوده ها الحاق کند، اینست که گویا "مهاجرت" های سی رویه روستا شیان به شهرهای بزرگ "و با" جا بجا نشی نایبندگان ما کارگران از بعضی به بخش دیگر صنعت "از عوامل پاپین آمدن سطح زندگی کارگران و زحمتکشان است. درجا لیکه و لا خودا بین بدیده "مهاجرتهای سی رویه" چیزی جز مهاجرت دهقانان و ورشکست خانه خراب شده بر شرا کمیت سرمایه داری سر نشیده در صفحه ۳۰

وزیر کار و معینی سر "تلاش" رژیم برای "بالا بردن قدرت خرید کارگران"؟ آشتا منظور آقای معاون از این "تلاش" افزودن ۴۰ ریال "حق پایه" برای آنها که پیش از یکسال سابقه کار دارند، و دادن **اجازه** به کارفرمایان برای پرداخت مبلغی بین ۴۰ تا ۶۰ ریال جهت "توسیع" کارگران، میباید شد. خوبست که در اینها به این "تلاش"های سخاوتمندانه رژیم برای "بالا بردن قدرت خرید کارگران" نظری بیافکیم:

میبندیم که اولاً با توجه به ارجاهای متعدد و عدم استفاده رسمی بسیاری از کارگرانی که چند سال سابقه کار دارند، توسط کارفرمایان در دستمزدی از کارگران میتوانستند از ۴۰ ریال "حق پایه" استفاده کنند. ثانیاً با محول کردن پرداخت ۴۰ الی ۶۰ ریال به تصمیم کارفرمایان روشن است که آنها از پرداخت این مبلغ حتی الامکان خودداری خواهند کرد و تنها به مزدوران و حامیان خود بعنوان دستمزد خواهان پرداخت، مثلثاً رژیمهای سرمایه داران سعی دارند بدین وسیله رقابت را در میان کارگران دانگین زدن. این رقابت باعث مسخودگی از یکطرف کارگران به میدد و باعث دستمزدها بیشتر کارمندی کرده و شدید تر استعمار و رشوند و از طرف دیگر با ابعاد فقر و تنگدستی در صفوف کارگران و جدت مبارزاتی آنها از این برود و در نتیجه نتوانند دستها به مبارزه خود بر علیه سرمایه داران آدا دهند و جدا قل به بعضی از خواستهای خود بر سرته. اما مهمترین از همه این مسئله است که



رقابت بین کارگران باعث میشود که سرمایه داران بتوانند با استفاده از این رقابت به این هم دستمزدها کارگران را کمتر کنند. رقابت بین کارگران یکی از بهترین حربه هائی است که سرمایه داران سعی میکنند همیشه از آن استفاده کنند. عوامفربانی رژیم جمهوری اسلامی یعنی حکومت سرمایه داران وقتی روشتر میشود که

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



# خلق ها و مسئله ملی



**حزب دموکرات با حمله به کومله در مقابل خلق کرد ایستاده است!**

مروری بر دریافتیهای حزب دموکرات با کومله در اطراف مهاباد

## ریشه ها و علل حمله حزب دموکرات به کمونیستها

احزاب حزب دموکرات در ادامه سیاستهای ضد دموکراتیک خود در جهت سرکوب نیروهای انقلابی کردستان، طی حلقاتی به پیشترگان انقلابی کومله، به سبب آزارها را تشدید رسانیدند و سبب بلا در تفرقه ماندن انقلابی پیشترگان کومله در جهت دفاع از دستاوردهای دموکراتیک دوماال و مقاومت حماسه آفرین خلق کرد، شدند. از افراد مسلح حزب گذشته و حشدی غیرمجموعه اند. ماجرا حشدها در کمربندیهای اخیر روستاهای مهاباد در اثر شورشهای پیشین به تفصیل شرح دادیم. آنچه در اینجا مورد نظر ماست سررشتهای علل و ریشه های این حملات ضد انقلابی حزب دموکرات به کمونیستها بویژه به کومله در روزهای اخیر و اوضاعی سیاسی است که از جانب حزب به چنین درگیری منجر شده و سبب موجبات خوشحالی دشمنان و جلادان خلق کرد و پیشترگان روستا و سبب آزارها هم آورده است. برای شناخت و بررسی علل و ریشه های این درگیری مروری بر گفته هایی از اعدای ضد انقلابی حزب و دشمنی آن با کمونیستها ضروری است:

- مهاباد ۵۹/۹/۷۵ دستگیری و آزار چهار تن از پیشترگان کومله که یک حاش را جهت ساز-جوشی به مهاباد میسر دهند.

- مهاباد ۶۰/۹/۳۰ تن از پیشترگان مهاباد توسط افراد مسلح حزب دموکرات خلق صلاح شدند.

- سوکان ۵۹/۱۰/۵ افراد حزب بطور مسلحانه به مینینگ کومله حمله کرده و به ضرب و شتم مردم و پیشترگان کومله پرداختند.

- سوکان ۵۹/۱۱/۲۰ افراد حزب به روستای "حما میان" حمله کرده و ضمن دستگیری اعضای شورای انقلابی روستا، به مابوستا و کومله لگنه توهین کردند.

- سوکان ۵۹/۱۱/۲۴ افراد مسلح "حزب دموکرات" برای آزادی یک سرما به دار پیشترگان کومله راه یگان سه و یک بشمرگه و یک کودک خردسال

را مجروح کردند. پس از این واقعه جمعی از افراد حزب به فرزندگانی تشریفات نیروهای انقلابی حمله کرده و بیشترها و اعلامیه ها و تشریفات انقلابی را باره کرده و چند نفر را دستگیر کردند.

- سوکان ۵۹/۱۲/۲۷ افراد حزب دموکرات با وحشیگری به مهاباد و مهاباد حمله کرده و به کمونیست مهاباد، رفقا محمود لایمان، ماسی جلالی و ظاهر ابراهیمی را شکنجه رسانیدند. آنها چندین نفر را مجروح و پس از عازت اموال سازمان حدود ۳۰ نفر از رفقای ما را دستگیر کردند.

... و ...

وقتی که اعدای ضد انقلابی موی را سه سر نیت تاریخ و موج آنها از بیایی کرده و آزار در کتا ربحی گسترده اخیر حزب به پیشترگان کومله فرا رسیدیم درمی یابیم که ما گذشت زمان داده دشمنی این حزب با کمونیستها و بیشتر از اجتناب تا بدیوری با خلق کرد گسترش یافته و به حمله مسلحانه مستقیم دستگیری و ضرب و حشر و انقلابیون کمونیست، طم غلاخ و کشتن کمونیستها کشیده شده است.

با نگاهی به فرازونشیب دوماال مقاومت حماسه آفرین خلق کرد و دستاوردهای گرانسپای آن، میتوان دریافت که علیرغم تلاشهای سرکوب گرانه رژیم و کارگیری اشکال پیچیده تری از سرکوب توسط جمهوری اسلامی، حسن مقاومت همچنان ندا و جوش را حفظ کرده است. چنین روندی بدون تردید نمیتواند جدا از شرکت فعال کمونیستها مورد آزار سیاسی قرار گیرد، چه دقیقاً موجود است کمونیستها در جنبش خلق کرد، بیان آن را بدینگونه است که بر اساس آن حسن مقاومت در مقابل جناحیات و نوظفته های گسترده رژیم در کردستان، تاکنون با بیستداری نبوده است. علاوه بر راستای این پرونده،

شماره در صفحه ۲۷

علیرغم توافق حزب دموکرات جهت آتش بس و سادله اسرای طرفین با کومله در تاریخ ۶۰/۲/۲۹، حزب دموکرات کماکان دشمنی خود با کومله را ادامه داده و با سرپا گذاشتن مفساد شواغله به تبلیغات، دروغ و غیراکنی و حملات مسلحانه خود به کومله و هواداران را گسترش داده است. ما نسی اعلام حمایت همه جانبه خود از سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) به خلق رزمنده کرده و خلقهای سراسر ایران، به تمام کمونیستها و نیروهای انقلابی و مترقی هند را داده و یادآوری میکنیم که ادا ما بسن تفرقات ضد انقلابی حزب دموکرات به پیشترگان انقلابی کومله، باعث گسترش هر چه بیشتر ناخوشی و تا زریسم جمهوری اسلامی در کردستان مهاباد گشته و با فراهم آوردن زمینه های شکست جنبش مقاومت موجب با یمال شدن خون هزاران شهید و زخمی خلق کرد و دستاوردهای دموکراتیک دو سال مبارزه حماسه آفرین این خلق شنیده شده خواهد گشت. بیاییم ما از این نیروها صبیح خواهم که ما تمام قوا به مقابله با نوظفته های حزب دموکرات برخاسته و ما هم ارتداد بسن کردستان به عرصه سرادگرشی توسط حزب دموکرات گشته و از با یمال شدن حقوق خلق شنیده شده کرد جلوگیری نمایم.

ما باید بررسی تا کید برای سکنه کس مسئولیت کلیه پیامدهای ناگوار درگیری های احتمالی حزب دموکرات با کومله، به عهده حزب دموکرات میباشد. خواهان حل اختلافات میانین از طریق مسالمت آمیز و مذاکره، استرداد گروگانها و پایان دادن به حوا رعب و تشویر و خلقان ایستاده توسط حزب دموکرات، میباشد. در مورد نوظفته های اخیر حزب دموکرات، کومله طی اعلامیه ای به خلق کرده و همه نیروهای انقلابی ایران هند را داده است که ما ضمنی نشی از اعلامیه مذکور را در اینجا میاوریم:

هدار کومله به خلق کرده و همه نیروهای انقلابی ایران!

همسهمان مبارز!

خلق رزمنده کرد!

بش از بسجرت روزا ز درگیریهای که حزب دموکرات در ادامه سیاستهای علیه کومله، به ما تحمیل نمود، میگردد. ما طی روزهای درگیری آنچه در سوکان نا شتمینکا برسدیم تا از توسعه آن جلوگیری نمایم، با آتش بس و مذاکره

### حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



موافقت کردیم و در جریان آن توافقنامه‌ای را به تاریخ ۶۰/۲/۲۹ با حزب دمکرات به امضاء رسانیدیم که به موجب آن می‌بایستی طرفین بین آزادیهای دمکراتیک را محترم شمرده و اختلافات خود را از طریق سیاسی و مذاکره حل کنند و همچنین فرارندوندان میان طرفین با اسلحه و سایر فلش‌ها ریزند و هیچکس جهت چهارشنبه می‌باید گزند. توافقات ما برپایه یک سیاست ملی بود که از ابتدای جنبش مقاومت در پیش گرفته و ما را از آسایش مردم اعلام نموده بودیم. بعضی اینکه ما مخالف درگیری نظامی با حزب دمکرات بوده و هستیم و از جانب خود تاکنون حتی در یک مورد نیز این سیاست خود را نقض نکرده ایم. سببیم در برابر سیاست اصولی و روش ما حزب دمکرات چه می‌بایستی داشته است؟

حزب دمکرات همواره از این موضع ما سوء استفاده کرده و از هر فرصتی برای اختلال در فعالیت سیاسی و نظامی ما بهره‌برداری کرده است. دستگیری و شکنجه پیشمرگان ما، دستگیری و شکنجه هواداران مسلح و غیرمسلح ما، دستگیری و توهین و کتک کاری گمانی که در برابر سیاست‌ها و ضددمکراتیک حزب ما رزده کرده اند تحت عنوان اینکه کومله آنها را تحریک کرده است و مدعا مودرا را این قبیل تبلیغات با همه پراگندگی علیه کومله کار رهبری حزب بوده است ...

... ما وجود اینکه در مذاکرات اخیر با حزب دمکرات سرانجام به مفاخ توافقنامه‌ای مبنی بر عدم تعرض و تلاش برای حل اختلافات از طریق سیاسی و مذاکره دست یافتیم، ما با بزودی آشکار گردید که این توافقنامه از جانب حزب دمکرات ظاهری بوده و به هیچ وجه خود را ملزم به رعایت آن نمی‌بیند. حزب دمکرات از همان ابتدا آتش بس مورد توافق را رعایت نکرد و در طرف ما با چندین بار جمع کردن نیرو و حمله به مواضع پیشمرگان کومله، ما را با زهم آزمايش کرد. گذشته از آن با بیانه‌های توهین‌آمیز و بی‌مباهیه علیه ما و تبلیغات ضد ما در مطبوعات و رسانه‌ها و بی‌مباهیه و بی‌اخلاقیت ...

... هر روز که به تاریخ نهایی ما دله تعیین شده از طرف هیات چهارشنبه یعنی ۱۳۶۰/۲/۲۹ نزدیک می‌شدیم به خلاف توصیه‌ها و تذکرات مکرر ما به هیات چهارشنبه و از این طریق به حزب دمکرات به تنهایی هیچ اقدامی از طرف حزب برای انجام امر ما دله صورت نگرفت بلکه تنها بندهگان آنها در جریان مذاکرات آشکارا اعلام کردند که توافق اخیرتان در مورد ما دله کامل گروگانها مطابق سیاست حزب نبوده و گمانیکه آن را امضاء نموده اند، با شما دکرده اند آیا اینحال ما بسیر طبق موافقتنامه که شده که جدید کارها را چهارشنبه را پیش بینی کرده است گمانیکه شما ما کردیم که هیات چهارشنبه به کار خود ادامه دهد.

اما مسئله بدینجا ختم نشد و تمامی عملکردهای حزب در روزهای اخیر پیوسته در منطقه سوهنت نشان می‌دهد که حزب دمکرات نقشه‌های دیگر و بزرگتری در سر می‌پرورانند.

افراد مسلح حزب طی روزهای اخیر بسراسر راههای اصلی عبور و مرور پیشمرگان ما کمین کرده و یکی از موارد آن ایجاد درگیری در نزدیکی "واوان" بود که در آنجا با وجود اینکه قصد خود را مبنی بر عبور به آنها اطلاع دادیم، راه را بسراسر عبوریک کاروان ما بستند که ما قبلا جزئیات آن را طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده بودیم در حالیکه حزب دمکرات به کمین گذاری و حمله آشکارا بسراسر پیشمرگان ما در سوهنت دست می‌زند از اینسوی خود در وضعی بیخ میگردد مبنی بر اینکه کومله پیشمرگان ما در مریوان چهل نفر را از آنها را طبع سلاح کرده است که ما بلافاصله تکذیب آنرا به هیات چهارشنبه اعلام کردیم، به این ترتیب آنها نشان دادند که با اینگونه دروغها گنسی قصد وسیع ماری برای جریانات سوهنت را داشته اند.

حزب دمکرات در ادامه عملیات خود علیه کومله چندین از پیشمرگان ما را که به مرغسی رفته بودند، در جاده پیرا شهر سردشت دستگیر نموده است. ما برای اینکه طبق موافقتنامه از توسعه درگیری‌ها اجتناب کنیم، نیروهای خود را از "سویسی سردشت" به "گورک سردشت" آوردیم. زیرا پیشمرگان ما هر آنجا خطر کمین گذاری و حمله افراد مسلح حزب رو می‌یابند، ما از اجتناب از استعمال ماینرید بصورت بهره‌برداری گردید: اولاً - شروع به دستگیری و شکنجه و تارت اموال هواداران مسلح و غیرمسلح ما نموده و خانواده‌های پیشمرگان ما را تحت فشار و آزار قرار داده است.

ثانیاً - در حال سازمان دادن نیروهای خود برای حمله به پیشمرگان ما در ناحیه ربه میماند (معلومی نیست که تا هنگام پیش این اعلامیه حمله را عملاً آغاز نموده‌اند).  
ثالثاً - پس از این جریانات سردشت بود که ما بناچار برای متوقف ساختن تعرض حزب بسراسر روی پیشمرگان و هواداران کومله و حفظ جان آنها عده‌ای از افراد حزبی را در جاده‌های اطراف سردشت دستگیر کردیم.  
خلق رزمنده کرد!

ما با رها گفته ایم که درگیری بین ما و حزب به جنبش مقاومت خلق کرد لطمه می‌زند، زیرا در نتیجه آن حکومت جمهوری اسلامی قادر خواهد شد تسلط ارتجاعی و سیاسی خود را بر طبق کردنیسیر اعمال نماید. ما بر این بر طبق حقیقت حقوق منتهای سخی خود را بکار برده ایم تا اگر چه حزب دمکرات به آن وقتی تنها در ۲۰ طریق سیاسی ما به ارگسترش تعرضات حزب گردیم و از تمام عمل متقابل خودداری کنیم، اما رهبران حزب دمکرات اکنون سیاست اصلی خود را بر اساس حمله به کومله و تلاش در جهت با ما بال گسیختن دستاوردهای دمکراتیک جنبش مقاومت فلسطین کرده اند.

... حزب دمکرات که اکنون در سردشت به ما میانه

تحریکات و اعمال مداخلاتی خود علیه کومله اعزده است، چرا که اعلام صریح موضع خود علیه سیهود؟ ما بدینوسیله به خلق کرد و پیشمرگان حزب دمکرات اعلام می‌کنیم که ما در این امری توافقنامه‌ای خبرتها پیدا می‌کنیم مشولیت را نشان داده ایم و ما آنچه حزب سیر به اجرای آن با سینه یا شد، امکان هیچگونه برخوردی با ما نیست. طرفین وجود نخواهد داشت و از حزب دمکرات کردستان سیر ما می‌خواهیم که سیاست خود را در ایسور در روشن نموده و آن را اعلام نماید. در غیر این صورت ما را با طبع کردیم ما مال سیاست‌های ضددمکراتیک رهبران حزب خواهد کردیم و کودکان ایران انسان دیگری در خاک و ریشه خواهد شد.

خلق رزمنده کرد!

زخمگستان کردستان!

حزب دمکرات در حال سوطه جسی و با جسم و سینه را ز گذشته به پیشمرگان کومله در جهت سیاست "حزب مختاری" است. ما بر اجتناب از سید هم که حزب دمکرات درسی ایجاد کند تمام عیار را کومله میماند ...

ما مسلماً با قاطعیت تمام در برابر سرتها جانب آنها ایستادگی نموده و نتایج و آنتان را نکست رو برو خواهم ساخت.

اما آنچه در اینجا مهم است این است که بین تعرضات حزب مسلما راه را برای گسترش هجوم رژیم جمهوری اسلامی و به طبع کردنیسیر ما هم خواهد ساخت و حزب چه خواهد بود و در این عمل همکار مستقیم رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود. چنانچه شما خلق رزمنده کردنیسیر خواهد شد در برابر سرکوب و سرخس رژیم جمهوری اسلامی سرخس کنید. چنانچه سحر خواهد شد ما ج اردمکراسی در کردستان ادامه دهد و تسلیم سرور و رژیم نشوید. ما با از هر طریق ممکن ما اس سیاست حزب به مفاصله بر خیزید. غیرا را این راهی نیست با ما رزه در راه حفظ و کسب دمکراسی با تسلیم سرکوب و خفقان شدن، سرکوب و خفقانی که در نتیجه هماهنگی و پیوند عملی سیاست حزب و رژیم جمهوری اسلامی شامل خلق کرد خواهد شد.

مبارزین گرانز رهبری حزب دمکرات می‌خواهیم که: ما ما وارد می‌شاید گره شوید. به ما دله تمام گروگانها از دو طرف رعایت دهند. به دستگیری و آزار و اذیت هواداران ما در سردشت و ایجاد جو خفقان در آنجا خواهد شد و ما به ما سید شما بند که در اختلافات خود به راه حل نظامی مشورتن نخواهند شد.

در غیر این صورت ما نسبت به تمام ما بجای که در اثر سیاستهای حزب دمکرات سیر خواهد آمد. به خلق کرد و همه نیروهای انقلابی ایران هندا رسیدیم.

ما از همه نیروهای انقلابی آگاهان ایران می‌خواهیم که فعالانه و مسئولانه در این رویارویی دخالت کنند و با اتحاد مواضع روشن و صریح انقلابی ما اردمکراسی در ایران بیاری نمایند. ما زمان انقلابی زخمگستان کردستان ایران (کومله ۱۳۶۰/۲/۲۵)

## تظاهرات اول ماه مه در خارج از کشور

دانشجویان کمونیست هوادار مارکسان ما، حرکت در سطرهای اول ماه مه در شهرهای آمریکا و اروپا مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران را همان کارگران کشورهای اسپانسی برده و همسنگی بین المللی کارگران ایران و جهان را با شعارهای انقلابی خودشان کردند. **پاریس:** رفقای هوادار در شهرهای پاریس و مسکو و برکلی در سطرهای "کمونیست انقلابی" RCP حرکت نمودند و همسنگی کمونیستهای ایرانی و آمریکایی را منعقد کردند. سطرهای ما یورش بساط فاشیست آمریکا را بر سر زدند که در آنها فرد سگمروکی از رفقای ما حضور داشت.

**لندن:** رفقای هوادار که مبارزات بسیار مبارزانه و مبارزانه با هواداران انگلیس برگزار کردند. سطرهای ما در اول ماه مه اعلام نامه کردند که در آن جنبش اتحادیه ای میانه ای را میانه ای خود کردند و در سطرهای دانشجویان کمونیست هوادار برای انگلیس همسنگی کارگران ایران و کارکنان در سطرهای (مارکسیست لنینیستهای کارکنان) شرکت نمودند.

**سائپا:** رفقای هوادار ما و رفقای املید در سائپا در مختلف از جمله روم، فلورانس و... در سائپا مبارزاتی خروش چشم کارگران ایران را منعقد کردند.

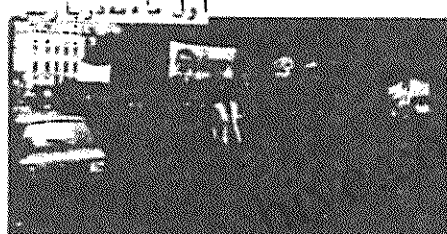
مبارزه اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه هوادار مارکسان "پیکار" همراه رفقای هوادار که در سطرهای مبارزاتی شرکت مارکسان در فرانسه پیرو لنینیستی (مبارزه) دانشجویان ترک و کارگران ترک، اول ماه مه در ورجهای کارگران ایرانی داشتند.



اول ماه مه در پاریس  
این سطرهای که تک ساعت طول انجامید شرکت کنندگان انقلابی ناروخته ای کمونیستی و انقلابی سادان شعارهای رسیده سادان اروپا سونا لیم کارگری، برگ سربا نسیم فرانسه، برگ سرفاسم در ترکیه، برگ سربا نسیم و ارجح داخلی در ایران، کارگران فرانسه - مهاجر، ساوی در تمام حقوق، سن است کسار در کردستان ایران و رسیده با رزات کارگران ایران و جهان... همسنگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به نام سائپا



کدامند. در اینجا پیشرفت عکسهای رهبران سولنا را مارکس، انگلس، لنین و اسالین حمل مسدود کرده اند. شعارهای کوبنده و رفقای شرکت کنندگان سائپا در کارگران و زحمتکشان ایرانی و مهاجر گردانند. در این راه همسنگی کمونیست آمریکا کارگران سائپا (حومه پاریس) شرکت داشتند.



## مراسم اول ماه مه در پاریس

● روز سوم به از طرف مارکسان پاریس عموماً تظاهراتی هوادار مارکسان با جنبش سیاسی برگزار کردند که ۲۵۰ نفر در آن شرکت داشتند که رفقای ما جوانان مقاله ها می به عمارتی و عمارت مسائل مربوط به زحمتکشان ایران و اوضاع سیاسی جامعه را مطرح کردند. در این برنامه سرودهای انقلابی، نغمه ای از سونوک، موسیقی کسری و آوارهای انقلابی با حراد آمده و رفقای باطن انقلاب در جشن مفاومت خلق کردند و اجرای تئاتری در مورد جنگ ارجحی کمونیستی و ایران سیر زندگی زحمتکشان به دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران بودا کنند.

● به مناسبت اول ماه مه در پاریس میباید دیگری برگزار کردید. سازمانهای برگزار کننده عبارت بودند از: اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه هوادار مارکسان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (UEIF)، هواداران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)، فدائیسون زحمتکشان ترک در فرانسه (FTTF)، اتحادیه دانشجویان ترک در فرانسه همکشف در اسپانیا دانشجویان در خارج (UETF) و سازمان کمونیستی مارکسیست

لنینیست "راه پرولتاریا" هدف از برگزاری این سخنرانی آن بود تا یکبار دیگر وضعیت کارگران و زحمتکشان در ایران، ترکیه و فرانسه تشریح گردد و مبارزه انقلابی آنان معرفی شود. اس اتحاد عمل بیابگران بود که طبقه کارگر و یک طبقه بین المللی است و اینترناسیونال کمونیستهای سوا رجهان میباید که به مناسبت اس اتحاد عمل کمونیستی نیروهای برگوار کننده نشانه مشترکی منتشر نمودند که در آن طی بیانیه ها می در راه مبارزه طبقه کارگر در ایران و ترکیه و مبارزات طبقه کارگر فرانسه و کارگران سوا حرمم فرانسه سخن گفته شده است.

<p>COMITE REVOLUTIONNAIRE POUR LA LIBERATION DE L'IRAN</p>	<p>COMITE REVOLUTIONNAIRE POUR LA LIBERATION DE L'IRAN</p>
<p>COMITE REVOLUTIONNAIRE POUR LA LIBERATION DE L'IRAN</p>	<p>COMITE REVOLUTIONNAIRE POUR LA LIBERATION DE L'IRAN</p>

Unité révolutionnaire  
Lutte internationale

مهرت روزنامه  
مبارزه انقلابیست!

در قسمتی از بیانیه مشترک هواداران سازمان ما و هواداران کومله چنین آمده است: "طبقه کارگران ایران رژیم شاه را به ریشه دوان نابریخ انداختند. رژیم جمهوری اسلامی جز این سرشت دیگری ندارد. بیابراین طبقه اساسی کارگران و توده های زحمتکش جهان است که به حمایت متقابل دست زده و از طبقه کارگران ایران در مبارزه برای سوسیالیسم پیشانی میباید. برگ سربا نسیم امپریالیسم جهانی و ارتجاع، زنده مبارزه دمکراتیک - فدا امپریالیستی طبقه کارگران ایران! زنده مبارزه با سلطه ها خلق کرد در ایران! بیشتر سوی جمهوری دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر! زنده باد امپریالیسم سوسیالیستی و لنینیستی!"

علاوه بر این اعلامیه مشترک به مناسبت اول ماه مه ۱۹۸۱ توسط همه سازمانهای شرکت کننده منتشر گشته که در رسمی از آن چنین میخوانیم: "... کارگران و طبقه های ستمدیده تحت فشار شرایط طاقت فرمای زندگی خود بیش از پیش و در سطوح مختلف به مبارزه انقلابی روی میآورند این واقعیت زرفدنیای کنونی است... صلح امپریالیستی با دنیا جنگ امپریالیستی و طبقه پرولتاریای جهان یکی است: متحد شدن برای سرنگونی امپریالیستهای وحشی و تمام متحدین آنها."

**از فعالیتهای رفقای هوادار سائپا**  
**در خارج از کشور**  
اتحادیه دانشجویان ایرانی هوادار مارکسان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر که در آمریکا فعالیت دارند لنینیستی از فعالیتهای سائپا در فرانسه

# دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

### جنایات سپاه پاسداران در زندانهای زاهدان و افسا کنیم!

اکنون مدتهاست که در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی زاهدان، تعدادی از رهزندان آگاه و انقلابی خلق، اسیر میمانند... آنان از استبداد و وجود شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی سمطورا عیان به دستگیریهای بدون دلیل و عدم رسیدگی به پرونده های خود، در اثنای سال مختلف با اعتراض و مقاومت سرخا شده اند.

اکنون برای چندمین بار است که آنان دست به اعتصاب غذا میزنند. آخرین اعتصاب غذای آنان از تاریخ ۲۵/۲/۶۰ شروع شده و از ۲۸/۲/۶۰ علاوه بر اعتصاب غذا، اعتصاب ملاقات نیز دست زده و از مسابقات با خا خوانده هاییشان خودداری کرده اند. رفقای انقلابی و کمونیست، زندان را بزرگ عرصه دستگیری از مبارزان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم تبدیل ساخته اند. و متفاناً با پاسداران سرما به سر و خفت رده و خشمگین از مها و مست دلاورانه رفقای زندانی، نوهین و شکنجه خود را نسبت به آنها گسترش داده اند. آنان مدیوحا به رفیق کارگری را سا دکنک گرفته و سبند معروف میسما بندویس از سبوت شدن رفیق کارگر، وی را در سوالینی که مستقما به جا آمده ملاقات و مسلسل بوده است، زندانی میکنند.

آنان سمطورا خلوگیری از گسترش اعتراضات زندانیان سیاسی و حرکت های جمعی آنان، رفقای دربند را در زندانهای سپاه، شهرتانی میخواندند و تقسیم مستما بند و مدت هوا خوری زندانیان انقلابی را کاهش داده اند. آنان به سبها شکنجه و آزار زندانیان انقلابی اقدام میکنند بلکه خوانده های زندانیان نیز از شکنجه جسمی و روحی محرومان رژیم در امان میمانند. آنها به خوانده های زندانیان انقلابی میکوشند "جهت ما کافر است و امام گفته است آنها را اعدام کنید..." اما دستان انقلاب تیریسا نوهین به خوانده های زندانیان سیاسی آنها را به رورا رانان سیرون کرده است... موهوران رژیم جمهوری اسلامی در زاهدان و خستیده از اعتراضات و سبج خوانده های زندانیان انقلابی لهی پراکنی خود بر علیه سازمانهای انقلابی و کمونیست را گسترش داده اند...

به نقل از: "سردبیلج" (۲۲۱) نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تکلیلات بلوچستان



خود، تنها هم جدید حزب جمهوری اسلامی به آزادیهای دمکراتیک و سیاسی نویس سرکوب در هیئت "فاسونی" آن، و سر جهره عوا مقربت لیسرا لهای مرتجع را در مخالفت با این سیاست و ما هیئت واقعی این مخالفت، سر ملا سازیم.

سروهای انقلابی و کمونیست، سنده است و سنها و رود سروهائی را آزاد گذارده است که مدافعین سگمر: رژیم جمهوری اسلامی و سوزواری ضد-انقلابی حاکم هستند. سروهائی از سبیل روسیونیستهای سوده ای و عدالتی اکثریت رژیم اکنون میگویند ما سوسل به این سروهائاستفاده از آنها در عوهای تلوسریوسی تحت نام عوامقربت "تحت آزاد"، خویشی را مدافع آزادی، دمکراسی و قانون قلمداد نماید. طبیعی است که کمونیست-ها میبایست این سیاست مرتب را که در دستداروم همان تاکتیک مدافقلابی "سبیده ماده ای" و در واقع اجرای عملی آن است، سوسما امتا کرده و ما هیئت در عوسی آن را سر ملا زنده و اهداف واقعی حزب جمهوری را در این رابطه امتا نماید اما طبیعی است که کمونیستها و متحلمسه

سازمان ما، "تحت آزاد" تطور کلی و با تحسنت شرایط معینی را مردود نمیشمارد و سوسرد آن سعی پیدا زنت، ما هیئتما نگه ره تر سوسی که رژیم سیر سنا رجس و افسا گری انقلابیون، در دسترس ما قرار سنده، در صورتیکه مکان بهره- سرداری از آن در جهت افشای جهره سوزواری و دفاع از مافع انقلاب، حتی در مفایس محدود آن، را همراه ما نماید. استغاده میکنیم، "تحت آزاد" را سیر، ما حسین مختاسی، ما یزمینساریم، ما آماده ایم تا در یک "تحت آزاد" بدون قید و شرط و زنده، سیرامون همین سیاست جدید رژیم در قالب "سبیده ماده ای" و ما هیئت واقعی تاکتیک بحث به اصطلاح آزاد، شرکت نمائیم و با افسا گری خود، شان دهم که در سب این ظاهر آرا سبه و ما کتیک مردم مرتب، چه سیاست مقدم بر کاتیک و مدافقلابی سهفته است، اما میباید که سوسمداران رژیم، درست به همان دلیلی که به افسا دانی سیاست پیداخته اند، از روی روش تاکتیک سبروی انقلابی در سراسر دینگان مردم، و سخت سراسر اناسی نویس مسائل سیاسی خامعه و سوسژه همین سبای سبده ماده ای و تاکتیک "تحت آزاد" رژیم (یعنی آنچه که در طی این مدت صورت گرفته است) هراس دارند و درست به همین دلیل هم سبها سروهائی که بحث میباشند که در اناسی نویس خطوط سیاست های خویش، از رژیم جمهوری اسلامی دفاع می-نمایند و سبها سیر این عمو آرا سبه در مخته را دیسوزو تلوسریون در جهت سماع سوزواری است. اگر رژیم جمهوری اسلامی و افما خواستار یک "تحت آزاد" باشد که سبست - و اگر هیچ هراسی از سخت سوسرما هیئت واقعی تاکتیک جدید خود ندارد که دارد - ما آماده ایم، ما به حول همین سیاست جدید - که از سبیده ما علیر عمو هر طاهرا را سده ای، سبیده عققان و سرکوب و تحسنت سوده سارا در برداشته است و داده رد - در سخت شرکت نمائیم، ما بر اساس آن سوده ها را هم سبست به این سیاست و تاکتیک گفته های خویش و هم سبست به مخالفت - ها شیکه از جانب و از موضع سوزووالیسرا لهای سبست به آن صورت میگیرد، به قضاوت فرا خواسیم. اما در همین حال ما سوزیدی خود را سبیده هم - و نداده ایم - که از سبجاری علی فعالیت آگاهانه

### سفر مقاله ...

سوزووالیسرا لهای در شرایط کنونی و آخر سبست نقطه امتا آنها در قدرت سیاسی، مهمترین حملات سبلساسی و سیاسی خویش را تا کنون، از این سوزووالیسرا لهای "حزب" وارد کرده است. حزب جمهوری اسلامی، با این سیاست جدید خویش، در واقع کامی در جهت خلق سلاح کردن تاکتیک لیسرا لهای، و گرفتن ابتکار عمل از دست آنها برداشته است و اکنون میگویند، ما "فانونی" کردن اقدامات ضد-انقلابی خویش در جهت سبند سرکوب و عققان، لیسرا لهای را از مهمترین ابزار سوسله سبلساسی و هجوم سیاسی خویش محروم سازد. در "سبای سده ماده ای" سخن از "تحت آزاد" ما هم سروهائیکه ملتر سبه "فانون اناسی" ما سندر عده است. میبایم که این وسیله، یعنی "تحت آزاد" تکی از کتات محوری سیاست "فانونی" گری لیسرا لهای ضد-انقلابی میباید. "حزب" به سوسوسله این سلاح را از دست لیسرا لهای گرفته است و در عرصه عمل سیریا سربا کردن "عوهای" تلوسریوسی، با این سیاست را سبگسرا سبه پیش برداشته.

بدین سوسبسیسم که چگونه حزب جمهوری اسلامی با اجرای یک سیاست مدافقلابی و عوامقربانه کامی فرا برد در جهت سبند عققان و سرکوب سیر - سبدا رد و سوده های این سیاست راهم اکنون در عرصه های گوناگون به نمایان گذاشته است. حزب جمهوری، و در واقع جناح سبلسط حکومت، اکنون این سیاست نویس را در قالب "لا یحبه فاسونی" به "مجلس سورا" ارائه داده است تا با تصویب آن با فراغ بال، هجوم خویش را به هرگونه مظهر آزادیها - ی دمکراتیک عینیت بخندد و در ما به آن، سرکوب سروه های کمونیست و انقلابی را در لسان قانون، هر چه بیشتر تشدید نماید. این است جوهر واقعی سیاستی که رژیم جمهوری اسلامی، بر مبنای سیاست حزب جمهوری اسلامی، هم اکنون در پیش گرفته - است. طبیعی است که کمونیستها و انقلابیون واقعی نباید در سراسر این هجوم مدافقلابی در جهت جدید آزادیها و سبند عققان و سرکوب تاکتیک سبسته و بدانی سب سبج ما قبی سبما سبند، افشای ما هیئت واقعی این سیاست مدافقلابی در بدین ماسک عوامقربت آن و سبج سوده های مردم محول مبارزه در جهت خفتی کردن این سیاست و تاکتیک مدافقلابی، مری است که سبوش سروه های آگاه انقلابی و کمونیست سبگسی سبکنند. سب آنکه در این مبارزه و تلاش، موه خویش را با لیسرا لهای خاشن، که عوامقربانه ما سبک آزادیخواهی را سر جهره خویش فرو کشیده اند، مخدوش سازند، با افسا گری بر علیه این سب عوامقربینی غافل سبما سبند.

در شرایط کنونی، این سیاست مدافقلابی حزب جمهوری اسلامی، از جمله در سخت به اصطلاح آزاد را دیسوزو تلوسریوسی خود را متسلط بر ما سبده است. این "تحت آزاد"، که در واقع به یک سوسی تلوسریوسی شیاهت دارد، از پیش و با توجه به معیارها - و ملاکها شیکه سبای سبده ماده ای و قانون احزاب رژیم، سبمیین کرده است، راه را بر ورود



# اخبار مبارزات توده‌ها



## بزرگداشت اول ماه مه در شهرهای مختلف ایران

### مسجد سلیمان

بدعوت تشکیلات خورستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، فرارسی بود در روز ۶۰/۲/۱۰ مناسبت اول ماه مه یک تظاهرات در شهر برگزار کردند. در این روز گفتی اقلیت سردرگم است شش بعد از ظهر دست به یک راهپیمایی عوامی زدند که با یورش اوسا شان و پیاستاران رژیم مواجه شد. این یورش در سطحی صورت گرفت که رفقای ما قصد تظاهرات از آنجا را داشتند. در پی این هجوم، اوسا شان و عا سوسان رژیم در حیاط آنها و کوجه‌ها در پی شکار انقلابیون بودند و در نتیجه رفقای ما تصمیم گرفتند تظاهرات خود را به روز بعد موکول سازند.

تا ساعت ۹ صبح روز ۶۰/۲/۱۱ تظاهرات تشکیلات خورستان سازمان بصورت عوامی، از مناسبت با راهپیمایی در آنجا آغاز گردید و در طول مسیر عده‌ای از توده‌های زحمتکش نیز به صف آنها پیوستند. تظاهرات کنندگان با مشت‌های گره‌کرده ضمن دادن شعارهای زیر، بار دیگر همبستگی و اتحاد خویش را با کارگران ایران و جهان و قدرت خود را در رژیم سرمایه‌داران و امپریالیسم بیان داشتند و به افشای رژیم و جنگ ارتجاعی کنونی پرداختند: "اتحاد، اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد، زحمتکشان اتحاد"، "زحمتکشان به امید، این جنگ ارتجاعی است - کشتار زحمتکشان، آوارگی، گواهیست"، "فریاد هر آواره، فریاد هر زحمتکش، بنان، مسکن، آزادی زحمتکشان ایران، سر می‌کنند فریاد، دیگر کسی است گریه، دیگر کسی است بیگاری"، "امپریالیسم، ارتجاع دشمن خود را، ما سودا می‌گردانیم"، "کارگر بی‌رواست، سرمایه‌داران سودا است"، "زندانی سیاسی آزاد می‌گردند - شکنجه، اختناق، ما سودا می‌گردانیم"، "دانستگاه‌ها این سنگ آزادی، سهم توده‌ها گشوده ما می‌گردانیم" و ... در میان این معرکه، بیلاکار درسخی که روی آن سونه شده بود "مستعبدان اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران"، شکوه‌هایی به تظاهرات می‌بخشید. ما بیلاکاران را عمارت بودند از: "رهبری طبقه کارگر ما من پیروزی انقلاب دمکراتیک و ما امپریالیستی ظلمت‌های ایران"، "کارگران جهان متحد شوید"، "زنده باد بیگار توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی"، "نورا های واقعی کارگری ایجاد می‌گردانیم" و ...

در بیان نزدیک کنندگان در مراسم، در محو ضمه - ای روی زمین نشسته و قطعاً ما را همبستگی فراشت گردید. و بدین ترتیب، مراسم با موفقیت به پایان رسید. در طول راهپیمایی، پیاستاران

## حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به روستای نخودچر

### کارگران زحمتکشان، مردم مبارز گیلان

روز بیستم ما عت ۲/۵ بعد از ظهر ساعت ۲۵ بعد از پیاستاران و جانفوکشان رژیم جمهوری اسلامی به محله نخودچر هجوم آوردند. مزدوران رژیم که به اسلحه گرم و سرد مسلح بودند، در هر یک از روستاها به عتده‌های عا بنکاری بنام حسین سمیعی مسئول آموزش اسلامی پیاستاران بود. نتیجه این حمله وحشیانه تیر خوردن دو نفر از زحمتکشان محله و زخمی شدن تعداد زیادی از زنان و جوانان و آتش زدن دو مغازه و عمارت و به زدن سیرازده خانه بوده است. پیاستاران سرمایه‌داریان محله از هیچ حیاطی نسبت به اهالی زحمتکش محله از رفقای ما سیراندازی و آتش زدن اموال مردم سیر نگذشتند. اما چرا این عمارت‌ها را می‌سوزانند گیلان دستور این حمله را صادر کرد؟

- ۱- نخودچر را برای تیراندازی است و رژیم امپریالیست‌ها یعنی زحمتکشان و آگاهی آنها و حشداران
- ۲- کشاورزان زمین یکی از ملکیان را به صادره کرده و زمین خود را به کشاورزان داده است.

۳- کشاورزان و نصابندگان نخودچر برای وام کشاورزی سال ۵۹ با سیروری قابل سازه کرده بودند. ۴- کشاورزان خواستار بنفوقگی کلیه به عتده‌های خود شده بودند و امسال سیراز پیاستاران و اموات پیاستاران کرده بودند. ۵- کشاورزان خواستار تحویل کود و نخلک و کودری بودند. ۶- کشاورزان از آگاهی بالائی سیر خوردار رسیده و نسل و نسل‌های انقلابی سیر به کوشش‌های سیاسی می‌کنند. ۷- محله نخودچر مرکز فعالیت نیروهای انقلابی بود و جوانان محل از آگاهی و تشکل خوبی برخوردار بودند. ۸- سیراز پیاستاران ارتجاع از اینها وحشت داشت و سیراز محله را زنده بود. سنگ و سیرت سیر رژیم جمهوری اسلامی! مستحکم‌ها با سیر زحمتکشان روستا بی‌علیه رژیم سرمایه‌داران!

اهالی روستای نخودچر ۶۰/۲/۲۸

## پیام "هواداران سازمانهای انقلابی محبوس در بندهای عادی زندان قصر"

۴- حذر دانی سیاسی را که در اندر زنگاه سواره ۶ سیر می‌بردید با طرا عتراض به عتارضه‌اندیشان به یکی از زندانیان سیاسی که بطلت مریضی سیر در سیر و ورزش اجباری نبود. به زندان قول عمارت انتقال می‌دهند و سوسان دیگر آنها راهم که برای برگرداندن آنها، سیر به سیر اعتبار نبوده بودند و تصور می‌شود به سیر در منزل عمارت انتقال می‌دهند که همگی آنها اکنون در سیر این زندان سیر می‌برند. رئیس این زندان شخصی بنام "احمدی" است که در زمان شاه شاه رئیس انفرادیهای زندان سیر بوده که سیر از سیر سیرا طرفت کرده زندانیان، دستگیر و ۲ سال سیر محکوم می‌گردانیم. اما از آنجا که سیر سیرت این مردورند ما مورد احتیاج رژیم جمهوری اسلامی بوده، به سیرت عید می‌شود می‌شود.

۵ - گذشتن کلان ابه نولوژیک و تحمیل سیر زندانیان ما فرهنگ بسوی سرمایه‌داری و ...

حیرانی می‌آورند. بیان سیاسی انقلابی محبوس در بندهای عادی زندان قصر را امضای موی دست ما رسیده که خلاصه‌ای از آرزوی آویم: "..... ما هواداران سازمانهای انقلابی محبوس در بندهای عادی زندان قصر را این سیر از زمان و طبقه خود، سیر که سیرهای ایریامال کردن حقوی زندانیان سیاسی و عادی را بسوی رژیم جمهوری اسلامی، برای اطلاع مردم بیان داریم:

- ۱- حق گرس هرگونه کتب و نشریه‌ای که با مطلاع خودمان سیر "انقلابی" داشته یا تدوین داشته را بسوی عادی اکتفا ممنوع می‌شود.
- ۲- سیر کتبه‌های محبوس‌های ریکی که سیر نقل و سیر در هان آسان سیر و سیر هان از "ارتاد" های "اسلامی" مورد ادعای رژیم حاکم می‌شود.
- ۳- گذشتن مسایفات اجباری سیر زندانیان و سیر زندانیان و سیر و سیر زندانیان به سیرهای محلی در حین این مسایفات!

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتاییم

### پاسداران ضد خلقی زحمتکشان فیروز کوه را بخون کشیدند

انقلابیون و زحمتکشان فیروز کوه، شاهد تهاجمات هر روز در ارتکابهای حکومت به حردسان هستند. آنها هر روز به شوراها و واحدهای دولتی، تشکیل شوراها و انجمنهای فرمایشی در مدارس و روستا، دستگیری و شکنجه دهقانان مبارز و انقلابیون، تفتیش خانه ها و ... را تجربه می کنند. مزدوران رژیم در فیروز کوه در این مدت سرمایه در داد معاینات آنها حجاب خود را بر سر کشیده ۶۰/۲/۱۳، به معده سنگری فرودگان شریفه محاهده آنها حمله میسریده، با ابزار ترسناک مردم و نیروهای انقلابی موفق نشدند کاری از پیش ببرند. مزدوران سیا با زدن گریزها و ترسها در همه فصل به محل برگشته و چون میسریده که جمعیت پراکنده شده است، رگبار گلوله های خود را سوی مردمی که در بیابان دره وها و هم چنین در صفت گوشت و ... بودند سرار میسریده. به گفته مردمی که در آنجا حضور داشته اند، یکی از پاسداران که مستعدانه سوی کسانی که در صفت گوشت بودند سرار میسریده، به خناب سرخوش کرده و سرانگشته اند. ری چنین پاسدار مزدور، یک سرکه را فرادست خود کشیده و سرار مردم رحیمی میسریده و سرانگشته اند. بسیاری از شکنجه های معارضه ها میسریده. سرار از وحشیگریها، پاسداران با سلسله کوب در خیرا سلام میکنند که مجاهدین مسلح یکی از پاسداران ما را سینه شهادت رساندند. آن دروغگوئی حمایت کاران، حرم مردم را پیش از پیش داس میسریده. آنها به ختم خود دیده بودند که این مزدوران سیا بودند که سرانگشته کرده و چندین زخمی بجای گذاشته بودند.

بسیار آن عده زبانی از مردم فیروز کوه جلوی بیمارانسانی که زخمها در آنجا میسریده بودند جمع شدند و شعار "مرگ بر پاسداران رحیمی" - های خود را بر کرده و آنها را با اسلحه نهبان میسریده. همچنین در اسلحه سوری و خناب نده فرد میسریده میسریده.

"زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها، آزاد با بد کرد" و ... با آنکه نظرات موضعی بود، بها طرفمضمون انقلابی شما را که با نگرخواسته های زحمتکشان بود، با استقبال توده های زحمتکشان اطراف میسریده و سرگردید.

### ازاک

روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت، برای بزرگداشت روز جهانی کارگر و طرف رفقای مبارک ازاک راهپیمایی ده دقیقه ای انجام شد که شعارهای انقلابی و کمونیستی را به میان توده های زحمتکشان سرد، رفقا با صفوف منظم و شوروی انقلابی بد شمال بلاکار در صبح "جشنه ما" اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران "با ملت - های گره کرده و فریادهای ختم آلود حرکت می - کردند. پاسداران و او با شان حزب جمهوری اسلامی که غافلگیر شده بودند و انتظار چنین راهپیمایی را نداشتند در او خرتظا هرات سیا شعارهای ارتجاعی به صفت حمله کردند. آنها علاوه بر اینها شعارهای "جشنه ما" اول ماه مه ... "پیش سوی ایجا دحسب طیفه کارگر"، "مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی" و ... حمل میشد. نظا هرکندگان که حدود ۳۵۰ نفر بودند، شعارهای ذیل را نگر میسریده: "در سنگر کارگر، نه سازش، نه تسلیم، نه بردن" "سویا لیم"، "ارتجاع ارتجاعی، زحمتکشان سبزه رانند" "دو میلیون آواره، نان، نمک ندارند" "کار ما به دولت حکومت بگراشی و بیگساری، کشتار در گردستان، شرور، سرکوب، شکنجه".

ملح با چندا شومیل ووانت با ربه عمل تظاهرات آمده بودند و او با شان ارتجاع میسریده طول مسیر در خانه نظا هرات، دستنظر فرضی بودند تا به صفت حمله کنند. ما کاری از پیش نمیسریده. این مراسم مورد استقبال توده های میسریده ایماشی فرار گرفت.

### فهرما شهر

در روز ۶۰/۲/۱۰ تشکیلات سازمان پیکار در فهرما شهر (کرمانشاه سابق) با برگزاری بیگ نظا هرات موضعی، عید خونین کارگران جهان را جشن گرفت. نظا هرات ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر از میدان آزادی با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" شروع شد. سوی "جلوهان" داد ما صفت. علاوه بر آن بلاکار در صبحی با مضمون: "جشنه ما" اول ماه مه ... "بلاکاردهای دیگری نیز با مضمون "پیش سوی ایجا دحسب طیفه کارگر"، "مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی" و ... حمل میشد. نظا هرکندگان که حدود ۳۵۰ نفر بودند، شعارهای ذیل را نگر میسریده: "در سنگر کارگر، نه سازش، نه تسلیم، نه بردن" "سویا لیم"، "ارتجاع ارتجاعی، زحمتکشان سبزه رانند" "دو میلیون آواره، نان، نمک ندارند" "کار ما به دولت حکومت بگراشی و بیگساری، کشتار در گردستان، شرور، سرکوب، شکنجه".

### زندانیان سیاسی انقلابی و تعهد نامه های پوشالی رژیم

۴- در ماه فلی که بر ضد جمهوری اسلامی هستند حرکت نکنند. عینا، رژیم چه می بیند؟ دلواپشی را که بها طرف رسمیت نشناختن فواین سرکوبگران رژیم سرما به داران، بدلیل فعالیت انقلابی و آکا هکرا نه و شرکت در مبارزات انقلابی توده ها و در یک کلام بها طرف مبارزه علیه تمام مفاد نسوی در بند رژیم گرفتار آمده اند، چگونه میخواهد با اینگونه تعهد نامه های آریا مبری به تسلیم وادارد؟! جلدان رژیم به متنگمان میسریده که با گرفتن شعدها از انقلابیون در بند، میخواهند آنها را در خارج از زندان به سکوت وادارد. اما هر یک از دلواپشی که از زندگی رهنده می محابا به دریای خروشان مبارزات انقلابی توده های تحت نسیم می بیوندند و رژیم جمهوری اسلامی هرگز قادر نخواهد بود به هیچ طریقی زند مسازرات کارگران و زحمتکشان را جلوی کوب و سکوت گورستان را سرخا همه کام گرداند. انقلابیون در بند اگر امروز در سنگر زندان می زمزند، فردا در کسار توده ها به همه فواین ارتجاعی رژیم سرما به - داران باز هم خواهند گفت و به رژیم نشان خواهند داد که چون همیشه تسلیم پذیر و مقاوم، فعالیت انقلابی و آکا هکرا نه خود را می میسریده.

هر روز که میگذرد بر تعداد فرزندان انقلابی خلق که در دست دژخیمان جمهوری اسلامی اسیر هستند، افزوده میگردد. جلدان جمهوری اسلامی به هر بهای نهی، انقلابیون در بند را تحت فشار و شکنجه جسمی و روحی قرار میدهند، تا مگر آنها را به تسلیم در مقابل خود وادارند. اما اخبار درون زندانهای ارتجاع حاکی از این امر است که فرزندان راستین خلق هرگز از مبارزه و مقاومت در درون زندانها دست نکشیده و میان آنها و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی دریای از خون فاشل است. جلدان جمهوری اسلامی که میبینند این فرزندان راستین خلق حاضر نیستند حتی سرموزنی با آنها سازش نمایند و تمام دوران محکومیت خود را در سنگر زندان در مبارزه طلبی میکنند، اینک دست به توطئه دیگری علیه گمونیستها و انقلابیون زده اند.

اخیرا دژخیمان رژیم در مقابل زندانیان انقلابی ای که دوران محکومیتشان بسر آمده اند تعهد نامه ای شامل مفاد زیر قرار میدهند:

۱- قانون اساسی - قانون وانداری مری - قانون پلیس و شهرتانی و قانون دادستان کل کشور را با بد رعایت کنید.

۲- بر علیه جمهوری اسلامی کاری انجام ندهید.

۳- شعار نویسی، بخش و فروش نشریات ضد - انقلابی را انجام ندهید.



### اعتصاب پیروز تا کسیرانان مسیری (کرمانشاه سابق)

روز دوشنبه ۶۰/۲/۲۱ را ندگان تا کسی های مسیری از ساعت ۹ تا ۱۱ دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به یک ضمیمه سهمیه کمترین از ۲۰ لیتر به ۱۵ لیتر برای تا کسیرانان مسیری بود. بالاخره مسیری از راهمسانی و راستدگی آمده و ما قول رسیدگی به خواسته ها بنان، تا روز بعد مهلت میخواهد. در روز سه شنبه تا کسیرانان با اجتماع مجدد خود، خواست ۲۰ لیتر نسیم را طرح کردند و سرانجام سواستند آن را به دست اندر کاران رژیم مقبولانند.

# لیبرالها از چه موضعی به لایحه پیشنهاداتی بودند می نگرند؟

ارمان اولی روزهای اردیبهشت که لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ توسط دولت رجایی به مجلس آورده شد، سروصدای زیادی را در بین لیبرالها برانگیخت. لایحه تا آنکه در صفحات بسیاری از نشریات لیبرالها به مباحثه و تحلیل و... برآمده است. لایحه اختصاصی داده شد و بسیاری از لیبرالهای معروف و نامرئی مدبر، عزت الله سعیدی، معین فروز، لیبرالهای غیر معروف از موضع سه اصطلاح غمخواری با مباحثه شده‌ها به اظهار نظر بر سر موانع این لایحه پرداختند. آنها مثلا با این ادعا که: "سروصدای است که جفا می‌آورد"؛ "ظهور که هست با مردم درمان نگذارم چرا که سنگ سندان است که آنها نبرد را می‌نگرانند" یا "سروصدای (اسی صدر) انقلاب اسلامی دیگر سنت مباحث مردم موضع گرفته و چیهه دیگری را بر علیه رفیق خود یعنی حزب جمهوری گوید

اما واقعیت اینست که این بار سروصدای کدنه‌ها و مانع بسیاری موارده دیگر از قبیل سینه‌کجه، تکرر و تکرری و... حرکت لیبرالها بر علیه حزب است. از موضع طرفداری از مباحثه بوده‌ها، بلکه گامی بر آن و صرفاً از موضع مباحثه سیاسی خودشان صورت می‌گیرد. لیبرال - ها در این جنبه چند سیر هم چون موارده قبلی، نسبت به افشارگری‌هایی بر علیه جناح رفیق خود رفته و دست‌انرا رگدشته‌بته‌وی را روی آب ریخته - اند. اما از آنجا که بهر حال و در نهایت هر چه - گیری ای از جانب لیبرالها بر علیه حزب و همجنس بر تکی آن، همیشه در جناح رفیق و رژیم جمهوری اسلامی حفظ و تداوم آن صورت می‌گیرد این دلیل "افشارگریها" و جنبه سینه‌بته‌بته‌ها در دراز مدت یعنی حال لیبرالها بر سر ندارد بلکه بیشتر از پیش با روشن شدن ماهیت رژیم می که لیبرالها همگام با آن هستند، کل موجودیت این رژیم در بر سر بوده‌ها افشا می‌شود.

در واقع سروصدای لیبرالها در مورد لایحه بودجه، چیزی نیست جز آدا مچنگ قدرتی که در محاسبات سیاسی - اقتصادی کنونی از بهانه‌بیش‌بیش این دو جناح در گرفته‌ها و در هر زمان هر یک در سال نقطه‌ضعفی اردیگر می‌گردند تا با دست‌انرا بر کردن آن، هر چه بسیاری بر زمین برای دور کردن از مواج قدرت وارد آورد، نگاه می‌مختصر و کلی به

برخی از جنبه‌های اساسی بودجه به موجب نشان مده‌ده که چگونه لیبرالها از مباحث توده‌ها منبوان کلونه‌ای استفاده می‌کنند تا به طرف حریف شلیک نمایند و مردم رن‌های مکرر آنها از خواسته‌های توده‌ها، بررسی سخن نیست.

۱- یکی از اشتباهات اساسی که لیبرالها به لایحه بودجه دولت رجایی دارند آنستکه چرا می‌راند اعضا را تا جایی در این بودجه تا این حد ملامت متلاطمند عزت الله سعیدی رئیس کمیسیون بر نامه بودجه پیشنهاد می‌کنند که اعتبارات جاری از ۲۰۵۲ میلیارد ریال به حدود ۱۲۵۰ میلیارد ریال کاهش یابد (میزان ۲ خرداد ۶۰). ما توجه به آنکه سخن اعظم اعتبارات جاری را حقوق و دستمزد ها تشکیل مده‌ده جنس پیشنهادی معنایی ندارد جز کا هفت بار هم بیشتر در آن مده‌ده حق بگیران. همین مسئله خودیگر که ای است که نشان مده‌ده‌ها تا های لیبرالها در دفاع از مباحث بوده‌ها تا چه اندازه توخالی و برورانه است. در واقع آنها از ارائه راه‌حل‌های سرمایه‌دارانه خود در مباحث بودجه، مده‌ده‌هایی ندارد جز طول‌گویی از شدید رونق‌ناشی و شکوفه اشتغال در هر بخش و از هم‌بسته سرمایه‌دارانی وابسته ایران.

۲- پیشنهاد اساسی دیگری که لیبرالها برای مباحث بودجه می‌کنند که این سخن رجایی اعتبارات عمرانی است. توضیح اینکه اعتبارات عمرانی اردو بخش طرح‌های تولیدی از قبیل تکمیل پروژه‌های صنعتی با ایجاد صنایع و... جدید و طرح‌های رفاهی از قبیل با حسن ممکن و... تشکیل می‌شود. سخنی ده‌گی از اعتبارات خود در مجلس می‌گوید: "ما سرمایه‌بسی خدمات رفاهی را اعزاز بیش بدهیم آنچه قیمت خراب شدن اوضاع اقتصادی کشور، باید خدمات رفاهی در حدی باشد که جامعه به دولت سرمایه‌گردانده" و می‌افزاید: "اعتبارات عمرانی باید از اعتبارات عمرانی ریش‌ریش‌ی اعتبارات عمرانی رفاهی محروم شود و طرح‌های اعتبارات عمرانی رفاهی کاهش یابد." (انقلاب اسلامی ۱۸ مرداد ۶۰) وی در جایی دیگر پیشنهاد می‌کنند که هر چه‌های عمرانی از ۱۱۰۹ میلیارد ریال به حدود ۲۰۰ میلیارد ریال کاهش یابد (میزان ۲ خرداد ۶۰) همین مرتبه در مباحثه‌های با میسران ۲۶ اردیبهشت یکی از راه‌های مباحث بودجه را "کم کردن هر چه‌ها" که چیزی جز کاهش اعتبارات جاری

و عمرانی نیست پیشنهاد می‌کنند. تا این ترتیب می‌بینیم که لیبرالها در پیشنهاد اساسی دیگر خود نیز، همانند جناح رفیقشان دست‌اندازی به زندگی و هشی معضرات - کارگران و زحمتکشان میهن ما را هدف خود قرار داده‌اند. چرا که کاهش اعتبارات عمرانی راه‌های از یک طرف کم‌تر شدن هر چه بیشتر همان امکان - زها می‌سازد تا تک راه سرمایه‌داران و از طرف دیگر و مهمتر، کم‌تر شدن بیکاری آن بخش از کارگرانی را که در این فصول طرح‌ها بکار می‌شوند به دنبال خود می‌آورد.

۳- از پیشنهادات دیگر لیبرالها می‌توان از "راه‌اندازی صنایع و یا افزودن تولید "نام برده که با حرارت عصبی از آن دفاع می‌کنند. سنی صدر در خطبیلی که از لایحه بودجه پیشنهادی رجایی می‌کنند می‌گوید: "ما تا تولید راه‌بانه‌ایم راه‌بانه‌ها نخواهیم داشت... و چرا راه‌بانه‌ها است که به رشد اقتصادی مطلوب فکر و عمل کنیم و از طریق جذب نیروهای تازه‌بده و افزایش تولید، همچنان زندگی را به مردم برگردانیم!" (انقلاب اسلامی ۱۶ اردیبهشت)

این پیشنهاد نیز چیزی نیست جز اشتغال و حشانه‌تولیدی کارگر برای افزایش دستمزد در واقع تا زمانی که نگاه سرمایه‌داران در جناح با برعکس است، تولید بیشتر معنایی ندارد جز راهی شدن بود بیشتر در چرخه‌گشا و پور شدن سرمایه - داران. علاوه بر این تولید که بکسی از راه - طلبی پیشنهادی لیبرالها برای سنگین کردن ورنه تولیدات عمرانی در سوده‌ها نسبت به تولید نفت است. برای هوا می‌بخشند به افتخار دار هم باشد سرمایه‌داران وابسته کشور مطلق می‌شود که نتیجه آن سهم در خدمت سرمایه‌داران وابسته است و نه کارگران و زحمتکشان.

در همین حال در این جمله سنی صدر نیز یکی - های هشیکی سرمایه‌داران را هم موضوع مباحثه می‌کنیم که چگونه افزایش تولید را برای ما وی با سرگردانیدن "همچنان زندگی به مردم" تا سرحد سراسری کدام کارگر آگاه است که سنده‌ها در رژیم سرمایه‌داران، افزایش تولید که سوده‌بیشتر را برای سرمایه‌داران بدستال دارد و اشتغال رو بهره‌کشی و حشانه‌تولیدی برای کارگران، در واقع همچنان زندگی را به سرمایه‌داران سرمایه‌گردانده

فنان ، مسکن ، آزادی



که مبارزات طبقه کارگر و ایستادگی ها پیش در قبال زورگوشی ها و بهره کشی های کارفرما با ن خواب سود هر چه بیشتر را بر آنها حرام کرده است.

۴- پیشنها دبیرکل لیبرالها در رابطه با سرمایه ها و بخش مستقیم آن است که مطرح میگردد باید مالیات از منحل درآمد های سرما به دوران افزایش باید. در این مورد باید گفت که اگر چه پسین پیشنها در آنها ظاهراً بر خلاف منافع طبقات تیشان هست اما اولاً: برای لیبرالها که چشم انداز آینده اقتصاد سرمایه داری کشور را بر اساس با دیدی وسیع تر و آینده نگری تر نسبت به حزبها میبینند، نگاهش اندکی در سودهای کلان سرمایه داران که در خدمت نا مین آینده نظام سرمایه داری کشور و افزایش عمر سیستم سرمایه سده داری و ایستند در آینده اهمیت بیشتری دارد تا اینکه مانند حزبها در عرض مدت اندکی امکان سرازیر شدن ۱۲۰ میلیارد تومان سود با درآمد راسه جیبهای تجار سرمایه داران کنند و فقط ۳/۵ میلیارد تومان (یعنی کمتر از ۱٪) مالیات بگیرند. ثانیاً تکیه آنها از لحاظ افزایش مالیات مستقیم، بیشتر روی تبار است که طبق اعترافات خود مهندس سما بی ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند و فقط ۳/۵ میلیارد تومان مالیات پرداخت کرده اند. چرا که لیبرالها بیشتر از اینکه معتقد به میدان دادن به سرمایه داری تجاری باشند روی گسترش صنایع و امکان رشد سرمایه داری صنعتی تکیه دارند.

در همین رابطه گفته مین فرامی وریم که میگوید: "در تنظیم بودجه مثل اینکه دولت سعی داشته که همان باج دهی ها و جلوگیری از ناسا - رفا پیشنهاش که اعیاندار بعضی از طبقات موجود می باشد در نظر داشته باشد، به این جهت به منابع مالی جدیدی که اکثر نا ثی از مالیات بردارنده های بسیار زیادی که طرف این دو سال اخیر فقر خاصی از اجتماع ما از آن درآمد ها برخوردار بوده و در حقیقت مالیاتی که بایستی از آنها گرفته میشده به آن توجه نشده و گوشه سعی در این بوده که این طبقات به هیچ وجه آزرده نشوند. در این رابطه رفا منجومی که از سوی مهندس سما بی در طرح لایحه بودجه و در دوازدهم در مورد بود بخش عمومی در سال گذشته در مجلس ذکر شده بود نظرم است و نشان میدهد که در حقیقت چه کمائی از بعد از انقلاب بیشترین درآمد را به سر برده و کمترین مالیات را به صندوق دولت داده اند."

(سپان ۲۶ اردیبهشت ۶۰)

با این ترتیب یک جمع بندی مختصر از انتقاداتی که لیبرالها به لایحه بودجه وارد میکنند و پیشنها داتی که در این رابطه مطرح میکنند نشان میدهد که تکیه اساسی آنها بر روی افزایش درآمد های دولت و متقابلاً کاهش هزینه های آنست. و این همان نظریه گفتم در روزیم سرمایه داری، از یک طرف کاهش درآمد های زحمت گران و فقیر شدن هر چه بیشترشان را به همراه دارد و از طرف دیگر بالا رفتن استیفا روبره کششی از

آنها را بدنبال دارد.

طالب توجه اینجاست که در این درگیری لیبرالها و حزبها با یکدیگر بر سر تقصیر بودجه، نقش آنها نیز در قبال استخراج و فروش نفت، سر عکس شده است. حزبها که زمانی در افسطو و نگهداری ذخایر نفتی سردند و تحریم نفت ایران از جانب امپریالیستها را توفیق اخباری! در جهت حفظ ذخایر نفتی قلمداد میکردند و از این عارضه گروگان گیری بعنوان ملاحی سرعلیه لیبرالها استفاده میکردند. حال که خود را از طرفی در چنین محضه اقتصادی میبینند و از طرف دیگر برای پنهان نگا داشتن کمتری عظیم بودجه شان از چشم توده ها ناچاراً از سال بردن استخراج نفت شده اند، دیگر بعضی از ادعا های عوام فریبانه شان دال بر لزوم حفاظت از منابع طبیعی و طولانی کردن عمر استفا ده از نفت برای اینکه نسلهای آینده هم از آن بهره ببرند. امپریالیسم دنیا و رند و متقابلاً لیبرالها که در کشور نسلهای آینده شده و ادعایان سرد داده اند که منابع نفتی طبیعی مان به تاراج میروند و برای نسل های آینده دیگر نفت نداریم. و بنی مدرفعه میخورد که: "مگر عیبی داشت که این همه خوشحالی برای غرب فراهم نمیکردیم و نفت ما هم در زیر زمین میماند تا اینکه درآمد نفت خود را به قیمت های بدون شک گران تر بفروشیم؟" (انقلاب اسلامی ۱۶ اردیبهشت ۶۰)

در درگیری لیبرالها و حزبها بر سر بودجه لیبرالها علاوه بر اینکه رقیب خود را از جهات گونا گونی زورگوشی و حملات خود نفی و داده اند در همین حال فرصت را مستفاد کرده و از این جریان در جهت پاک کردن گذشته سنگین خود نیز سود میجویند. آنها که به وضوح نا توانی های جناح رقیب را در دست اندازی هر چه بیشتر و بیشتر رندگی محقرانه کارگران و زحمتگشان و نادار گ سیستم سرمایه داری و ایستند کشور میبینند بسیار دورانی که در بعد از قیام در این حکومت نشسته بودند افتاد و مرشد آن زمان را به رخ حریف مردم میکشیدند و بدین ترتیب سعی میکنند خیانتهای خود را از ظاهراً مردم برده و هر چه بیشتر توهم توده ها را در مقابل ما حزب جمهوری نسبت به خود بیشتر کنند.

در مقابل سرودهای زیادی که لیبرالها بر علیه حزبی ها بر آید انداخته اند و مضامین روانانه ها ایشان را مملو از افشا گری حزب و تحمیل بودجه دست پخت آن کرده اند، حزبها عمدتاً سکوت کرده اند و بندرت دیده میشود که در مقام دفاع و تحمیل از لایحه پیشنها داتی شان ارائه دهند. آنچه هم که دیده میشود بیشتر از مرضی تلافی و مرفا در مباحثه های نخست وزیر و سنجش گویش بهزاد شهری است که هیچ استدلالی در لایلهای حزبهایشان وجود ندارد. از همین رو در اینجاست لیبرالها که از موضع اپوزیسیون ارتحای سرعلیه دولت ارتحای عسی رجا ش حرکت کرده و ما نشان داده اند که ما هم بسیار برای افشای حریف در جهت بی اعتبار کردن آن در نزد توده ها و بی گرفتن مواضع

قدرتی که از دست داده اند، با رند عرضه کارزار را کا ملاحظه منع خود دیده و با رابطه طهای ملاحظه هر توده ای، او عوام فریبانه خود، سعی در جلب نظر مردم بسوی خود دارند.

اما کارگران و زحمتگشان باید با آوری دورانی که لیبرالها بجای حزبها سرکار میروند و دیدیم که چگونه ما آنها و ما آنها مردم را سرد و اندند و بجای بر آوردن خواسته های اساسی توده ها، فقط و فقط "صبر انقلابی" و در صورت عدم پدیدش سر - انقلابی، سرکوب خویش را تحویل آنها داده اند و ما بجای بر آوردن عوام فریبها و حمله گریها بیجان و در سایه افشاگریهای کمونیستها از مابیت و عملکردهای ارتحای لیبرالها، فریب این ادعا های آنها را نخورده و با چشمی ساریه عملکردها و مفسر اب آنها بنگرند، چرا که لیبرالها سر در صورت عقب راندن حزبها و روی کار آوردن خودشان، سر - نوشتی جز سرشوت حزبها را برای توده ها سه ارمان نسیا و رند.

در همین رابطه وظیفه کمونیستهاست که با آگاهی از نقش مردم فریب و ملاحظه لیبرالها و مابیت درگیریهای دو جناح، به افتای مضمون واقعی عوام فریبی لیبرالها پرداخته و موضع حقیقی آنها را در سر و صدا ها ش که در رابطه با بودجه سرعلیه جناح رقیب بر آید نشان دهد تا آنکه برای کارگران و زحمتگشان افتاء نماید.

سقیه از صفحه ۱۸ پاسخ به ...

● رفیق م. بهروز: در مورد ضرورت مبارزه با دولتی که به قول سید و زمستان، سر خود کرده ایم که بزودی منتشر خواهد شد.

● رفیق م. فرناز: در اثار به مقاله "مجا هدیین: باز هم تزلزل در راه انقلاب" میبیرید: در حالیکه مجا هدی ۱۱۹ که به واقعه اول اردیبهشت برخورد نموده است چند روز و در ازابیکا ۱۰۵ منتشر شد پس چرا متن من پیکار که در آن به سکوت مجا هدیین در اینستاره انتقاد شده بود، ملاحظ نگردیده است.

رفیق! شما منظور که در اثار به پیش گفته ایم متأسفانه زمانی مجا هدیستان رسیدگسیه پیکار زیر چرا ب بود و امکان تغییر آن نبود. ما ضمن تصحیح مطلب، از سر خوردن متنت مجا هدیین در اینستاره استقبال نمودیم.

● ک. چها نقطه عکس رسید نتیجه تحقیقات شما صحیح بود.

سایر رفقایی که نامه فرستاده اند:

سپین - ج ت ش - کارگراهل سندج - ج. - م. - م. درج - م. - م. مادر و پیکار - م. ج. - مادر دو کمونیست - روزا از انزلی - ج. - ایسمان از بهبهان - جمال از کامیاران - رفیق م. باشار "قصه بلندی" که فرستاده بودی رسید، بیسته آن برخورد خوا هشد.

با درودهای گرم کمونیستی دست رفقسا را میفشسا ریسم

# رویزونیسم فلسفی "طبری-نگهدار":

## خیانت آشکار نسبت به مارکسیسم لنینیسم

ما تریالیسم و ایده‌آلیسم. پرواضح است  
ایده‌آلیسم فقط در یک شکل بروز پیدا نمی‌کند  
ایده‌آلیسم برکلی (۱) بر آن بود که روح خالص  
ماده است. جهان خارج از ذهن وجود ندارد و  
تصورات ما خالق اشیا میباشند. برکلی یک  
ایده‌آلیست ذهنی است و به همین خاطر وجود  
پدیده‌ها را در خارج از ذهن نمی‌بیند. اسلام  
به وجود پدیده در خارج از ذهن اعتراف میکند.  
لیکن آیا ذات پدیده‌ها را برای سرفایل درک  
میدانند؟ آیا ماده را خالق روح بشمار می‌آورد؟  
جواب منفی است. ایده‌آلیسم برکلی شکل‌های  
و جریان‌های آلیسم است. حال آنکه اسلام نیز  
از نقطه نظر فلسفی از ایده‌آلیسم منتها می‌گذرد.  
مذهب هیچگاه ماده از ایده‌آلیسم نبوده و نمیتواند  
هم باشد. آری ما تریالیسم دیا لکتیک در جدال  
بالایده‌آلیسم رشد کرده و غلبه یافت. لیکن این  
جدال در همین حال علیه آن نگرش فلسفی بوده  
که مذهب متکی بر آن است. مقابل ما رکیست‌ها  
و از جمله لنین با ایده‌آلیسم هیچوجه نمیتوانست  
و نمیتواند جدا از نظریات فلسفی و حکمی  
ادیان باشد. اما طبری این نوگرایی سوزواری  
همه این حقایق را نمی‌بیند. او با تحریف  
آشکار بیان میکند که اسلام جزو ایده‌آلیسم  
نیست! هیچگاه یک مارکسیست این غرضیات  
مرتجعانه را نمیتواند بر بیان آورد. تنها کسانی  
که به مارکسیسم خیانت کرده‌اند، تنها کسانی که  
مدافع طبقات استعمارگر شده‌اند، تنها کسانی  
که ایدئولوژی سوزواری دارند، میتوانند  
اینچنین آماج‌ها را به ایده‌آلیسم را تطهیر کرده و  
مبلغ آن باشند. فقط برکلی نیست که ایده‌آلیست  
است، مرتدانی چون طبری نیز ایده‌آلیست هستند.  
منتها به شکل پیچیده‌تر. بقول لنین ایده‌آلیست‌های  
جدید تصورات خود را "با نردستی بیشتر و شکلی  
مهموناً یک و با استفاده از یک رشته اصطلاحات

در ذهن ما است". به بیان دیگر از دیدگاه طبری،  
نگرش فلسفی اسلام "ریالیسم" بوده و این نگرش  
در حالی که به ایده‌آلیسم منجر نمیشود در مقابل  
ما تریالیسم دیا لکتیک نیز قرار ندارد! برای  
آنکه عمق ارتجاعی این تفکر را دریا سیم باشد  
ببینیم پوزیتیویسم چه میگوید. پوزیتیویسم  
گرایش فلسفی ایده‌آلیستی سوزواری فلافیه  
علم‌گرای باشد که فلسفه را نمی‌کند و میکوشد  
خود را بر فراز ما تریالیسم و ایده‌آلیسم قرار دهد.  
این جریان اگرچه وجود پدیده در خارج از ذهن  
معتقد است ولی بر آن است که علم بشری قادر به  
شناخت ذات پدیده‌ها نبوده و تنها قادر به درک ظاهر  
پدیده‌ها میباشد. پوزیتیویسم معتقد است قوانین  
عینی تاریخی را نمیتوان درک کرد و بر آن است  
که تفادهای سرمایه‌داری ریشه در روحمیات و  
احساسات انسان دارد. این جریان فلسفی درکی  
ایده‌آلیستی از تاریخ ارائه داده و برضد  
ما تریالیسم تاریخی شبهه‌گیری نموده است.  
این جریان فلسفی کوشش در احیای ایده‌آلیسم  
برکلی داشته و کوشش میکند علم را بر مذهب  
انطباق بخشد. این جریان علیرغم ظاهر علم‌گرای  
خود متکی بر ایده‌آلیسم ذهنی بوده و یک جریان  
سراپا ارتجاعی میباشد.  
رویزونیست‌ها که از ایدئولوژی مارکسیسم  
لنینیسم را رتدا نموده و به مدافعین سوزواری  
تبدیل شده‌اند، از نقطه نظر فلسفی پوزیتیویست  
بوده و در حقیقت در برابر اعتدالی مارکسیسم -  
لنینیسم، میکوشند تا حد متعفن و گنبد  
آیده‌آلیسم را جانی تازه بخشند. آنان بخاطر مخالف  
ایده‌آلیسم میباشند. لیکن متنی فلسفی - ایدئو-  
لوجیک آنها متفا دیا ما تریالیسم دیا لکتیک  
بوده و از ایده‌آلیسم منتها می‌گذرد. طبری مرتد که  
ردالت خود را با روح رسانده است، مذهب را  
نمیتواند یک جریان فلسفی مستقل جاریه و بدین  
ترتیب خیانت به پرولتاریا و در بزرگی -  
سوزواری را به دستهایت میرساند.  
همانطور که بیان کردیم در جریان اما سیم  
فلسفی بیشتر وجود ندارد و آن دو عبارتند از:

"رویزونیسم در رشته فلسفه بدینال "علم"  
برفوسورها یا نه سوزواری میرفت. برفوسورها  
"سوی گانت رجعت" میگردند، رویزونیسم هم  
بدینال تنوگانت میسبم کشیده میند. برفوسورها  
هر اربا رمله کونای های کشینی را غلبه  
ما تریالیسم فلسفی تکرار میگردند - رویزونی-  
نیستها هم با تسمی اعماحی آسوزواریل زمزمه  
میگردند که ما تریالیسم مدنها است "دشده است"  
برفوسورها با دادن نسبت "مگ مرده" به گسل  
اورا مورد تحقیر قرار میدادند و در حالیکه  
خودشان ایده‌آلیسمی را ترویج میگردند که  
هر اربا ریت ترومیتدل ترا ایده‌آلیسم هگلسی  
بود. با نظر حقا رت به دیا لکتیک می نگرستند-  
رویزونیستها هم اربس آنها در متغلاب لسوت  
فلسفی علم غوطه ور شده "اولوسون" "ساده" (و  
آرام) را جا بگزین دیا لکتیک "زنگ" (واضالی)  
میگردند. برفوسورها در مقابل دریا مت مضرری  
دولتی خود سبستهای ایده‌آلیستی و "انتقادی"  
خود را با فلسفه "فرون وسطائی (بسی بایزدانشنا سی)  
دمساز می گردند - رویزونیستها هم  
خود را به آنها نزدیک کرده و کوشش داشتند مذهب  
را "کار خصوصی" اشخاص کنند منتها به در مسورد  
دولت مفا مر، بلکه در مورد حزب طبقه پیشرو.  
(لنین - مارکسیسم و رویزونیسم)  
بیش از این توضیح دادیم که چگونه  
رویزونیستهای مرتد قوانین علمی دیا لکتیک  
را مورد تحقیر قرار داده و ما تریالیسم را  
بحای دیا لکتیک ما تریالیستی نشانده‌اند.  
رویزونیستها از دیا لکتیک حرف میزنند اما  
درک آنان از این مقوله یک درک متافیزیکی و  
ضد علمی است. زیرا هم از نظر که طبری مرتدی -  
گوید آنها منطق صوری را پذیرفته‌اند و این  
منطق جز ما تریالیسم یعنی نفسی تفریب دیا لکتیک  
نمی‌باشد و ما رده‌ها جدا جدا بگری نیست.  
ما تریالیسم دیا لکتیک فلسفه علمی شناخت  
جهان جهت تغییر انقلابی آن است. این فلسفه  
به سبب مادی جهان برداخته و قانون حرکت و  
تغییر در قانون مطلق هستی میداند. حال آنکه  
طبری ما تریالیسم را به مذهب نزدیک کرده  
ما تریالیسم را فلسفه "توحیدی و یکتایی" حازه  
و به نفسی تضاد می بردارد. به بیان دیگر طبری  
نه تنها ما تریالیسم را نمی‌کند بلکه مدافع  
ارویزیونیسم و ایده‌آلیسم ذهنی بلند میشود.  
طبری رویزونیست دیدگاه فلسفی خود را که  
یک دیدگاه سراپا سوزواری است چنین  
عناش میگذارد: "در ریالیسم سلامی وجود  
مستقل ماده یعنی نمی شود، امکان معرفت  
انسان به ماده یعنی نمیشود، لذا مقابله‌ای از  
تحریف لنین و برخی از نظریات فلسفی و حکمی  
اسلامی نباید جستجو کرد. این مقابله بحسام  
گرفته، در جای دیگر، در مقابل ما ایده‌آلیسم"  
که معتقد است "وجود خارجی عینیت ندارد فقط

(۱) - ژرژ برکلی (۱۶۸۲-۱۷۵۳) املف انگلیسی،  
فلسوف ارتجاعی معتقد به ایده‌آلیسم ذهنی.

# رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



"جدید" بیان میکنند، تا ماده لوطان آنرا بعنوان "نوترین" فلسفه‌ها بپذیرند. (ما تریا لیسوم و تریا لیسوم و تریا لیسوم)

طبری تازه جوانی نیست که تفاوت میان ایدئالیسم و تریا لیسوم و جدای اشتراک مذهب و ایدئالیسم را نداند. طبری مرتد هم این مسائل را میدانند، اما او فقط به نما بنده بورژوازی و یک شا رلاتان سیاسی طرفدار سرما بسنه داری، ضدیت خود را با ما رگسیسم به سایش میگذارد. در اینجا طبری میخواهد چنین القا کند که حریسان سومی در فلسفه وجود دارد، حال آنکه این مریسی سیش نیست. او با این مخرقات، دفاع خود از ایدئالیسم را ثابت میکند و آشکارا پوزیتیویسم ارتجاعی خود را بیان میسازد.

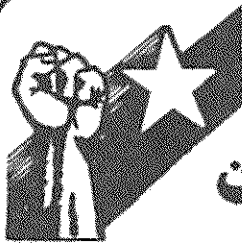
طبری مرتد میگوید: "..... ما بین الهیون بخصوص الهیون بپروخدا اما موما رگسیستهای اصیل انقلابی که صدیق اندر درگ ما شسل انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی تفاوت ماهوی وجود ندارد، در صورتیکه تفاسوت از لحاظ ظاهری میتوانند وجود داشته باشند."

طبری روپزیونیست چه میگوید؟ ویران است که الهیون و ما رگسیستها در درگ "مسائل انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی" تفاوت ماهوی ندارد. ما قبل از آنکه هدف طبری را در عرصه طبقاتی - اجتماعی توضیح دهیم، ارزواویسه فلسفی میگوئیم تا عمق ارتجاعی این نظرسرا بر ملا کنیم. آیا برای درنگش فلسفی - ایدئولوژیک الهیون و ما رگسیستها تفاسوت کیفی و ماهوی وجود ندارد؟ مگر نه آنکه الهیون ایدئالیست و ما رگسیستها ما تریا لیسیت میباشند؟ مگر نه آنکه الهیون به ما تریا لیسوم و ما رگسیستها به دیا لکتیک ما تریا لیسیتی اعتقاد دارند؟ مگر نه آنکه الهیون به ایدئولوژی بورژوازی و ما رگسیستها به ایدئولوژی پرولتاریا شی معتقد میباشند؟ مگر نه آنکه ایدئالیسم ما تریا لیسوم و ما تریا لیسوم با ایدئولوژی پرولتاریا شی در تضاد آشکار میباشند؟ آری، هرگز الهیون و ما رگسیستها در عرصه فلسفی - ایدئولوژیک دارای دیدگاه مشترک و واحد نیستند و نمیخواهند با هم اشتراک روپزیونیستها درجا نیداری از بورژوازی این حقایق عربان را می پوشتند. "تکامل بشری" از نقطه نظر ما تریا لیسوم دیا لکتیک مبتنی بر تضاد و حرکت، تا شرات متقابل، اقتصاد و مبارزه عدا دو با لآخره جهش های ناگهانی بوده و فی الحقیقت جهت تاریخی جوامع بشری بسوی دیگنا توری پرولتاریا و برتری آن کمونیسم است. آیا الهیون نیز به همین امر معتقد هستند؟ "عدالت انسانی" از نقطه نظر پرولتاریا بسنگ عدالت طبقاتی است و دیگر کسی پرولتاری همان دیگنا توری پرولتاری است. آیا کسی که منگی براید گسیم فلسفی هستند و ایدئولوژی بورژوازی اساسی تشکیل آنان را تشکیل میدهد کسی - توانند بدین امر اعتقاد داشته باشند؟

روپزیونیستها خود را طرفدار ما تریا لیسوم بحساب میاورند، حال آنکه آنان بدو بسین با میان ایدئالیسم ارتجاعی میباشند. اگر ما بپوسته "ما تریا لیسیتی" روپزیونیستها را کفشار بزنیم، بشوریه، آسیا شتا و کردار طبقاتی آنان را آشکارا میسازیم، متوجه میگردیم که آنها علیرغم اینکه با ایدئالیسم "مخالفت" میکنند، لیکن در عین حال پوزیتیویسم ارتجاعی و ایدئالیسم ذهنی فوطه ورسد. وقتی می بینیم که آنها مریسیان ما رگسیستها (ما بندگان پرولتاریا) و الهیون (نما بندگان بورژوازی) را مخدوش ساخته و ایدئو دست را در تمام عرصه های فلسفی، ایدئولوژیک، سیاسی بکشانند و آفریده و دارای وحدت طبقاتی بشما میاورند، بسعنا دیالوژی و تقابلی آنها فواینین عینی حا کم بر ما سیات طبقات و مبارزه طبقاتی را نمی میکنند. چیزی جسر پوزیتیویسم ارتجاعی و ایدئالیسم ذهنی خود را بنمایان نمیگذارند. آنها دارای ظاهری علمگرا میباشند، اما علم را آن حدودی مطرح می - سازند که در خدمت منافع طبقاتی بورژوازی است. آنها علم را در خدمت شناخت علمی پرولتاریا برای دگرگون سازی انقلابی جهان عینی قرار نمیدهند، آنها در خودگرا بیش بسوی مذهب نشان میدهند و در تعلق گوئی و چا بپلوسی در مقابل بورژوازی همان زمانی را بکسار میگردانند که الهیون "اوسی صیب نیست که لیسین میگوید": "ایدئالیسم فلسفی..... راهی است که بسوی ظلمت کلیسا شی میروند". آری روپزیونیستهای توده ای اگر چه از ما تریا لیسوم و ما سخن میگویند، اما راه آنان همان پوزیتیویسم ایدئالیسم ذهنی است. در نزد آنان اصطلاحات "طبقه کارگر"، "سرما به داری"، "سازره هیپوگاه و افسیتهای منحنی و ملموس و مادی خود را در تریا لیسوم" یا بسند، این اصطلاحات در نظر آنها واژه های مجردی هستند که از هر گونه فاسوسندی عیبسی جدا میباشند. روپزیونیستها از ما رزه طبقه کارگر علیه سرما به داری حرف میزنند، اما آنان هیچگاه ما رزه طبقه ای پرولتاریا علیه سرما به داری را قبول ندارند. و جز خرابکاری ضد انقلابی در حرکت پرولتاریا و کوشش در بسوده ساختن آن کار دیگری نمی کنند. آنها خا شنین به سوسیا لیسوم و پرولتاریا بوده و تغییر و تحولات را تا آنجا قبول دارند که در دایره منافع ارتجاعی بورژوازی قرار دارد.

بسا بسرایین در می با نسیم کسسه روپزیونیستها چگونه از نقطه بطوفلسفی نگرشی پوزیتیویستی داشته و دیدگاه آنان در تضاد آشکارا دیا لکتیک ما تریا لیسیتی قرار دارد. آنچه طبری مرتد در عرصه فلسفی میگوید علیرغم ظاهر ما تریا لیسیت و علمگرای خود، جز عیسلات روپزیونیستی مبتنی بسیت و هیچ وجه اشتراکی با فلسفه ما رگسیسم لیسیم ندارد. اما بسینیم جوهر ارتجاعی سخن طبری در عرصه طبقاتی - اجتماعی چیست و چه اهدافی را تعقیب میکند.

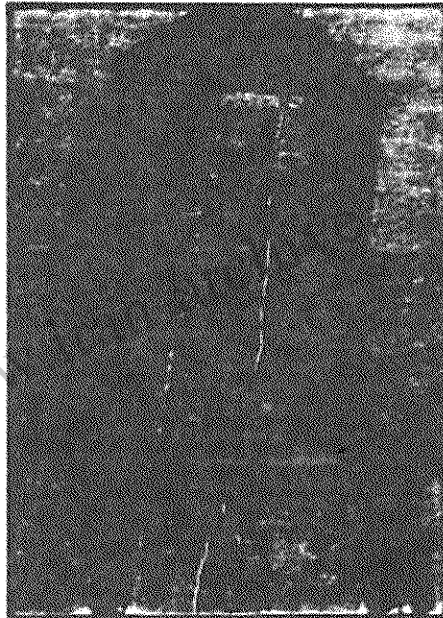
افراد انسانی با مذهب تعمیم می نویسند، بلکه با طبقات تعمیم میگردند و بیرواصح است که مذهب مخصوص افراد است طبقات بسکسو استنما رگرا دنیا را در خدمت خود قرار داده اند تا بدین ترتیب بتوانند کارگران و رخصگشان را فریب دهند. اولاً طبری سرداگا ها بسین مسائل را می پوشتند و سرما به داران و نمایندگان سیاسی آنان را بسخت عسوان کلی و مذهب "الهیون" قرار میدهند تا با سوا استساده از اعتقادات مذهبی سوده ها آنها را فریب دهند. منظور طبری از "الهیون همان سران حرمینج جمهوری اسلامی است. چیزی که جلادگار رگسرا و رخصگشان و مدافع بورژوازی و سیم سرما به داری وابسته میباشند، چیزی که بنا به ما هیت خود حریاست و عسایت به کار دیگری نمیتوانند بسپارند. بنا بسیا طبری حاش از "ما رگسیستهای اصیل" صحبت میکنند که منظور همان ما رگسیستهای نقلی و با همان روپزیونیستهای حاسکسار ما بسندوده ای ها و اکثریتی هاست. ما رگسیست های اصیل و انقلابی همان کسانی هستند که بسطری آشنی تا بدین علم رزه سیم سرما بسنه داری حا کم و سایشی کارگزاران سرما به داری میکنند و راه آرمان پرولتاریا بیک لحظه ما رزه انقلابی را فراموش نمی کنند، همان کسانی هستند که توسط جلادان رژیم جمهوری اسلامی به جوسسه اعدا سپرده میشوند و بشیرا ران میگردند. ثالثاً و بنا لآخره طبری روپزیونیست یا نگرشی ایدئالیستی از "مسائل انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی" صحبت میکنند. طبری سنا به یک نما به داری و سالیوس بورژوازی از "سلس" صحبت میکنند تا طبقه سرما به دارا بسپارند. طبری از "مسائل و عدالت انسانی" صحبت میکند، بنا بسط طبقاتی، استنما رزه در دوسج کارگران و رخصگشان و هراران سیدانگری بورژوازی حاسکسار را بسپارند. از نقطه نظر ما رگسیسم مراده طبقات تعمیم میشوند و هر طبقه ای عدالت خاص خود را دارد. عدالت بورژوازی یعنی اعمال دیگنا توری و ستم و استنما رطبقاتی پرولتاریا و عدالت پرولتاریا بسنی اعمال، تهر انقلابی و دیگنا توری انقلابی علیه بورژوازی سسگر. اما طبری حاش در سراط حا کمیست سرما به داری و سوزواری، از "عدالت انسانی" حرف میسزد و بسردا و بسین "عدالت" حزنا شنید حاکمیت ارتجاعی مرتجعین چیز دیگری نیست. بدین ترتیب در می با نسیم که منظور طبری از "الهیون" همان سرما به داران، از "ما رگسیست های اصیل"، همان روپزیونیستهای نوگرمشی است که برای سوزواری در بسوزگی میسکسوار "عدالت انسانی" همان سسگری طبقه سوزواری است. طبری به ران خودا اعتراف میکند که میان سوزواری و روپزیونیستها تفاوت ماهوی وجود ندارد. آری روپزیونیستها جز طبقه سوزواری ارتجاعی بوده و در مقابل انقلاب و پرولتاریا، اشتراک منافع طبقاتی و وحدت طبقاتی دارند.



# چهلمین روز شهادت رفقای کمونیست قهرمان ایرج ترابی و آذر مهر علیان!

چهل روز از جنایت هولناک پاسداران سرمایه که با پرتاب نارنجک جنگی به میان  
نظاره‌گرندگان کمونیست در بزرگداشت مقاومت خونین دانشجویان انقلابی - اول  
اردیبهشت - رفقای کمونیست هوادار سا زمان ما را بخون کشیده و موجب شهادت  
سه کمونیست قهرمان، رفقای پیکارگر آذر مهر علیان و ایرج ترابی و سپس مژگان رضوانیان  
گردید، می‌گذرد.

انقلابی نبود، در گذشته‌ها برپا رکه کمونیست‌ها و  
انقلابیون برای افشای جنایات رژیم پویا اعتراض  
به کشتارها و سرکوب خلقها اجتماع برپا کرده  
و با نظاره‌ها ت نمودند با بورش وحشیانه پاسداران  
و اوسا شان رژیم جمهوری اسلامی مواجه گشته‌اند  
این بورش‌های فاشیستی اغلب با حاد شده برگبار  
و با خونینی همراه بوده است. در اثر تیراندازی-  
های پاسداران به صف نیروهای کمونیست و  
انقلابی تاکنون دهها انقلابی و سوبزه‌ار  
هواداران مجاهدین شهادت رسیده‌اند. در روز  
۲۲ بهمن ۵۹ در سا لگرو قیام خونین بهمن  
پرتاب سه‌راهی بمبان نظاره‌کننده گمان  
کمونیست در آمل منجر به شهادت کمونیست  
قهرمان رفیق محمدطه ماسی از اعضای سازمان  
دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار (ماریتوران)  
گردید. اما پرتاب نارنجک جنگی به میان  
نظاره‌ها ت بزرگداشت حماسه خونین اول اردیبهشت  
شناخته و آغاز یک ترور وسیع و سازماندهی شده  
از طرف ارتجاع بود که بعدا ادا می‌یافت. رژیم  
جمهوری اسلامی که بورش‌های وحشیانه پاسداران  
و مزدوران چماق بدستش به نیروهای کمونیست  
و انقلابی ستوانسته بود کوچکترین تزلزلی در  
اراده و استقامت آهنین فرزندان دلاور نوده -  
های رحمتکش بیارسیا ورده، این بار با بسک  
برنا مهربزی گسترده، سرکوب و ترور سیاه‌ها در  
مورد کمونیست‌ها و انقلابیون بگرا می‌برد و بدیم  
که این ترورها دامنه گسترده‌ای دارند و در  
فاشم شهرها شهرگرد و از تهران تا رشت را فرا  
گرفت. سرکوب و ترور فاشیستی که با اطلاعیه‌ها و  
سیا نیه‌های ارتجاعی رژیم سوبزه‌سیا نیه شده  
ما ده‌ای "دادستانی انقلاب" تکمیل گشته و  
همچنان ادا می‌دارد.



ما در چهلمین روز شهادت رفقای قهرمان  
کمونیست‌های پیکارگر آذر مهر علیان و ایرج -  
ترابی با تجدید عهد و پیمان در ادا مراه سرخی  
گه‌آنان راه در آن نهاده بودند، راه سرخی که  
انقلاب‌ها شای بخش زحمتکشان و بهیچ‌سوزی  
سوسیا لیست‌ها نوید میدهد، ما آن رفقا را گرامی  
میداریم. رفقای شهید ایرج ترابی و آذر مهر علیان  
با آگاهی به منافع تاریخی طبقه کارگر و سوسیا  
قدمهای استوار را قدم در راه سرخ مبارزه برای  
آزادی طبقه کارگر گذاشتند و در حالیکه قلب‌های  
سرخشان مالا مال از عشق سرشار به طبقه کارگر و  
ایمان راسخ به ما رکیسم لنینیسم این پرچم  
ظفر نضون مبارزات زحمتکشان بود و در حالیکه  
آما ده‌ها نقشانی‌های بیشتر در راه‌ها شای  
زحمتکشان و مبارزه علیه ارتجاع، سرما به‌داری و  
امپریالیستهای جهانخواه بودند با مرگ  
زودرس به کاروان شهیدان کمونیست پیوستند.  
ساده‌شان گرامی و راهشان پیوسته باد!

روزخونین مقاومت دانشجویان انقلابی برپا  
نده بود با پرتاب یک نارنجک جنگی بخون  
کشیدند. در اثر این جنایت وحشیانه و کمونیست  
دلاور رفقای پیکارگر ایرج ترابی و آذر مهر علیان  
هما سرور شهادت رسیدند و ده‌ها تن در اثر شامه  
- های نارنجک زخمی شدند که از میان آنسان  
رفیق مژگان رضوانیان، کمونیست جوانی که  
بیش از ۱۶ سال نداشت پس از ۲۰ روز جنگ میان  
مرگ و زندگی شهادت رسید.

و امروز چهل روز از آن روزخونین می‌گذرد.  
جنایت خونین ۲۱ فروردیس، اولین نمونه  
از جنایات وحشیانه پاسداران ارتجاع در  
بورش‌ها را هیما شای نیروهای کمونیست و

اول اردیبهشت در تاریخ جشن انقلابی  
بوده‌های رحمتکش میهن ما با خون شیت شده  
است. اول اردیبهشت روز حماسه آفرین و خونین  
مقاومت دانشجویان کمونیست و انقلابی است.

در اول اردیبهشت ۵۹، حزب جمهوری اسلامی  
با همدستی سی مدراش، دانشگاه‌های ایران  
این سنگ‌های هسته مقاومت مبارزه و آزادی را  
سحاک و خون کشیده و بیش از ۳۳ دانشجو  
کمونیست و انقلابی را شهادت رساندند.  
در آستانه اول اردیبهشت ۶۰ (۲۱ فروردیس ۶۰)  
پاسداران جنایتکار رژیم جمهوری  
اسلامی نظاره‌ها ت سا زمان دانشجویان و دانش-  
آموزان پیکارگر که معنا ست اولین سالگرد

## درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

۱۵ خرداد ۴۲  
ونقش آن در جنبش توده‌ها



جهت اشتمار نیروی کار از آن زحمتکشان ما صورت میگرفت، همیشه نشسته توده‌های مستعبد ما را فریبند و توده‌ها فریاد دهنم و اعتراض را آوردند. بورژوازی چکمه پوشان و دوزخیمان محمد رضا شاه فریب حرکتها را از آن‌ها خواهد برد. انقلابی توده‌ها بویژه کارگران و دانشجویان داد و ستد و نگران و گشتا و طلب مبارزین و ... هیچکدام را در نبودند بر علیان ختم توده‌ها سربویش بگذاشتند و ۱۵ خرداد ۴۲ نقطه اوج این خشم و خروش مبارزاتی توده‌ها بود. در روز ۱۵ خرداد زحمتکشان نیرووروستا به حیایانها ریختند و در حالیکه از زمان توده‌ها سربویش و رهبری واجبه انقلابی برخوردار نبودند و در آفتاب سوزان خرداد ۴۲ خرابی آزادی سر داده شد. بخت عمده ای از حرکت توده‌های زحمتکش تحت نفوذ و حاکمیت مترقی و بویژه آیت الله خمینی - که در آن زمان برخی مواضع عرفی خواهانها را بود فرار داشت - توده‌های زحمتکش و مستعبد به باستان خالی بجماعت ناکجا و گلوله‌های ارتش ارتجاعی شاه رفتند. دوزخیمان شاه فریادهای ختم توده‌های خلق را با تلخ گلوله و سرب سرنیزه‌ها پاسخ میدادند. توده‌های روستائی و دهقانان زحمتکش با اطلاع از گسترش جنبش مبارزاتی بسوی شهرها سرازیر شدند. در جاده و راه‌ها سربویش و زاهدان و پهلوانان رژیم شاه صف دهقانانی را که به شهران می آمدند به رگبار بستند. در آرزوی خونین هزاران شرح خویش خفتند و قیام توده‌ها سربویش اندوختن نکست مواج گشت و لنگه تنگ دیگری برداشتن رژیم مفسور شاه بخت نیست.

گرچه جنبش خلق ما در ایران توده‌ها ۴۲، با نکست مواج گشت اما این نکست به حاکمیت پلاستاز رفیر سیم پویا و لما تنها رژیم در حاکمیت با میان بخشید. آن به بعد در حاکمیت ما، انقلابیون حاکم سربویش، در خدشوان خود، به حاکمیت از غلبل سربویش و نکست جنبش توده‌ای خرداد ۴۲ و در سربویش از آن برداشتن و تسلیم آلترنا تیمو انقلابی

در ۱۵ خرداد ۴۲، چکمه پوشان رژیم شاه با خون کشیدن هزاران نفر از مردم زحمت کش که با مشت‌های گرم گرد برای آزادی قیام کرد میدند. دست به جنایتی زد که بینهایتی لکه ننگی ابدی بر دماغان رژیم تبهکار و وابسته شاه بشمار میرود.

شکست خونبار خرداد ۴۲ یک بار دیگر در سن بزرگ تاریخی را با ثبات رساند که توده‌های زحمتکش برای پیروزی در مقابل شد. انقلاب مسلح به رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر، سازماندهی مسلح و سلاح نیاز را رساند و تنها با یک انقلاب قهرآمیز میتوان ماشین نظامی - اداری کهن را درهم شکست.

قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲، از جایگاه با اهمیت در مبارزات توده‌های زحمتکش خلقهای ما بر علیه رژیم مداخلتی شاه و اربابان امپریالیستی برخوردار است. در آغاز دهه ۴۰ که رژیم شاه با شاهزاده امپریالیسم آمریکا مشغول پیاده کردن نظام فئودالیستی و سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم و وابستگی سربویش به داری مضافا به شیوه تولیدی اصلی بجای نشود امپریالیسم حاکم بر ایران بود. زحمتکشان ما از وجود یک سازمان انقلابی سراسری که بتواند خشم و خروش انقلابی آنان را سازمان دهد و با رشتا گامی سیاسی آنان، بحران کمونیستی را که رژیم شاه و نفوذ امپریالیسم بر حاکمیت ما تکمیل کرده بود به یک انقلاب پیروز تبدیل سازد میسر نبودند. تنها جریانی که در صحنه مبارزات سیاسی میهن ما خودنمایی میکردند، جریانات فریبست و سازشکاری چون جنبه ملی ... بودند که در برابر "ملاحظات ارضی" شاهانه و "شعار" اصلاحات آری، دیکتاتور شاهانه را مطرح ساخته و از راه میوه استند که "سلطنت کند و حکومت اجراییان سیاسی دیگری که ظاهر وجود میگرد - عمدتاً در سواحل دریای سیاه و استراحتگاههای کشورهای رومیزیونستی - حزب خبانت پیشه "توده" بود که به ناچار "ملاحظات ملوکانه" و هورا کشیدن برای "فدائیات ترقی خواهانه" شاه خشن مشغول بود.

ناتوانی‌های اقتصادی، بیکاری، فقدان آزادیهای سیاسی و اجتماعی و ... توده‌های زحمتکش را تحت شدیدترین فشارها گذاشته بود. هر حرکت اعتراضی مردم با سرکوب روبرو میشد و در منطقه خفه میگشت. "رهبران" جنبش میکوشیدند با کتانیدن توده‌ها به مبارزات پارلمانی و جلب توجه مردم بسوی "مجلس" که سراسری بخش نبود سرخشم و علیان توده‌ها به سربویش و خابوشی میسرند. اما واجدانهای سدار توده‌های زحمتکش آرام نمیگرفتند. مردم قهرمان ما رژیم شاه را مستعبد ملی‌ناسانی‌ها و عامل اصلی بدبختی، فقر، فلاکت و ... میدادند و توطئه‌های رژیم مفسور شاه که شاهزاده امپریالیسم آمریکا و برای گسترش نفوذ امپریالیسمهای غارتگر آمریکا می و تبدیل ایران به بازار فروش محصولات کشورهای امپریالیستی و ایجاد گسترش امکانات لازم

و صورت سازماندهی توده‌ها حول مبارزه قهر - آلترنا انقلابی در برابر فئودالیسم و اربابان امپریالیسم است. تنها راه برای خلعهای مستعبد و نیروی مبارزه انقلابی را در حاکمیت طرح کرده و به حاکمیت ما تنها رژیم فریبست است. تنها به جنبش روس حاکم بر جنبش سیاسی حاکمیت خانبه دادند. سربویش همسختها بود که محافل، گروهها و سازمانهای متعددی که در عرصه وجود گداختند و جنبش سوسیالیست را خود آمد. جنبش سوسیالیستی ما خود را از جنبشهای مهمی چون صورت اعمال امپریالیستی علیه دولت طبقاتی حاکم، سرزدی بار فربسها، حاد تشکلات مخفی انقلابی ... بداند آورد. سربویش تشکیل دهده‌های جنبش را تا به امروز همسختها مارکسیستی و مکتوب انقلابی است. جنبش ما آنچه در برابر حاکمیت سربویش است - جنبش ما است که این جریان را تا به امروز همسختها "جبهه ملی" جنبش در جنبش سربویش میسر نتوانستند بر سر جنبشهای خود را اجرا کنند که راه به یک خط کس سربویش و سربویش را تبدیل کند. حاکمیت ما حاکمیت ما سربویش از آن گردید که جنبش کمونیستی توده‌های خود در مقابل جنبش کارگری حاکمیت ما سرزدی بر خنده طبقه کارگر عمل کند. جریانی توده‌ها سربویش انقلاب دمکراتیک - حاکمیت ما سربویش خلقهای ایران بوده و سربویش و سربویش در هیچدهمین سالگرد ما خونین ۱۵ خرداد ۴۲ دلاوریهای توده‌ها را گرامی دانستیم که به درسیهای حوسار آن راه را به ما سربویش راه همسختان ادا مدحوا میدادند.

بزرگداشت چهلمین روز  
شهادت رفقاترانی و مهرعلیان

رویر حومه خردادنا به مراسمی سراطس سربویش چهلمین روز شهادت رفقاترانی و مهرعلیان سربویش از روز شهادت بهر که ساکلهای شرح ریخت با فمه بود سربویش را گردید.

در این مراسم که با حضور توده‌ها ۴ نفر از هواداران سربویش، رفقاترانی و جوانان سربویش انترناسیونال و ... با درختائی جنبش کارگری دانشند. و سربویش ما زمان، ما مبارزین دانشوران و دانش آموزان سربویش و رفقاترانی و مادر رفیق آدرخسان سربویش از یادگردد سربویش سربویش رفقاترانی و رفقاترانی، سربویش و سربویش جواندهند.

در پایان مراسم رفقاترانی جوانان سربویش شهادت‌های گمراه شده با شهیدان کمونیست ایران هستند که همسختان راه سربویش آنان را که راه رفقاترانی زحمتکشان بود، دنبال کنند.

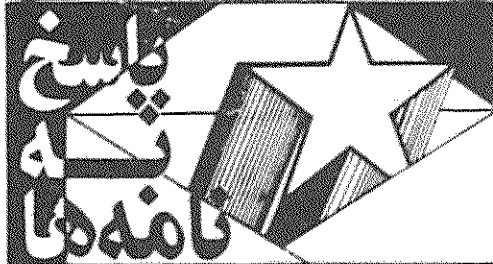


### درباره هدایت بخشهای خیابانی

رفقای بخش و توزیع محلات جنوب طی نامه ای به صورت جمعی از دستا وردها و نجاریان دکه ها و بیعت های خیابانی و انجمن های دربار و ارائه نمونه های خوب تبلیغ ارائه نموده اند و در مورد ضرورت منجم بودن موضوع بحث ها نیز توضیحاتی داده اند.

رفقا! در هفته های اخیر در خصوص مسائل و مشکلاتی که در محله های جنوب و بیعت های خیابانی بر سر پا شده و داد و ستدها گویان در رابطه با این مسئله در فکر ایجاد یک سیستم ارتگانیگ که سبب "یکپارگی" واحدهای تبلیغی ما باشد لازم را تا حدی مشاهده می کنیم. در این زمینه سرسختان و همکاران ما در این زمینه دارند، برای ما ارسال نمایند، در صورت ضرورت انجمن های جنوب تبلیغ در بیعت ها سرخشانها دشمنان است. از کلیه رفقا میخواهیم که نمونه های خوب تبلیغ را چه آنها که جنبه تبلیغی دارند و چه آنها که میتوان از آن کتب تهیه نمود، برای ما ارسال نمایند تا در بیعتا درج نمایند برای درس آموزی و کتب تهیه می نموده های منتهی تبلیغی نیز میتواند دیگر نودنا تا تحلیل آن عنوان در ارتقا آن تبلیغ گویند. در میان آن کلیه رفقا میخواهیم که تجارب تبلیغی و بیعتها را در رابطه با این تبلیغ در این زمینه برای ما ارسال نمایند. برای رفقا: ز روی موفقیتهای شما شکر!

● رفیق م - ضمن اشاره به یکی از مقالات بیکار در باره کردستان پرسیده است آیا سیاست جدید خودداری از درگیری با دمکراتان معنی است که مولود در مقابل سیاست حزب دمکرات سیاست سازد؟ و اگر چنین است، سر چه باید کرد؟ رفیق! همانطور که میدانی دشمن عمده خلق خود، ارتجاع حاکم است. ما برای مبارزه خلق کرد غمناک بر علیه ارتجاع و امپریالیسم روسیه منظور نیست آوردن حق یعنی سرخوش صورت میگیرد. انگاه به همین سیاست باعث میشود که ما در مورد نیروهای سیاسی کردستان مانند حزب دمکرات (نیروهای که ما هستی سوز و آوازی دارند) سیاست مقابلیه نظامی را در چنین شرایطی در پیش بگیریم و در مورد مبارزه علیه حاکمیت کمونیستی به افتخار سیاست و اهداف آن بپردازیم و با معرکه نمودن آن در چنین زمینه گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی در کردستان باری را بنهیم. برای این بیعت ما سبب، همانطور که گفتیم جداگانه نمائید. و در باره ارتقا تبلیغ تحریکات حزب دمکرات برای ایجاد درگیری بکار نبردهایم. اما این بدان معنی نیست که در مقابل حملات نظامی آن به نیروهای کمونیست سکوت میکنیم. اینکه چه موقع ما باید در مقابل حملات حزب دمکرات دست به تعرض مقابل زد، بستگی به عوامل متعددی نظیر نسبت نیرو



## پایخ نامه ها

تاریخ دهی بوده ها، ما بر چنین سرخوشی در زدودن نوع خلق کردار حزب... در سالهای اخیر چه درگیری نظامی من حزب دمکرات و سوز و آوازی کمونیست و انقلابی را خود خلق کردند. سبب آن سوز و آوازی است که سبب آن است. درگیریها من خودداری میکنیم، اما سبب آن سوز و آوازی من حزب، ما توجه به معانی است که ذکر کردیم، دعای خود را تا سوز و آوازی خود کردار را لا مولی میسازیم.

● رفیق کارگر - طی نامه ای بنمودید که رفقا از هر سرخوشی سیاسی که سوال میکنی، خود را از همه بیبر میداند و دیگری را به انحاء مختلف محکوم میکند و آنرا سحر و جادو افلاکی میسازد.

رفیق برسده است بر اساسی از کجا میتوان فهمید که کجا مدرس است و از کجا معلوم که سرخوشی سر و پا نظیر شما اگر قدرت برسد، خود در مقابل رحمگشان سیاستمدار؟

رفیق کارگر! درست است که امروز بسیاری از دشمنان ما را کمونیست، در لباس های گوناگون خود را ما را کمونیست و طرفدار طبقه کارگر میخوانند و درست است که من سر و پا های کمونیست سرخوشی اختلافاتی وجود دارد، اما ما باید در چنین وضعیتی به "نگ گزاشی" سیاستمدار نشویم و احیاناً کلیه نیروهای کمونیست را به زیر سوال بردیم و سرخوش ها سببی را برای آنها تصور کرد. و لا روبرو بیستیم، یعنی بیگترین دشمنان طبقه کارگر در چنین شرایطی، ارتجاع و سبب و سوز و آوازی هستند. این امر مربوط به امروز نیست. از دوران ما رگس و انگلیس و لنین گرفته و تا زمانیکه طبقات وجود داشته اند، دشمنان طبقاتی بیولنا را برای سرخوش دادن بیولنا را خود را به لباس "سوسیالیست" و "کمونیست" در آورده و مدعی طرفداری از طبقه کارگر میشوند، اما آنها را چگونه میتوان از کمونیستها یا سبب متمایز نمود و فهمید که آنها دشمنان طبقه کارگرند؟ گامی است ما سببها، سرخوشها و برای یک آن سرخوشی سوداها هستند خدا افلاکی آن و دشمنان ما طبقه کارگر سبب بی برده شود. سرخوشی نمونه حزب بوده و "اکتیویست" در برابر نمونه زنده و روشنی از خیانت و دشمنی آن را کارگران و رحمگشان و نظیر کلی انقلاب است.

اما در مورد انحراف در جنبه کمونیستی و اطلاعات سیاسی، باید تئولوژیکی که در میسازان گروهها و سازمانهای کمونیستی وجود دارد، این امر ناشی از آن است که بدلیل احاطه زندگی بیولنا و توسط خرده سوز و آوازی و سوز و آوازی

انکار غیر بیولنری مرتباً در صفوف بیولنا را نفوذ میکند، انحرافات غیر کمونیستی من انحراف خرده سوز و آوازی و سوز و آوازی در بیولنا را است که ما باید در صحیح آن گویند. در اینجا ما رهبری ما سببها و برای یک این سر و پا است که میتوان دشمنان دهه کار یک سحر و جادو کار را از خط می بیولنری اند بیس سببها، از خود انحرافات در جنبه کمونیستی و با وجود معیار ما را کمونیست سوز و آوازی. ما میکنند منتهی حق نیست کلیه کمونیستها را و اصطلاح لا درگیری و "سببها" درست میکند. "ارواح داد" باید همین سرخوشی منافع بیولنا را و خط و منتهی کمونیستها، خط و منتهی بیولنری را از ضلالت و آنگاه هر سرخوشی کارگر کمونیستی سببها در سرخوشی و منتهی بیولنری به مبارزه علیه دشمنان غیر کمونیستی و انحرافات غیر بیولنری بپردازد و در نهایت دعای آن را کمونیست انقلابی را سر عهد بگیرد. و اما در مورد امکان دور شدن ما و با هر سرخوشی کمونیستی دیگری که به قدرت برسد، از منافع بیولنا را باید گفت که این امکان وجود دارد، چرا که تا طغیان از بیس سر و پا، سر و پا های غیر بیولنری میکنند تا بسا نفوذ افکار و عقاید خود در صفوف بیولنا را از ادا ما را منصرف سازد. اما چنین احتمالی را چگونه باید سرخوش نمود؟ ما بدکوشی مبارزه ایندولوژیکی فعال، بیگسودا نمی هرگونه انحراف غیر بیولنری را از صفوف خود جدا نموده تا سرخوشی که سوز و آوازی، سببها، هر گام یک سرخوشی کمونیستی سرخوش بیولنری را شکسته باشد، هرگز بیولنا را و منافع وی دور نخواهند این امر در صورتی اتفاق خواهد افتاد که مبارزه ایندولوژیکی درون جنبه کمونیستی موفقتانند و سرخوشان انحرافات غیر بیولنری نتوانند آهسته آهسته علم ما سبب

● رفیق م - در نامه ای از هفته درسی ما آموزش استیصال نموده و من سرخوشان انحرافات منتهی این سخن در باره سخوشی به سوال و ابهامات و عقاید و کارگران سرخوش... سببها منتهی را سرخوش کرده است و در آنها سرخوشی موضوع سرخوش امور و عوامل استفاده بودن آن برای کارگران سرخوش کرده است.

ما ضمن شکر از رفیق در مورد بیعتها دانش ما را برای کمیته سببها ما را سببها فرستادیم. رفقای آموزش خود معذورانه حول رده ترین مسائل روز سرخوشی مسائل کارگری در نامه آموزشی تهیه کنید. سبب سرخوش در مقابل رفقا در مورد بیعتها و ابهامات نتوانند در ارتقا کتب این صفحه موفقتان سببها از کلیه رفقا میخواهیم که سببها در این زمینه ارسال نمایند. ما کمونیست سببها نتوانند از نظرات رفقا بهره مند گردند.



**کمکهای مالی در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی**

مورد حاج محمدکمکهای اعزایش سراز

ساز طرح باروش کمکهای مالی بسی در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی جهت اعزایش سراز و عدم تفکیک روش آن آرست کمکهای عادی و سانه معاضاتی رها در این زمانه کلیه کمکهای مالی جهت اعزایش سراز یکبار از استناد فراخوان کمیته مرکزی تا کمون رادرج یکسم جمعی بوس ارضای کمک کننده، کمکهای مالی عادی اس همسرا در شماره آسانه درج خواهد گردید.

پسروزمانند، امور مالی مرکزی

**کمکهای مالی مندرج در بیکار ۱۵**

اعضایان:	
۱- ر. جمال	۵۰۰۰
۲- عدی	۳۳۰۰۰
۳- ن	۱۳۳۰۰
۴- کام	۳۰۰۰۰
بروج:	
۱- م	۶۰۰۰
۲- ن	۵۰۰۰
۳- ح	۳۳۰۰۰
شهران:	
۱- آ	۳۳۳۰۰
۲- آرزگان	۳۳۰۰
۳- ا. احسان	۳۰۰۰
۴- ا. پرویز	۳۰۰۰
۵- ا. کبر	۳۰۰۰
۶- ا. الف	۱۳۳۰۰
۷- ا. الف	۱۳۰۰
۸- ا. الف	۳۰۰۰
۹- ا. الف	۳۰۰۰
۱۰- ا. الف	۳۰۰۰
۱۱- ا. الف	۳۰۰۰
۱۲- ا. الف	۳۰۰۰
۱۳- ا. الف	۳۰۰۰
۱۴- ا. الف	۳۰۰۰
۱۵- ا. الف	۳۰۰۰
۱۶- ا. الف	۳۰۰۰
۱۷- ا. الف	۳۰۰۰
۱۸- ا. الف	۳۰۰۰
۱۹- ا. الف	۳۰۰۰
۲۰- ا. الف	۳۰۰۰
۲۱- ا. الف	۳۰۰۰
۲۲- ا. الف	۳۰۰۰
۲۳- ا. الف	۳۰۰۰
۲۴- ا. الف	۳۰۰۰
۲۵- ا. الف	۳۰۰۰
۲۶- ا. الف	۳۰۰۰
۲۷- ا. الف	۳۰۰۰
۲۸- ا. الف	۳۰۰۰
۲۹- ا. الف	۳۰۰۰
۳۰- ا. الف	۳۰۰۰
۳۱- ا. الف	۳۰۰۰
۳۲- ا. الف	۳۰۰۰
۳۳- ا. الف	۳۰۰۰
۳۴- ا. الف	۳۰۰۰
۳۵- ا. الف	۳۰۰۰
۳۶- ا. الف	۳۰۰۰
۳۷- ا. الف	۳۰۰۰
۳۸- ا. الف	۳۰۰۰
۳۹- ا. الف	۳۰۰۰
۴۰- ا. الف	۳۰۰۰
۴۱- ا. الف	۳۰۰۰
۴۲- ا. الف	۳۰۰۰
۴۳- ا. الف	۳۰۰۰
۴۴- ا. الف	۳۰۰۰
۴۵- ا. الف	۳۰۰۰
۴۶- ا. الف	۳۰۰۰
۴۷- ا. الف	۳۰۰۰
۴۸- ا. الف	۳۰۰۰
۴۹- ا. الف	۳۰۰۰
۵۰- ا. الف	۳۰۰۰
۵۱- ا. الف	۳۰۰۰
۵۲- ا. الف	۳۰۰۰
۵۳- ا. الف	۳۰۰۰
۵۴- ا. الف	۳۰۰۰
۵۵- ا. الف	۳۰۰۰
۵۶- ا. الف	۳۰۰۰
۵۷- ا. الف	۳۰۰۰
۵۸- ا. الف	۳۰۰۰
۵۹- ا. الف	۳۰۰۰
۶۰- ا. الف	۳۰۰۰
۶۱- ا. الف	۳۰۰۰
۶۲- ا. الف	۳۰۰۰
۶۳- ا. الف	۳۰۰۰
۶۴- ا. الف	۳۰۰۰
۶۵- ا. الف	۳۰۰۰
۶۶- ا. الف	۳۰۰۰
۶۷- ا. الف	۳۰۰۰
۶۸- ا. الف	۳۰۰۰
۶۹- ا. الف	۳۰۰۰
۷۰- ا. الف	۳۰۰۰
۷۱- ا. الف	۳۰۰۰
۷۲- ا. الف	۳۰۰۰
۷۳- ا. الف	۳۰۰۰
۷۴- ا. الف	۳۰۰۰
۷۵- ا. الف	۳۰۰۰
۷۶- ا. الف	۳۰۰۰
۷۷- ا. الف	۳۰۰۰
۷۸- ا. الف	۳۰۰۰
۷۹- ا. الف	۳۰۰۰
۸۰- ا. الف	۳۰۰۰
۸۱- ا. الف	۳۰۰۰
۸۲- ا. الف	۳۰۰۰
۸۳- ا. الف	۳۰۰۰
۸۴- ا. الف	۳۰۰۰
۸۵- ا. الف	۳۰۰۰
۸۶- ا. الف	۳۰۰۰
۸۷- ا. الف	۳۰۰۰
۸۸- ا. الف	۳۰۰۰
۸۹- ا. الف	۳۰۰۰
۹۰- ا. الف	۳۰۰۰
۹۱- ا. الف	۳۰۰۰
۹۲- ا. الف	۳۰۰۰
۹۳- ا. الف	۳۰۰۰
۹۴- ا. الف	۳۰۰۰
۹۵- ا. الف	۳۰۰۰
۹۶- ا. الف	۳۰۰۰
۹۷- ا. الف	۳۰۰۰
۹۸- ا. الف	۳۰۰۰
۹۹- ا. الف	۳۰۰۰
۱۰۰- ا. الف	۳۰۰۰

کمکهای مالی مندرج در بیکار ۱۶	
۱- سا ن	۳۰۰۰
۲- سا ن	۳۰۰۰
۳- سا ن	۳۰۰۰
۴- سا ن	۳۰۰۰
۵- سا ن	۳۰۰۰
۶- سا ن	۳۰۰۰
۷- سا ن	۳۰۰۰
۸- سا ن	۳۰۰۰
۹- سا ن	۳۰۰۰
۱۰- سا ن	۳۰۰۰
۱۱- سا ن	۳۰۰۰
۱۲- سا ن	۳۰۰۰
۱۳- سا ن	۳۰۰۰
۱۴- سا ن	۳۰۰۰
۱۵- سا ن	۳۰۰۰
۱۶- سا ن	۳۰۰۰
۱۷- سا ن	۳۰۰۰
۱۸- سا ن	۳۰۰۰
۱۹- سا ن	۳۰۰۰
۲۰- سا ن	۳۰۰۰
۲۱- سا ن	۳۰۰۰
۲۲- سا ن	۳۰۰۰
۲۳- سا ن	۳۰۰۰
۲۴- سا ن	۳۰۰۰
۲۵- سا ن	۳۰۰۰
۲۶- سا ن	۳۰۰۰
۲۷- سا ن	۳۰۰۰
۲۸- سا ن	۳۰۰۰
۲۹- سا ن	۳۰۰۰
۳۰- سا ن	۳۰۰۰
۳۱- سا ن	۳۰۰۰
۳۲- سا ن	۳۰۰۰
۳۳- سا ن	۳۰۰۰
۳۴- سا ن	۳۰۰۰
۳۵- سا ن	۳۰۰۰
۳۶- سا ن	۳۰۰۰
۳۷- سا ن	۳۰۰۰
۳۸- سا ن	۳۰۰۰
۳۹- سا ن	۳۰۰۰
۴۰- سا ن	۳۰۰۰
۴۱- سا ن	۳۰۰۰
۴۲- سا ن	۳۰۰۰
۴۳- سا ن	۳۰۰۰
۴۴- سا ن	۳۰۰۰
۴۵- سا ن	۳۰۰۰
۴۶- سا ن	۳۰۰۰
۴۷- سا ن	۳۰۰۰
۴۸- سا ن	۳۰۰۰
۴۹- سا ن	۳۰۰۰
۵۰- سا ن	۳۰۰۰
۵۱- سا ن	۳۰۰۰
۵۲- سا ن	۳۰۰۰
۵۳- سا ن	۳۰۰۰
۵۴- سا ن	۳۰۰۰
۵۵- سا ن	۳۰۰۰
۵۶- سا ن	۳۰۰۰
۵۷- سا ن	۳۰۰۰
۵۸- سا ن	۳۰۰۰
۵۹- سا ن	۳۰۰۰
۶۰- سا ن	۳۰۰۰
۶۱- سا ن	۳۰۰۰
۶۲- سا ن	۳۰۰۰
۶۳- سا ن	۳۰۰۰
۶۴- سا ن	۳۰۰۰
۶۵- سا ن	۳۰۰۰
۶۶- سا ن	۳۰۰۰
۶۷- سا ن	۳۰۰۰
۶۸- سا ن	۳۰۰۰
۶۹- سا ن	۳۰۰۰
۷۰- سا ن	۳۰۰۰
۷۱- سا ن	۳۰۰۰
۷۲- سا ن	۳۰۰۰
۷۳- سا ن	۳۰۰۰
۷۴- سا ن	۳۰۰۰
۷۵- سا ن	۳۰۰۰
۷۶- سا ن	۳۰۰۰
۷۷- سا ن	۳۰۰۰
۷۸- سا ن	۳۰۰۰
۷۹- سا ن	۳۰۰۰
۸۰- سا ن	۳۰۰۰
۸۱- سا ن	۳۰۰۰
۸۲- سا ن	۳۰۰۰
۸۳- سا ن	۳۰۰۰
۸۴- سا ن	۳۰۰۰
۸۵- سا ن	۳۰۰۰
۸۶- سا ن	۳۰۰۰
۸۷- سا ن	۳۰۰۰
۸۸- سا ن	۳۰۰۰
۸۹- سا ن	۳۰۰۰
۹۰- سا ن	۳۰۰۰
۹۱- سا ن	۳۰۰۰
۹۲- سا ن	۳۰۰۰
۹۳- سا ن	۳۰۰۰
۹۴- سا ن	۳۰۰۰
۹۵- سا ن	۳۰۰۰
۹۶- سا ن	۳۰۰۰
۹۷- سا ن	۳۰۰۰
۹۸- سا ن	۳۰۰۰
۹۹- سا ن	۳۰۰۰
۱۰۰- سا ن	۳۰۰۰

کمکهای مربوط به فراخوان این هفته	
۱- ح	۳۰۰۰
۲- ح	۳۰۰۰
۳- ح	۳۰۰۰
۴- ح	۳۰۰۰
۵- ح	۳۰۰۰
۶- ح	۳۰۰۰
۷- ح	۳۰۰۰
۸- ح	۳۰۰۰
۹- ح	۳۰۰۰
۱۰- ح	۳۰۰۰
۱۱- ح	۳۰۰۰
۱۲- ح	۳۰۰۰
۱۳- ح	۳۰۰۰
۱۴- ح	۳۰۰۰
۱۵- ح	۳۰۰۰
۱۶- ح	۳۰۰۰
۱۷- ح	۳۰۰۰
۱۸- ح	۳۰۰۰
۱۹- ح	۳۰۰۰
۲۰- ح	۳۰۰۰
۲۱- ح	۳۰۰۰
۲۲- ح	۳۰۰۰
۲۳- ح	۳۰۰۰
۲۴- ح	۳۰۰۰
۲۵- ح	۳۰۰۰
۲۶- ح	۳۰۰۰
۲۷- ح	۳۰۰۰
۲۸- ح	۳۰۰۰
۲۹- ح	۳۰۰۰
۳۰- ح	۳۰۰۰
۳۱- ح	۳۰۰۰
۳۲- ح	۳۰۰۰
۳۳- ح	۳۰۰۰
۳۴- ح	۳۰۰۰
۳۵- ح	۳۰۰۰
۳۶- ح	۳۰۰۰
۳۷- ح	۳۰۰۰
۳۸- ح	۳۰۰۰
۳۹- ح	۳۰۰۰
۴۰- ح	۳۰۰۰
۴۱- ح	۳۰۰۰
۴۲- ح	۳۰۰۰
۴۳- ح	۳۰۰۰
۴۴- ح	۳۰۰۰
۴۵- ح	۳۰۰۰
۴۶- ح	۳۰۰۰
۴۷- ح	۳۰۰۰
۴۸- ح	۳۰۰۰
۴۹- ح	۳۰۰۰
۵۰- ح	۳۰۰۰
۵۱- ح	۳۰۰۰
۵۲- ح	۳۰۰۰
۵۳- ح	۳۰۰۰
۵۴- ح	۳۰۰۰
۵۵- ح	۳۰۰۰
۵۶- ح	۳۰۰۰
۵۷- ح	۳۰۰۰
۵۸- ح	۳۰۰۰
۵۹- ح	۳۰۰۰
۶۰- ح	۳۰۰۰
۶۱- ح	۳۰۰۰
۶۲- ح	۳۰۰۰
۶۳- ح	۳۰۰۰
۶۴- ح	۳۰۰۰
۶۵- ح	۳۰۰۰
۶۶- ح	۳۰۰۰
۶۷- ح	۳۰۰۰
۶۸- ح	۳۰۰۰
۶۹- ح	۳۰۰۰
۷۰- ح	۳۰۰۰
۷۱- ح	۳۰۰۰
۷۲- ح	۳۰۰۰
۷۳- ح	۳۰۰۰
۷۴- ح	۳۰۰۰
۷۵- ح	۳۰۰۰
۷۶- ح	۳۰۰۰
۷۷- ح	۳۰۰۰
۷۸- ح	۳۰۰۰
۷۹- ح	۳۰۰۰
۸۰- ح	۳۰۰۰
۸۱- ح	۳۰۰۰
۸۲- ح	۳۰۰۰
۸۳- ح	۳۰۰۰
۸۴- ح	۳۰۰۰
۸۵- ح	۳۰۰۰
۸۶- ح	۳۰۰۰
۸۷- ح	۳۰۰۰
۸۸- ح	۳۰۰۰
۸۹- ح	۳۰۰۰
۹۰- ح	۳۰۰۰
۹۱- ح	۳۰۰۰
۹۲- ح	۳۰۰۰
۹۳- ح	۳۰۰۰
۹۴- ح	۳۰۰۰
۹۵- ح	۳۰۰۰
۹۶- ح	۳۰۰۰
۹۷- ح	۳۰۰۰
۹۸- ح	۳۰۰۰
۹۹- ح	۳۰۰۰
۱۰۰- ح	۳۰۰۰

# حمایت از زندانیان زن

حساب اعلام خانواده‌های زندانیان سیاسی زن که متوکی آن نیست است، بدستمال اعتصاب غذای فروردین ماه گذشته زندانیان سیاسی زن تعدادی اربابداران درنا رسیخ ۶۰/۲/۱۲ به سرداران وارد شده و پس از ضرب و شتم زندانیان سیاسی زن چهار نفر از آنان را علی‌رغم اعتراض سایر زندانیان از سنده نقطه نامعلومی بوده اند که دو نفر از آنان را پس از چند روز مراجعت داده اند دولتی تا پنجشنبه ۶۰/۲/۲۴ (آخرین روز ملاقات) را سر نوشت دو نفر دیگر را اطلاعی در دست نبوده و تا این تاریخ شیواطلاسی بقیه در صفحه ۲۲

گزارشهای مربوط به مبارزه زندانیان سیاسی زن در راه تاسیس خواستهای بحق خود و اقدام آنان به اعتصاب غذا و غیر مقاومت فیزیکی آنان در برابر شکنجه‌ها، بدرفنا رسیخ و ضرب و شتم که سوسله‌ها بداران علیه این فرزندان دلاور زمینگتنان اعمال میشود را زنده هفت بیست و نه در بیکار آورده ام. در زیر با جمعیت حقوقدانان ایران (کمیته معرفی دفاع و حمایت از حقوق زندانیان سیاسی) خطاب به "دادستان کل کشور" که در تاریخ ۳ اردیبهشت در رابطه با همین موضوع ارسال شده رنظرتان میگذرد:

جناب آقای دادستان کل کشور

بقیه از صفحه ۱۴ **روزنویسیم**

حال موضوع درمی باسیم که جریان روبرویونیتی در عرصه فلسفه اشکالی سافح سورزوازی شمار میاید با و ههای ارتجاعی طبری که تحت عنوان ما رکیسم خودمانی میگذرد جزا بدالیم بسزک شده و ا طوزده و حزب روستیوسیم منقطع چیز دیگری نیست. بقول لنین، روبرویونیتها "در دشمنی با ما تریا لیم دیا لکتیک متعده اند و در عین حال دعوی دارند که در فلسفه ما رکیست می باشد. اسما ن شکوید که دیا لکتیک انگلیسی "عرفانی" است، ما از ارف در ضمن ما سد چیزی که خود خود مسلم بماند میگوئید که نظریات انگلیسی "گهنه ده" این آقا بان جنگا و دلیبر گوتشی ما تریا لیم را، با انگاه غرور آمیز به "شوروی جدید معرفت" بد "تازه ترین فلسفه" (با "تازه ترین فلسفه یوزیتسیوسیم")، به "فلسفه هسای جدید طبیعی" و با حتی به "فلسفه طبیعی فسرین بسیم" زده میکنند. (ما تریا لیم و آمپروگوتشیم) طبری شریکه دشمن ما رکیسم لنینیسم است، کهینه نورانه دیا لکتیک را "گهنه ده" میداند و ا علام میکند: "ما رکیسم یک فلسفه خاصی، یک سیستم فلسفی خاصی ایجاد نکرده و ما سیستم سازی مخالف است."

ما رکیسم در فلسفه انقلاب کردوبه عالی ترین وجه ا بدالیم را محکوم کرده و ما هیت ارتجاعی کل آن را سراملا ساخت، دیا لکتیک ایدالیتی شکل را به دیا لکتیک ما تریا لیتی تبدیل ساخت و ما تریا لیم مکا شکی را نفی دیا لکتیک نمود. فلسفه ما رکیسم، ما تریا لیم دیا لکتیک است و این تنها فلسفه علمی است که در طول تاریخ بوجود آمده است. این فلسفه تنها ا سلعه انقلابی در دست بیولنا رسیخ برای دگرگون نمودن جهان گهنه است. این فلسفه را بنده تنگاشکی با علم داشته و سراملا ا علام میکند که در خدمت تنها طیفه تا به آخر انقلابی، یعنی بیولنا رسیخ است. فلسفه ما تریا لیم دیا لکتیک، جهان بینی طیفه کارگزار است و بیرواضح است که نگرش بیولنا رسیخ در عرصه اجتماع، سیاسی و اجتماعی، جدا از این جهان بینی نمی باشد. این فلسفه دقیقاً فلسفه

خاصی است که نتیجه مبارزه طبقاتی بیولنا رسیخ و متکی بر آخرین پیشرفتهای علوم و دانش بشری است. ما رکیس میگوید: "متد دیا لکتیکی من شده تنها در اساس خود ما متد شکل تفاوت دارد، بلکه مستقیماً متفاو آن میباشد." (منجم جلد اول جاب دوم آلمانی کتاب "سرمایه" لولنین میافزاید: "ما رکیس در ضمن اینکه ما تریا لیم فلسفی را عمیق تر و کامل تر ساخت، آن را به سوانحجام خود رساند و معرفت آن را به طبیعت سرامعرفت به جا همه بشری بسط و توسعه داد. ما تریا لیم تاریخ ما رکیس بزرگترین پیروزی فکر علمی گردید." (به منجم و سه جز" ما رکیسم)

آری، فلسفه ما رکیسم، فلسفه ای نوین و علم مبارزه طبقاتی بیولنا رسیخ است. اما طبری که سنا به سنا بنده مترجم سورزوازی در پی تحقیر ما رکیسم لنینیسم است و برای انقیاد بیولنا رسیخ با ما تریا لیم دیا لکتیک خصومت منور زد میگوید "ما رکیسم یک فلسفه خاص نیست، بلکه فلسفه گنه ای شمار میاید. این سخنان ارتجاعی از سرنا آگاهی نیست. این خرعبلات ضد انقلابی، معتقدات روبرویونیتها شای است که نوگسسر سورزوازی بوده و جز خاستت سمرعرفت بیولنا رسیخ و طیفه دیگری ندارند.

سورزوازی و نوگران رنگارنگش "بخت آزاد" تشکیل دادند تا همدیت خود را نسبت به ما رکیسم لنینیسم به نمایش گذارند. طبری و گهده را این فرزندان خیانتکار در این نمایش سورزوازی به دفاع از متا فیرسم، ا بدالیم و سورزوازی برداختند و بیولنا رسیخ را به راه خود دعوت کردند اما بیولنا رسیخ به سورههه این مرتجعان را گسده است و ما رکیسم لنینیسم، این برج طفر نمون طیفه کارگر، را هم بیولنا رسیخ را بسوی آسده سراملا شگوه است. بیولنا رسیخ ما فیرسم و ا بدالیم ا رسیخ می را برای نوگران سراما به و ا گدا گسده است، لیکن خود ما انگاه به ما تریا لیم دیا لکتیک، این تنها فلسفه علمی، سراسوری سوسالیم و کموسیم می شناسد و در این راه سورزوازی و ساسی نوگران سراما به را بسود خواهد ساخت.

"با بان"

۹۰۰۰ م - ۵	۱۰۰۰۰ م - ۵
۵۰۰ م - ۴	۵۰۰ م - ۴
۵۰۰۰ م - ۳	۵۰۰۰ م - ۳
رفت:	رفت:
۵۰۰۰ م - ۱	۵۰۰۰ م - ۱
۵۰۰۰ م - ۲	۵۰۰۰ م - ۲
۵۰۰۰ م - ۳	۵۰۰۰ م - ۳
۵۰۰ م - ۴	۵۰۰ م - ۴
۱۰۰۰۰ م - ۵	۱۰۰۰۰ م - ۵
۵۰۰۰ م - ۶	۵۰۰۰ م - ۶
مجموع آباء:	مجموع آباء:
۱۰۰۰۰ م - ۱	۱۰۰۰۰ م - ۱
۱۰۰۰ م - ۲	۱۰۰۰ م - ۲
۱۰۰۰ م - ۳	۱۰۰۰ م - ۳
۱۰۰۰ م - ۴	۱۰۰۰ م - ۴
۵۰۰ م - ۵	۵۰۰ م - ۵
کارگران:	کارگران:
۲۰۰۰ م - ۱	۲۰۰۰ م - ۱
۵۰۰ م - ۲	۵۰۰ م - ۲
۵۰۰ م - ۳	۵۰۰ م - ۳
۵۰۰ م - ۴	۵۰۰ م - ۴
۱۰۰۰ م - ۵	۱۰۰۰ م - ۵
مشهد:	مشهد:
۵۰۰۰ م - ۱	۵۰۰۰ م - ۱
۲۰۰۰ م - ۲	۲۰۰۰ م - ۲
۵۰۰ م - ۳	۵۰۰ م - ۳
شیراز:	شیراز:
۵۰۰۰ م - ۱	۵۰۰۰ م - ۱
۲۰۰۰ م - ۲	۲۰۰۰ م - ۲
۲۰۰۰ م - ۳	۲۰۰۰ م - ۳
۲۰۰۰ م - ۴	۲۰۰۰ م - ۴
۲۰۰۰ م - ۵	۲۰۰۰ م - ۵
۲۰۰۰ م - ۶	۲۰۰۰ م - ۶
۲۰۰۰ م - ۷	۲۰۰۰ م - ۷
۲۰۰۰ م - ۸	۲۰۰۰ م - ۸
۲۰۰۰ م - ۹	۲۰۰۰ م - ۹
۲۰۰۰ م - ۱۰	۲۰۰۰ م - ۱۰
۲۰۰۰ م - ۱۱	۲۰۰۰ م - ۱۱
۲۰۰۰ م - ۱۲	۲۰۰۰ م - ۱۲
۲۰۰۰ م - ۱۳	۲۰۰۰ م - ۱۳
۲۰۰۰ م - ۱۴	۲۰۰۰ م - ۱۴
۲۰۰۰ م - ۱۵	۲۰۰۰ م - ۱۵
۲۰۰۰ م - ۱۶	۲۰۰۰ م - ۱۶
۲۰۰۰ م - ۱۷	۲۰۰۰ م - ۱۷
۲۰۰۰ م - ۱۸	۲۰۰۰ م - ۱۸
۲۰۰۰ م - ۱۹	۲۰۰۰ م - ۱۹
۲۰۰۰ م - ۲۰	۲۰۰۰ م - ۲۰
۲۰۰۰ م - ۲۱	۲۰۰۰ م - ۲۱
۲۰۰۰ م - ۲۲	۲۰۰۰ م - ۲۲
۲۰۰۰ م - ۲۳	۲۰۰۰ م - ۲۳
۲۰۰۰ م - ۲۴	۲۰۰۰ م - ۲۴
۲۰۰۰ م - ۲۵	۲۰۰۰ م - ۲۵
۲۰۰۰ م - ۲۶	۲۰۰۰ م - ۲۶
۲۰۰۰ م - ۲۷	۲۰۰۰ م - ۲۷
۲۰۰۰ م - ۲۸	۲۰۰۰ م - ۲۸
۲۰۰۰ م - ۲۹	۲۰۰۰ م - ۲۹
۲۰۰۰ م - ۳۰	۲۰۰۰ م - ۳۰
۲۰۰۰ م - ۳۱	۲۰۰۰ م - ۳۱
۲۰۰۰ م - ۳۲	۲۰۰۰ م - ۳۲
۲۰۰۰ م - ۳۳	۲۰۰۰ م - ۳۳
۲۰۰۰ م - ۳۴	۲۰۰۰ م - ۳۴
۲۰۰۰ م - ۳۵	۲۰۰۰ م - ۳۵
۲۰۰۰ م - ۳۶	۲۰۰۰ م - ۳۶
۲۰۰۰ م - ۳۷	۲۰۰۰ م - ۳۷
۲۰۰۰ م - ۳۸	۲۰۰۰ م - ۳۸
۲۰۰۰ م - ۳۹	۲۰۰۰ م - ۳۹
۲۰۰۰ م - ۴۰	۲۰۰۰ م - ۴۰
۲۰۰۰ م - ۴۱	۲۰۰۰ م - ۴۱
۲۰۰۰ م - ۴۲	۲۰۰۰ م - ۴۲
۲۰۰۰ م - ۴۳	۲۰۰۰ م - ۴۳
۲۰۰۰ م - ۴۴	۲۰۰۰ م - ۴۴
۲۰۰۰ م - ۴۵	۲۰۰۰ م - ۴۵
۲۰۰۰ م - ۴۶	۲۰۰۰ م - ۴۶
۲۰۰۰ م - ۴۷	۲۰۰۰ م - ۴۷
۲۰۰۰ م - ۴۸	۲۰۰۰ م - ۴۸
۲۰۰۰ م - ۴۹	۲۰۰۰ م - ۴۹
۲۰۰۰ م - ۵۰	۲۰۰۰ م - ۵۰

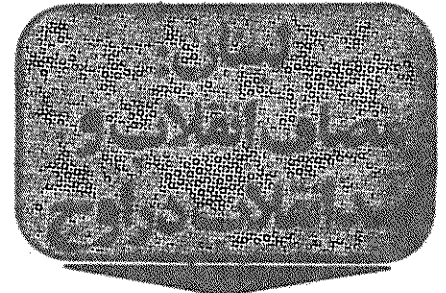
رفقا سلام!

امیدواریم سلام گرم ما را بپذیرید و همیشه با کار و کوشش در راه آزادی و نجات خودتان را از دست آوردهای زیاد دشمنی خودتان را از دست بدارید. ما کارگران هسنه یونگ این حسین شریک میگوییم فقط چون در بیکار و ا خوا ندیم که سارمان برای بالا بودن تریا لیم سارمان احتیاج به کمک داریم. این مبلغ را ا فطره بسازند از آن که شده است با سارمان و تومان دا سیم مبلغ ذکر شده چهار هزار و تومان موفق با سید کارگران هسنه یونگ

## نظارات دانش آموزان انقلابی به پشتیبانی از کارگران شهید

بدشال جمله یساربان رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به اجتمع کارگران بیکار سنده در تاریخ ۶۰/۲/۵ و شهادت ۳ تن از کارگران ورخصی شدن نقدا دی دیگر از آنان، دانش آموزان مدرسه "حاجی آباد" که اکثر فرزندان زمینگتنان میباشند، خشمگین اریس جنایت رژیم، دست به نظارات سانگوهی در مدرسه زده و تمام نقاط مدرسه را از زعمای ربر سیمابند. دانش آموزان زمینگتن در پاسخ این حرکت ضد خلقی و تحت تاثیر دلاوریهای پیشمرگه های قهرمان انقلابی به یکدیگر می گفتند که:

"اگر به روما در ما در این حیران شهید سنده با شد، ما پیشمرگه سیموسیم و سروسیم به کسوه، حرکت این دانش آموزان انقلابی باید دیگر سیمونه خدای ما بپذیرد خشن انقلابی دانش آموزی را با خشن کارگری نشان میدهد."



چند هفته است که اخبار جنگ ۶ ساله داخلی لبنان، بصورت اولین خبرنگار شهرکیزا ریهها درآمده است. سرتیوت لبنان در حال عمل بین - المللی مطرح شده و بسیاری دیگر حق تمسین سرتیوت خلق در لبنان در معرض تهدید است. جنگ بین توده های زحمتکش و انقلابی فلسطینی و لبنانی از یکمونیروهای دست راستی فالانز که از طرف اسرائیل و آمریکا حمایت میشوند از سوی دیگر با شدتی کم باقی مانده دارد. سوریه و اسرائیل در آستانه جنگ قرار گرفته اند و صف - آرائی آمریکا و شوروی، هر یک برای حفظ مناطق تحت نفوذ خود، در درباری مدیریتانه و وضوح نایزای بافته است. امپریالیسم حاکم استکبار آمریکا نماینده خود "فیلیپ حیمه" را به عراق و رومبا نسه فرستاده است تا با اجرای توطئه ای جدید و به کمک ارتجاع عرب، اسرائیل و سیا است کمسب دیوبدی سادات را نجات دهد و "سربیده" انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان پیش شرط تسلیم خلقهای عرب در برابر امپریالیسم و صهیونیسم گردد. این است خواهی که آمریکا و اسرائیل و ارتجاع عرب برای لبنان می بینند و آنرا به "حما خون" تبدیل کرده اند.

**سروقا به راد چند هفته اخیر ما هم مرور کنیم:**  
از او خوروردین، صبه مشکلی از نیروهای دست راستی در پیشا پیش آنها حزب فالانزیست یک سلسله حملات سراسری را علیه "نیروهای باز دا رنده عربی" (که اکثریت قریب با تفقا ق آنها را سرما زان سوری تشکیل میدهند) آغاز کردند. اسرائیل با سماران مناطق مسکونی جنوب لبنان که در آنجا نزدیکترین بیروت امتداد می - یافت، مقدمات حمله را تدارک دید و فالانزیستها آتش سوزیها به خود را روی شهر زحله و نیروهای سوری حول وحوش آن متمرکز نمودند. مقصود از حمله حساب شده اسرائیل و فالانزیستها جنبشی کردن نوافقی بود که بین رژیمهای سوریه و لبنان برای ورود ارتش لبنان به جنوب صورت گرفته بود. استقرار ارتش با ملاح قانونی لبنان در این مناطق، زاهد را بر "حسابات وحشیانه" دارنده سرتیوت سعاد دو گشت و گذار "هر روزه نیروهای اسرائیلی در لبنان ظاهر می بست، این است که اسرائیل پیشدستی کرده تهدید بسند نمود که اگر ارتش به این مناطق وارد شود اسرائیل حتی با نیروهای کلاه آبی سا زمان ملل متحده و ارد جنگ خواهد شد و عملا هم با حملات هوایی، دریایی و زمینی به جنوب لبنان و حتی نیرو - های ملل متحد، چندین شهر را به اشغال غسب و درآورد.

اشغال اسرائیل پیوسته در پیرویهای شبکه و از خود که با کمک اسرائیل و سعاد سادات صورت میگردد، نیروهای باز دا رنده عرب (مشکل از حدود ۲۲ هزار سربا سوری و ... ) را طی عملاتی گزافا سیری در محاصره خود قرار دهند. فالانزیستها این نکته را نیز دور نداشتند بود که سرخسی مناطق مسیحی بطرف رانیز مجبور به حمایت از خود کنند.

حملات فالانزیستها در داخل بیروت نیز روی این نکته، متمرکز بود که با تهدید هر چه بیشتر درگیری بین منطقه شرقی و غربی و اعمال فشار بر "ارتش آزاد فلسطین" که عنوان یک نیروی نظامی "نیروهای باز دا رنده عرب" فعالیت میکنند، فلسطینی ها را عامل درگیری معرفی نماید. بطور خلاصه تعداد متمرکز حملات فالانزیستها روی سوریه و فلسطینی ها، کثافتن آمریکا و شوروی به این قصبه بود که برای اخراج نیروهای سوری از لبنان اقدام کنند تا بسادست باز نتوانند در جهت نابودی مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان فعالیت نمایند. بدنبال شروع این حملات و با سخ سخنی که سوریه به فالانزیستها می دهد و با تمام توان آنرا میگوید، "هنگامی که ما به امپریالیسم آمریکا به منطقه میا بدو علیه رژیم فربه کشورها می گسسه تنوعی نمیتوانند در اعانت مناطق امپریا - لیستها و صهیونیستها کوشش کنند، را به حاشی تبسیر و طرح خنایستکارانه و فدا انقلابی فالانزیستها درگیری مشکلات جدی باقی میماند.

**موضع سوریه**

رژیم پوزوازی دولتی حاکم سوریه هر چند در آغاز جنگ داخلی لبنان (در سال ۱۹۷۶) از تین پیروزی انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان سرفا لانزیستها، و تحت تاثیر تهدید اسرائیل به داخلت نظامی در لبنان، بهر علیه انقلاب فلسطین و نیروهای ملی لبنان وارد جنگ شد و فعابقی فراموش نشدنی نظیر تحکیم موقعیت نظامی و سیاسی فالانزیستها و تیرسقوط مثل الزعترو... را فراهم آورد ولی هم اکنون که متعذرنا سابقش چنان قدرت یافته اند که با کمک اسرائیل، لبنان را در شرایط تهریزه قرار داده اند، تهدید احساس خطر میکند. رژیم ارتجاعی حافظ اسد در برابر بیورش جدید فالانزیستها عکس العملی داد از خود نشان داد. تمهیدات و روابط ظاهرا دوستانه اش با "حکومت قانونی لبنان" را زیر پا نهاد و فالانزیستها را در شهر زحله (نزدیک مرز سوریه) با خشونت تمام کوبید. اهدافین دوست فربه فلسطین از پیشدستی شوروی نیز در این میان سرخورده ار بود، زیرا سوسال امپریالیسم شوروی پس از اخراج مستشارانش از مصر، را دیگری بسرای تا همین منافعی حیاتی خود در رومبا نه سب حمایت از سوریه (بسیوان یک با یگانفسوز) و درک خطراتی که رژیم اسد را تهدید میکند نداشت

با وجود اینکه ارتش لبنان اما ما وابسته به فالانزیستهاست (حدود ۹۰ درصد) ولی چسبون سرتیوت ارتش در جنوب با موافقت سوریه و دولت با ملاح قانونی لبنان صورت میگرفت، سعاد دی می توانست مانع از پیشرفت هر چه بیشتر "سعاد" و ایجاد ملاح "دولت آزاد" و در مرزهای اسرائیل کرده، امری که برای ایجاد یک اسرائیل دیگر در لبنان قدم لازم محسوب میشود علت حملات جدید فالانزیستها را در تلافی بسرای جنبشی کردن نوافقی سوریه و رژیم فلسطین و هماهنگی فالانزها با طرحهای اسرائیل و آمریکا (با اید جستجو کرد، توضیح اینک:

- ۱- توطئه "ملح کمب دیوبه که بین بسوزوازی وابسته مصری برای سادات از یک طرف و اسرائیل از طرف دیگر بر سوریه رهبری کارتر در سه سال پیش صورت گرفت، در جارجین بست است این ساداتش خاشنا به چنان رسواست که حتی رژیمهای ارتجاعی و وابسته امپریالیسم عربی کمتر جرات کرده اند اقدام سادات را تا شید کنند. از سوی دیگر ش سال جنگ فربه سندها خلقی در لبنان، نتوانسته است توده های آگما و مسلح لبنان و انقلاب فلسطین را از باز درآورد. و به تسلیم در برابر آمریکا بگتند. این است که برای خروج از این بست، آمریکا بهر و حط حرکت میکند:
- ۱- کشاندن رژیمهای عربی دیگر به حط سادات، هم اکنون سودان سمیری و اردن ملک - حسن آما ده پیوستن و تا شید سادات میشوند، ولی سرتیوتش جمهوری لبنان، در برابر موج آگما هی و مبارزه توده های این کشور، عاجز تر از آن است که به این اردوگا بپیوستد. این است که ایستکا و عمل بدست فالانزیستها داده میشود تا با وارد کردن فربه های هر چه بیشتر سرتیوت مقاومت فلسطین و نیروهای ملی لبنان و جدا کردن سوریه از مقاومت لبنان عملا بصورت پشت جبهه امنی برای اسرائیل درآید.
- ۲- درهم شکستن و تا بود کردن انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان رکوت و کردن دست سوریه از همکاری مرحله ای با آنها و با لاسره تصمیم و گوشمالی دادن به سوریه و مجبور کردن آن به پیوستن کامل به جبهه خاشنا کمب دیوبه. طرح فالانزیستها این بود که با شروع حمله از زحله، مناطق تحت نفوذ خود را به مناطق تحت تسلط سعاد دوا زانها به سرزمینهای تحت

—

موشکهای ضد هوایی سوریه در دره بفاع، که دامنه آن از شرق لبنان تا جنوب (مرزهای فلسطین اشغالی) امتداد می یابد مستقر گردید و پهروازهای اکتشافی و تهدیدات روزمره اسرائیل علیه سوریه و پایگاههای فلسطینی و جنبش فلسطینی لبنان را تا حدود زیادی خنثی کرد. هم اکنون که فرستاده دیگر "ریگان" فیلیپ حسین و دو خاورمیانه بصر میبرد، یکی از مسائل مهم مورد مذاکره انتقال همین پایگاههای موشکساز سوریه از لبنان به داخل خاک سوریه است.

موضع نیروهای فلسطینی و جنبش ملی لبنان نیز در برابرهم فالانزیستها و تهدیدات اسرائیل جزئیات و مفاد و مدت هر چه بیشتر نیست. ساله برای آنان ساله مرگ و زندگی است. توان انقلابی در دوره اخیر چنان بالا گرفته است که علیرغم گذشت ۶ سال از جنگسوی فرما بنده استقلال از سیخ عمومی کمپانی شده است.

امپریالیسم آمریکا و صهیونیسمتسلطی اسرائیلی و فالانزیستها وقتی در برابر مقاومت سرخا نه تنه های فلسطینی ولسانی و موضع "قاطع سوریه (در این مرحله) فرا رگرفتنند و حمایت نیروی نیز به ساله یک بندها تنگسوی بخشد، آنها چاره ای ندیده هر آنکه سراسر ای "بین المللی کردن بحران لبنان تلاش تازه ای را آغاز کنند. امپریالیسم فرانسه به بسیاری فالانزیستها آمد و "تعمین سرخوت لبنان" در ملل متحد با... مطرح گردید. این موضع فرانسه با سخ خشن مقاومت فلسطین و سوریه سواحه گشت. تا کما می طرح فالانزیستها چه در زمینه داخلی و چه خارجی و تنگسوی نظامی و سیاسی، هم اکنون آنها را درین بست قرار داده است.

با سخ به این سوال که آینده لبنان چگونه خواهد بود، با توجه به پیچیدگی شدید و وساع، بسیار دشوار است. ولی دریک خط کلی و عوام مسوان روی این نکات تا کیه ورنه:

۱- تا سقوط کامل رژیم وابسته به امپریالیسم ایلیان سرکس به نام فالانزیستها،

توهمی که برای برخی از مردم و نیروهای لبنانی همچنان وجود داشت که "بهر حال این رژیم شاید با توجه به آرایش نیروها در منطقه، بتواند شما میتا رضی، دمکراسی (سورژواشی) و عرب بودن لبنان را در برابر اسرائیل حفظ کند" (۱) بخش از پیش فرو ریخت.

۲- جنبش ملی لبنان علیرغم نخرامسات متعدد خود در راس آنها کمیت عربیان رومیو نیستی، و با شومیدی از سازشکاریهای گذشته، میکوشد "هیبه گسترده میهنی" را که هدف از آن "شما میتا رضی لبنان، با عاده دمکراسی (سورژواشی) و حفظ عرب بودن لبنان" است بوجود آورد و سوا اتحاد با مقاومت فلسطین و رژیم سوریه ای می فترد. هیبه گسترده میهنی حاضر است حتی فالانزیستها را به درون خود بپذیرد

مشروط بر آنکه آنها اسرائیل را محکوم کنند، سعد حداد را نیز محکوم نماهند و ارتش را برپا سه شرکت و نفوذ کلیه نیروها و ارگانه مناسقی لبنان دوباره سازمانی کنند. جنبش ملی می - کوشد و ضاع نظامی خود را بهبود بخشد، فطر تا بودی کامل را که هم اکنون در نتیجه تهدیدات اسرائیل و اقدامات فالانزیستها با لبسان می بیند، از خود دور سازد.

۳- تلاش برای نجات معاهده صلح کمپنوبید ازین بست کنونی همچنان در دستور کار قرار دارد. آمریکا و مسروا اسرائیل و دیگر نیروهای ارتجاعی منطقه، روی فعالیتهای فالانزیستها بسیار حساس هستند. هدف آنها عبارت است از: تا بودی مقاومت فلسطینی، تخریب لبنان (که خود

بعضی سیردن همه با قسمت اعظم کشور بدست صهیونیستها و متحدان آنهاست) و سر هم کردن آنها دکتوسی بین فلسطین و جنبش ملی لبنان از یک طرف و سوریه از طرف دیگر، و در نتیجه منسور کردن سوریه به پیوستن به گروه صلح

کمپنوبید. این نکته را نباید نادیده کشیم که در پشتو آرایش کنونی نیروهای محلی ولسی - المللی احتمال جنگی قریب الوقوع بین اسرائیل و سوریه وجود ندارد. بس بست کمپنوبید همچنان باقی است و کنار دیگر طرحهای امپریالیستی آمریکا و حملات اسرائیل و فالانزیستها نخواسته است ساله را منفع آن حل نماید. تلاش برای نجات "طلح سعادات" یکی نقطه ایان گذاردن برای انقلاب و ساله فلسطین، همچنان در راس برنامه های خاورمیانه ای آمریکا قرار دارد. گمان بدین اوردن ساله گروه کمپنوبید و تقویت نقش سعودی مخصوص پس از سردی هر چه بیشتر اردن به عراق و عراق به سعودی و تحکیم روابط بین سودان و مصر - اسادات روز ۴ خرداد در سودان بوده و در جشن با لکره کودتای نمیری شرکت داشت) و تقویت صف دوستان و وابستگان آمریکا در دستور کار فرستاده ریگان قرار دارد. ولی مقاومت بوده های فلسطینی ولسانی همچون جونی لای سرخ، گروه و نه نقطه های آمریکا و دست بنا بدگامان را از حرکت به پیش باز داشته است.

**در آینده نیز:**

اسرائیل با کمک سعد حداد در سوریه حمله های مداوم به پایگاههای نیروهای مشنرک فلسطینی ولسانی ادا خواهد داد. مناطق مسکونی جنوب را خواهد کوبید و در جنگستان را آواره خواهد ساخت. تا خود با خیال راحت از یک طرفی سوا ضع اشتراتییک جنوب را اشغال نماید و از طرف دیگر حد اکثر تما در این مردم لبنان و حضور فلسطینی ها در لبنان دامن برسد. فالانزیستها نیز علیرغم برخی گونه آذنتهای سیاسی و طسیرج "معا لحه ملی" همچنان به عملیات نظامی خود، با شدت کم یا زیاد، ادامه خواهد داد. ساله بین المللی کردن لبنان که با "حق خلق لبنان در تعیین سرخوت خویش" تمام شده و همچنین سوا طرح است و از سوی امپریالیسمتسلطی و فالانزیستها

**شبه از صفحه ۲۰ حمایت**

به این جنسیت و اصل بنده است. حسب اعلام آقای کاظم جنسیت بدر یکی از زندانیان سیاسی در تاریخ ۶۰/۲/۳ نسبتاً با ساداران گروه سریت اوین ساهوم بداخل بند ۳، پس از ضرب و شتم زندانیان سیاسی که موجب زخمی شدن سعادتی از آنان گردیده ۶۰، با ۷ نفر راه سلولهای انفرادی ۲۰۹ و غیره منتقل نموده اند. علاوه بر فطر، مطلع ملاقات سرخی از زندانیان از خروج زندانیان سیاسی از بند ساعت عمل آورده، هوا خوری و ورزش روایه آنان را قطع کرده، تلویزیونهای شخصی آنان را از بند خارج نموده و از گذاردن روزنامه در اختیار آنان سواداری نموده اند

موضوع گوناگونی داشته راه سواداری سیاسی به این جنسیت، زندانیان رن خواهان - جدا نمودن آنان از زندان بدکار ره سوا و اکتیفا و عمل رژیم منقطع سابق

- رسیدگی به وضع زندانیان بلانگلیف - رسیدگی سواج جدا شد زندانیان - داشتن ملاقات حضوری - قطع شکنجه و آزار زندانیان سیاسی و روش سوا وضع محل اقامت و ترفیقا بهم سواداری خود میسازند. - عصمت حقوقدانان با ناکند معده سر لزوم اجرای اصول قانون اساسی جمهوری اعلامی ایران و ضرورت رعایت حقوق زندانیان سیاسی از جمله سالی میخااهد ترمیمی اسفا دفرما بند تا ضمن تامین حقوق و خواستهای حق زندانیان سیاسی سرگین اینگونه اعمال تحت تنقیف قانونی مرازگیند. گمنه فیرخی دفاع و حمایت از حقوق زندانیان سیاسی

دشمنال خواهد شد. و... تشکیل گفرا سرورای خا رجه عرب در تونس و با گفرا س های دیگر نظیر آن تعمیر قابل ملاحظه ای در توازن نیرو ها نخواهد داد.

با ساداری انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان در برابر شوطه های سواد انقلاب، مسوا بد، عرب لبنان و افغانان آن بدست صهیونیستها ولسی - المللی کردن سرخوت آن، سمانعت کند و علاوه بر آن اشغال دارنگه سوا توجه به مشکلات، بدگینر - ها و سوا زشیانی که در سطح منطقه و جهان وجود دارد، شرایط را به سمت اتحاد "دولتی فلسطینی" براند، اما سلطمان "دولت" که محصول تاریخ است سهاجود میسوا بد سواج خلق فلسطین را پس نماید. حواست عمیق بوده های فلسطینی تا بودی دولت صهیونیستی اسرائیل و اشتراردولست دمکراسیک خلق فلسطینی است. در راه حقوق اس هدت، خلق فلسطین در کنار سوا خلفهای عرب منطقه راه دراری را در پسندارد. سلطمان سروری آند، به انکار رژیمهای ارتجاعی و فیریکارما بسند سوریه بدست خواهد آمد، با این سروری در سر - بندی سوا سازشکاران و روسوسوسیسها و در سوا سوا زشیانی بد سوا اسرا لسنهای رنکار سوا صهیونیسم و ارتجاع منطقه حاصل خواهد شد

(قسمت سوم)

# لایحه قصاص : نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

با بدست آمدن گزارشات مردمی در مورد غیرمصلحتی  
راکنندگی سرکشی در غیرمصلحتی مردم مسلطی  
راکنندگی حکمی دارد و چرا لایحه در این باره  
مسئله (؟)  
"ماده ۷- هرگاه کارمندی (یعنی بیروان  
ادیان دیگر غیر از اسلام مثل مسیحی و یهودی  
و... که در کشور اسلامی زندگی میکنند) عمدتاً  
دومی دیگری را بکشد قصاص میشود.  
(در اینجا لایحه نمیگوید که اگر فرد مسلطی  
یک کارمندی را بکشد یعنی اگر یک فرد مسلط  
یکی از هموطنان از اقلیتها را بکشد  
چه حکمی دارد؟)  
"ماده ۸- هرگاه دویا چند مرد مسلطان مشرک را

با در اسحا، یک سینه روی این سینه  
و محاسبه از مسمومیت و سکتات دیگر  
مسردارم:

## مجرم اگر مسلمان باشد یا غیر مسلمان، کیفرش فرق می کند!

سرما به داران و دیگر نیروهای مدخلی،  
و می پای حرف بیان می آید و میگویند که در

در باره لایحه قصاص، ما اکنون علاوه بر مسائل  
کلی روی دو مسئله ارتجاعی آن مکتب  
گردیم: اول- مجرمیت کشته شده ها  
است و بر اساس شرایط و محدودیتهای جامعه  
طبعی صورت میگردد و سایر این معیارها که  
بسیار کم هستند (گاری که لایحه  
قصاص میکند در سینه با اجناس پس عقب ماند  
مصلحتی و بیادتهای حاصل سرمایه داری، مسائل  
خوشحواهی و اجتنام کشتی های فردی را برسد  
سکند، و کفر سرمایه حواست و اراده مردم مورد  
صاحب و ورثه او را بطور فاسد و سست  
میباشد. بنا براین لایحه قصاص، خصم های  
گوناگون سرمایه داری را با معلمان قانون محدود  
بویا بدو امر را با سرمایه داری آنگاه تروند  
با شدت فاسد در بر با شدت مردم مسلمان باشد  
با غیر مسلمان، احکام مختلفی صادر می شود  
نه با با مرتکب می شود معنی میگردد مگر در  
سازمان عمل تا کند که در این لایحه ما بوسی  
حاصل مردم می گردیم و در حین فردی بنا  
به معلمان جوانی که معلمان در سطح  
رژیم ارتجاعی خاص کرده، به با در جامعه طبقاتی  
رسمه ارتکاب حمایت سرمایه داری است، بلکه  
حی سوا در مورد ارتکاب جرائم دهد و مثالهای  
معمدی در این باره در دم.

● بر اساس رای فقها اگر مسلمان، کافر می (مسیحی و یهودی و یا زرتشتی) یا غیر می را بکشد  
محکوم به قصاص نیست. اگر مقتول کافر می بوده فقط باید خونیهی او را برداخت (در  
مورد زن، نصف خونیه) و اگر مقتول کافر غیر می مثلا کونیست بوده حتی خونیه هم  
تعلق نمیگیرد. زیرا حساب کونیستها با اصطلاح "مرتدین" و با اصطلاح "منافقین" (!) از  
نظرنیروهای ضد خلقی حاکم کاملاً روشن است!

مردم مسلطی را بکشد.  
(ما بوسی روشن نمیکند که اگر آنها مشرک را یک  
غیر مسلمان را بکشد چطور با بد کیفر میکنند؟)  
لایحه قصاص عمدتاً در راه حوالاتی که در باره  
هر ۴ ماده مطرح گردیده است، زیرا بنا به  
معالج سیاسی فعلی رژیم، مسائل نیست کسب  
برده ها یا از وره و آقا یا ن حرف آخران را که  
چیزی جز یک جنگ سیاسی و کشتار و نا دیده گرفتن  
حقوق اولیه هموطنان و زحمتکشان غیر مسلمان  
نیست برزند. آقا یا ن قانونگذار، حکم در باره  
این موارد "شمارا بوسی سیرده شده" را بطور خاص  
بمده حکم شرح امثال خلقالی و فهم کرمانی  
گذاشته اند و بر اساس فتوای گوناگون  
مفسدین از ده سال پیش به این طرف، حکم  
مادرمانند، ایل ۱۶۶ قانون اساسی سرگان  
میگوید: قاضی موظف است کوش کند حکم مردمی  
را در قواسم مدونه بیان و اگر بنا بر اساس  
به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم  
قصاص را در مانده...

مندان نصحت و اخلاق دادند و نه در دهده شده های  
زحمتکش را بفرستند، خیلی حرفهای زیبا از  
آزادی، برابری و برادری و دیگرانی و مساوات  
همگان از هر جیب و هر مذهب و هر نژاد در برابر  
مخون و در مقابل اساسی، از آنان مینوی ولی  
رمانیکهای خلق و با اصطلاح احرای "فانسیون  
به میان آمدن وقت معلوم میشود که معاد بین  
طبقات متخام، سردین استخوان رگیندگان و  
استخوان رگینگان هرگز متوقف نمیشود و نسبتاً  
زمانیکه حامد طبقاتی زایل گردد و بجای آن  
جامعهای بدون طبقات و خالی از استعمار  
شوند، بر اساس همین قانون مبارزه طبقاتی  
است که نیروهای ارتجاعی همواره قانون را  
همچون زنجیری سیای زحمتکشان و چون بوسی  
برگردن آنان میگذازند، تا جاگمیت و بهره کشی  
خود را حتمه قانونی دهند و با این طور که مثلاً در  
لایحه قصاص (و یا لاترازان قانون اساسی سرگان)  
میینیم با سوا استفاده از عقاید مسیحی و دهیمت  
توده ها، به جاگمیت خود جنبه "الهی" بخشند  
لایحه قصاص بین مسلمان و غیر مسلمان از  
لحاظ کیفری فرقی نگذازد، به این موارد توجه  
کنید:

در رابطه با ستم فاحش و شرم آوری که در احاط  
حضور اصلی سرورین و برده ها مثل شده اند ما قلاً در  
معانی تحت عنوان "در جمهوری اسلامی و  
سوئالسم، بگاهی به لایحه قصاص مدرج در شماره های  
۱۰۳ و ۱۰۴ نگاه کردیم و در باره آن گفتیم آنها را  
در خانه همین مقاله ملاحظه کنید، مطلبی گفته ایم  
و این ماده که غیر عمده جان آب الله  
مسیحی بر اینکه "فرض ریان در انقلاب  
بسیار مردان بود" (مضامین روز ۲۲/۲/۶۰)  
و بر این چهران و سایر زمین مانده آنها بدلیل  
عدم موفقیت انقلاب، مثل مردان زحمتکش مانده  
آرمانهای خوش دست شما هستند، بلکه حتی از  
جنونی هم که در سالها پیش با مبارزه خود بدست  
آورده بودند محروم گشتند و جماعتی با آنها  
معا مله یک "نیمه انسان" میشوند "انسان کامل"  
لایحه قصاص در واقع وارث و بیابانگر آن  
فرهنگ عقب مانده و ابتدائی دوران ننگا میل  
جامعه بشری است که انگلس در کتاب "مشتاق"  
خانواده (صحه ۸۵) چنین از آن یاد میکند:  
"سرمایه حق مادری شکست جهانی- تاریخی  
جنسی مونت بود، مرد، فرما سروا ش خانه را نیز  
بدست آورد، زن منزل مقام یافت، برده شد، بده  
نبهوت مرد و سزای صرف برای تولید فرزند آن  
این موضع نزول یافته در... بتدریج بزرگ  
شده و آراسته گشته و تا اندازه ای در لغات شکلهای  
ملازمیتی پیچیده شد، اما هیچ وجه از زمین ترفعت".

"ماده ۵ - هرگاه مرد مسلمان عمداً زن  
مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن  
با بدولی زن (ورثه متوفی) قبل از قصاص قابل  
تعفو دیه مرد را به او بپردازد."  
(ما قبلاً به این ماده در رابطه با تعریف بین  
زن و مرد و تعلق کردن زن بعنوان یک نیمه  
انسان بحث کرده ایم در اینجا، بی این نکته  
درنگ میکنیم که اگر "مرد مسلمان" یک زن غیر  
مسلمان را بکشد چه حکمی دارد و چرا لایحه در این  
باره ساکت است؟)  
"ماده ۶- هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی  
را به قتل رساند، فقط محکوم به قصاص است و  
بنا بد چیزی به او لیاقت میدهد که در



در بیان نه این نکته تازه می‌کنیم که  
تبعیض‌هایی از آن نوع که شمرده‌ام، همان‌طور  
که پیش‌تر و امثالش می‌گویند ما خود از نظرسرات  
"مراجع بزرگ" استوفتی در یکی از سال‌های  
سیار مغرب‌بینی رساله "العروة الوثقی" که  
مجموعه فتوای مجتهد معروف محمدکاظم میردی

کارگرفه‌مان ایران و نقش انقلابی کمونیستها  
در بیشتر دهه‌ها رز و طبقاتی، "دولت مستعمل" ارتجاع  
را سزا زودتر از آنچه پنداشته می‌تواند، بر اساس  
ماهیت میرنده‌اش به افول قطعی و نهائی خواهد  
کشاند.

است! ازدواج با سیه پوست، کبود و عرب جبار در  
شش و... و انا بسدها بسدها است (۱) تصاویر  
لایحه قضایی کاررویی آن و امسال آن "کمیته" نده چه  
سوفی دارند!  
ادامه دارد  
(۱) - کتاب سکا - شماره ۵ صفحه ۶۲۲

**در جمهوری اسلامی، زن نصف آدم می‌ارزد!**

است به‌خوبه در آن کشته‌شده می‌رود از گذشته شدن شحات باشد. اما اگر  
خوبه در آن کشته‌شده نخواهد قابل را که یک مرد مسلمان است بکشد چون  
سزا "ظلمتی" که در "حصری" را اصول می‌کشد نصف قیمت مرد است  
خوبه قابل می‌رود. ماده پنجاه و نهم در مورد حقوق زن چنین  
می‌کند:

"هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را بقتل رساند فقط محکوم  
به قصاص است و نصابه اولیا دم می‌رود."

سران رژیم جمهوری اسلامی تا کفایت عار از سی نظیر "دعوتان ریاست"  
و "شاگردان فاطمه" و معونه‌های روحانی دیگر نظیر "سنگه" زاده می‌روند است  
که مرده معراج می‌رود. اگر راه‌های مرد است که معراج می‌رود. می -  
خواهد چهره‌گریه فواصیل قرون وسطائی شان را بپوشد نگاه در بند و لسی  
فقط می‌رود که بر این همس فاسون - اکوین رحمتی را می‌رود که سی‌ان  
بکشد. خانواده‌ها بی‌انبار نجارات او و منظر کشیدنی حوسهای زن را که  
نصف یک آدم است به قابل می‌رود تا آن می‌رود از دنیا سوان او را معازات کرد.  
مطلب از اینکه "مردان فیم‌زنان هستند"، ارادت تا مساوی، از اینکه  
نور می‌سوا سوزن را کنگ سوزن، از اینکه آنها در دادن دورن سوا سوزن می‌رود  
سختی می‌گویند فقط به ذکر همان ماده لایحه قضایی که گفته‌ام تا روزه  
سختی که این سوزن نیست به‌خاک نگاه اساسی زن خدا را به ارباب می‌رود  
این رژیم نیست، این فقط در جامعه سوسیالیستی و در حرمان محواسمار  
آزاد می‌رود.

سازمان سکا در روزه آزادی طیفه کارگر

۶۰-۲/۱۴

سری ج - ت - ش ۲۴

سران رژیم جمهوری اسلامی در باره مقام زن حرف‌های زیادی می‌زنند  
و ادعا می‌کنند که زن را گرامی می‌دارند. آنها بگور را اسموان "روزرن"  
تا می‌دند تا با فریبکاری دیگری خود را مترقی و طرفدار حقوق باعمال شده  
زن در طول تاریخ جا بزنند!

آنها در روز روشن و پیش چشم میلیون‌ها زن و مرد در جمعیتش و آگاه‌ها دعوا  
می‌کنند که زن در جمهوری اسلامی از حقوق برابر مردان و حتی بالاتر (۱)  
برخوردار است!

ولی قوانین قرون وسطائی و سوار ارتجاعی نرم آورده در ساراه زن  
و حقوق او تمویب و اجرا می‌کنند منت آن را بازمی‌کند.  
در لایحه قضایی که از طرف شورای عالی قضائی سعی از طرف بهشتی و  
قدوسی و شرکا، به مجلس شورای اسلامی داده شده در ماده پنجم چنین آمده  
است:

"ماده ۵ - هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به  
قتل است لیکن باید دولتی زن قتل از قضایی قابل نصف دیه مرد را بپردازد و  
می‌رود"

سخنی شخصی‌های عدالتی که در همین یک ماده دیده می‌شود سوزن  
زیر است:

اولاً یک انسان برابر آنکه "مسلمان" باشد یا معتقد به آئین دیگر  
یا کمونیست و... با نصف قیمت خون او فرق می‌کند.

ثانیاً اگر مرد مسلمانی، یک مرد مسلمانی را بکشد یا بدو را کتف زنی  
او بکشد در این معنی درست مبادل ارزش انسانی خود را از پس برده است

ثالثاً اگر مرد مسلمانی یک زن مسلمانی را کتف، کتف او را زنی  
نیمت بلکه قابل می‌تواند خوسهای زن را که نصف قیمت یک آدم

**بر طبق لایحه قضایی: آدم کشی در مکان‌هایی که  
فقط زنان حضور دارند، از مجازات معاف است!**

اتفاقاً بعد از آن رژیم جمهوری اسلامی برای شهادت و گواهی زبان هر  
صد تا هم که باشد از روی قابل نیست و نمی‌توان آن حرم را تا بد کرد. و حماس  
- کار می‌تواند از مجازات معاف گردد!

این است آن اعتبار و خوشبینی که سران رژیم جمهوری اسلامی سراسر  
ماهیت بسیار ارتجاعی خود به زبان رحمتی و آگاه و مسا رو ما می‌دهند  
رژیم جمهوری اسلامی زن را نه انسان بلکه یک سینه انسان، یک کالا، یک  
ابزار تولید مثل و استعمار جنسی و در "بهرس" جانب که موجودات بی‌جان  
و صیقل تلقی می‌کند!

کارگران، رحمتگان، زنان آگاه و مسا رو!

با تمام قوا، این قوانین ظالمانه و آدم‌کش را منقضی و محکوم کنید.  
نوده‌های ستم‌دیده و دجال توهم‌ها هر چه بسوزان ما به سوسیالیستی رژیمه‌اش.

سازمان سکا در روزه آزادی طیفه کارگر

۶۰-۲/۲۹

سری ج - ت - شماره ۲۹

کارگران، رحمتگان، زنان آگاه و مسا رو!  
اها نت به شخصیت زن در جمهوری اسلامی بعدی رسیده است که در دورانیهای

تا یک عهدی ستان نیز نظیرش گسترده شده است. از آن جمله است معروف کردن  
زن از حق طلاق، حق تفاوت، محرومیت از ارادت مساوی، او را نصف آدم تلقی  
کردن و مجازات کشتن زن را نصف کشتن مرد تلقی کردن (ماده ۵ لایحه قضایی)  
و بسیاری از محرومیت‌های دیگر که همگی محصول ستم‌ها عقی است که در  
جامعه طبقاتی سوزن رو داده شده است. موارد متعددی برای این ستم  
دوگانه و ارتجاعی می‌توان شمرد ما در اینجا فقط به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

بر اساس ماده ۳۳

الف - قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود پس ماده  
بدین معنی است که اگر در جایی دو مرد عادل وجود نداشته باشد هر چند زن  
هم که بی‌شوق جنابیتی شهادت دهند، ما دیده ندارد. فرض کنید در جایی  
با مدرسه دخترانه یا کارگاهی که همه کارکنان آن زن باشند اگر نتوانی







شعبه فرهنگ روزی ...

زحمتگان کردستان پس از آزمون کلمه اشکال سارزه، از مدار کرمها هیئت‌های با صلاح حس - نسبت رژیم با اعضا بیات و تحسین و نظا هرات و در طی آنها با ارزیابی از اهداف، برنامه، سیاست و تاکتیکها و به بیان کلی خط مشی رهبران جنبش بطور رسمی، بدرستی دریا شده اند که پیروزی نهایی و کسب حقوق پایمال شده شان تنها در گرو تشکیل و بسیج توده‌های و بیشتر سارزه حول دمکرات نیم پیگیر طبقه کارگر امکا سیدیراست. آنها با راه دانشی سوزواری و ملائکین کردستان را با خود تحریر کرده و در مقابل به کمونیست‌ها اعتماد پیدا کرده اند. این چنین روندی بدون شک میتواند موجبات انزوا و انفرادی سوزواری ضد انقلابی ناسیونال فرمیست را فراهم نماید و، انزوا و انفرادی که حزب دمکرات پیش از رهبر چیرا آن وحشت دارد.

حزب دمکرات در حمله اخیر خود به پیشمرگان کومه له و در برابر مقاومتها انقلابی پیشمرگان کومه له، با دادن و کشته از افراد خود، به متحانه عقب نشست. این عقب نشینی بویژه رمانسی بر حوضه میگرد که بدین سیم حمله عمال این حزب به کومه له و سازمان ما بهیچوجه مورد حمایت نبوده‌های زحمتکش کردستان قرار گرفته و طی آن حزبی که خود را "محبوب و موردنا شیکد ۹۹٪ خلق کرد قلمداد میکنند! به معنی در مقابل پیشمرگان کومه له، بلکه عمدتاً در مقابل فشار آسپخته تا تنفر افکار عمومی زحمتگان، پیرو - های انقلابی و شخصیت‌های مردمی کردستان و حمایت آنها از کومه له، به اجرای آتش بس و اضمای نواقی نامه کردن نهاد.

درگیری های اجبار اطراف مها یا دومونه - های آن در قتل به به صرف سمارن نیروهای مسلح دو حزبان سیاسی بلکه از جنبه ترکیبی طرفین و سیاست حاکم بر آنها جا ترا همیشه فراوان است. در یکم حزب دمکرات نماینده سوزواری کرد، ملائکین و فتودا لها، بر تحمیلن و او با فاشی ایتال کریم خالدا روهران کسی که جنبش مقاومت را دستا و بر حصول به مسامحه طبقاتی خود قرار داده و در سوی دیگر کمونیست ها، توده‌های زحمتکش آگاه و انقلابی - سوزواری کردستان قرار گرفته اند. اما بدون تردید تنها به مصالح جنبش مقاومت، به اضمای حواشهای برخی خلق کرد و سیاسی خون هرازان نهیبه خلق کرد برای دفاع از مسامح زحمتگان کردستان، کمونیست‌ها آغازگر چنین تندی نبوده و همیشه پس چرا این چنین سمارنی بوجود می پیوندد و چرا حزب دمکرات دامنه عملکردهای فدا انقلابی خود را به حمله مستقیم به کمونیست‌ها گشاده

است؟ این سوال را ما صحن بیان فترده‌ای از سیاست و عملکردهای ناشی از مسامح طبقاتی حزب دمکرات در مقابل با کمونیست‌ها یا مسامح می دهیم:

۱- حزب دمکرات خود را تنها "مشکل اجرائی" منطقه می داند!

هدایت و رهبری مبارزات توده‌های زحمتکش کردستان بویژه دهقانان بر طبقه سرمایه داران و مالکین توسط کمونیست‌ها طی دو سال جنبش مقاومت، نمی تواند چشم و مخالفت فتودا لها، مالکین و سرمایه داران کردستان را بر سر پا نگه دارد. دهقانان ستمدیده کردستان، عمدتاً بحر رهبری کمونیست‌ها به معادله انقلابی زمینها، باغات و احیاء دست میزنند تا این گونه اقدامات انقلابی - توده ای، حقوق خود و سرمایه استثمار را نمایان دراز



توسط مالکین و سرمایه داران را از جنگ این دشمنان طبقاتی خوبوارتان بیرون نکنند. معادله اموال مالکین، حاکی از قدرت اجرائی توده‌ها است. حزب دمکرات تا "مشکل اجرائی منطقه" قلمداد نمودن خود، به مخالفت و مقابله این اقدامات توده‌ای که عمدتاً به استیغار و رهبری کمونیست‌ها انجام میگیرد، بر میخیزد. این حزب از جمله به این علت که کمونیست‌ها در جهت نامین حقوق و مسامح زحمتگان کردستان به هیچ قدرت اجرائی جز حرکت و فتودا لها زحمتگان و اقدامات و استیغارات انقلابی آنها اعتقادی ندارند، آنها را سرکوب میکند.

۲- دفاع از مالکین در برابر کمونیست‌ها و دهقانان آگاه!

عملکردهای بویژه یکساله اخیر حزب دمکرات دیگر هیچ تردیدی برای پیروها و زحمتگان آگاه کردستان تا قی نگذاشته که حزب دمکرات از مالکین و سرمایه داران کردستان دفاع کرده و در این راه، کمونیست‌ها این دشمنان اصلی

طبقات میزبده و ارضاعی و استیغار رگر را سرکوب میکند. کمونیست‌ها در کردستان با بیگیری تمام توده‌های زحمتکش خلق کرد را حول دمکرات نیم پیگیر طبقه کارگر آموزش و تربیت سیاسی داده و آنها را علاوه بر ظلم و ستم فراوان سوزواری حاکم از نسبی که مالکین و سرمایه داران بر آنها روا میدارند، آگاه میگردانند. آنها به زحمتگان کردستان میگویند که ضمن ضرورت سارزه بر طبقه رژیم حاکم جمهوری اسلامی، باید دشمنان خانگی را نیز شناخته و به ستم و استیغارات آنها با بیان بخشند آنها توطئه ها و عوام فریب‌های سرمایه داران و مالکین و سنگ اندازیهای آنها در مسامح مقاومت را پیش خلق کرد و بویژه دهقانان افشا میکنند. این چنین سوسیالیستی و آموزش انقلابی توده‌های خلق کرد توسط کمونیست‌ها، بیشتر در اقدامات مستقل و انقلابی آنها جهت اعمال حاکمیت توده‌ای برای دفاع از حقوق و دستاوردهای مبارزات نسبی خودتان است. حرکتی که در راستای سارزه با سنگری ملی سوزواری حاکم، سارزه طبقاتی را پیش برده و عمدتاً به استیغار کمونیست‌ها از جمله در روسا‌های کردستان منافع مالکان را مورد هدف قرار داده است و تردیدی نیست که این اقدامات توده‌ای - انقلابی به اقتصادی ما هیت طبقاتی حزب دمکرات ختم آنرا برانگیخته و این حزب دست در دست مالکان به مقابله سارزه کمونیست‌ها و دهقانان آگاه، و مبارزات انقلابی آنها برخاسته است.

۳- کمونیست‌ها سارزه سازش جنبش مقاومت با رژیم جمهوری اسلامی!

طی دو سال مبارزه حمله آفرین، اکنون خلق کرد تحریر کرده است که جز با تداوم مبارزات انقلابی بدون استیغار به قدرت مسلح خود و بیستر همبستگی آگاهانه اش تا خلفهای سارزه ایران، نمیتوانند به رنج و ستم محرومیت مالیان دراز پایان داده و در سارزه با استیغار گران حاکم در ایران به پیروزی دست یابند. خلق کرد در سارزه دریا فتنه است که هرگونه سارز و مصالحه ضد انقلابی با رژیم حاکم را حاکم، جرحیات به زحمتگان کردستان میسی ندارد و در این روند بدرستی دریا فتنه است که فقط و فقط کمونیست‌ها هستند که با هر نوع سازشی که در راه ای منافع خلق کرد را زیر پا بگذارد، سرسبز دارند. کمونیست‌ها سارز اما این همین سیاست، سارزکاریهای حزب دمکرات را پیش توده‌ها افشا میکنند. آنها در هر کس آم از مبارزات خلق کرد تا کید میکنند که حزب دمکرات و سوزواری کرد، نه برای نامین مسامحه زحمتگان کردستان، بلکه جهت اعمال حاکمیت استیغاراتی که سارزاس آن بتواند در میدانی وسیعتر از آنچه هست به استیغار زحمتگان سپردا زده، در درگیری با مزدوران حاکم سارز

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!



جمهوری اسلامی شرکت میکند و در این روند برای سیاسی بسا اهداف و مسافع خود در مقابل کسب حداقل امتیازات از رژیم پادشاهی سرآمده و خواستها و منافع انقلابی خلق کرد را زیر پا خواهد گذاشت. اما کمونیستها در جریان تداوم مبارزات انقلابی خلق کرده، به بهانه جان قدرت و طلا در آن خلق کرده، بلکه به نیروی مسلح و پشتوانه سیاسی زحمتکشان، متحدیده کردستان نیکه کرده و مخالف سرکوت نیروی ساژنگار میمانند. حزب دمکرات برای ارمیان سرداشتن هرگونه سد و مانعی در راه تسلیم طلبی و سازشکاری خود، به سرکوت کمونیستها و از جمله گومله و ساژنگار ما در کردستان برداشته و پیشمرگان انقلابی را خلع سلاح و دستگیر کرده و با حملات خود آنها را بسا شهادت میرساند.

۴- کمونیستها با افشاگران پیگیر حزب دمکرات کمونیستها ضمن تاکید بر ادامه مسار راه سرنگشتن رژیم جمهوری اسلامی، برای ازمایش پیمان سبیل انقلابی و تداوم جنبش مقاومت، از افتضای نیروی سازشکاران را با شای بداری حزب دمکرات با سوء استفاده از احساسات پاکشونده های زحمتکشان آگاه می که سرسختی ستیهای مبارزاتی این حزب در گذشته، بدان نوهده اند و آنها را در جهت اهداف و منافع طبقاتی سوری و زوری و ملاکین کردستان هدایت کرده و سهمی ترتیب نداشتن در جنبش مقاومت خلق کرد را از سر و واقعی آن برای آزادی از قید تسلیم طلبی و طبقاتی سوری و زوری ها کم و در جهت تا بین بسامع طبقاتی خود منحرف سازد. کمونیستها این اهداف حزب دمکرات را به توده های زحمتکش شهری و روستایی کردستان و سراسر ایران توضیح داده و بسا ستها و عملگردهای مداخله انقلابی آنرا در مقابل بلو و دشمنی با کمونیستها و زحمتکشان آگاه کردستان افشا میکنند. این چنین افشاکاری نمیتواند موجب وهشت حزب دمکرات از آگاهایی زحمتکشان کردستان نگردد و به همین خاطر حزب دمکرات علاوه بر تسلیمات زهر آگین بر علیه کمونیستها و مشوب با خن ادها ن توده های زحمتکش کردستان در شحات دوستان و دشمنان واقعی خودتان، به سرکوت و گشتار کمونیستها دست میزند.

۵- وهشت حزب دمکرات از فریبشای توهم زحمتکشان و رشد کمونیستها در کردستان با ادا به جنبش مقاومت کردستان و آگاهایی روز افزون توده های زحمتکش، آنها در مبارزات انقلابی خود بر علیه ارتجاع حاکم، به سرزوروش بین دوستان و دشمنان واقعی خود بی میروند. کار آگاه هگرا بدو افشاگریهای کمونیستها بشنا به عاملی است که سراسر آن توده زحمتکش کردستان به هیبت احراب و گروهای مداخله انقلابی بی میروند. رخدایا بگناه سوده های کمونیستها طی دو سال

گذشته در کردستان بخوبی سبکباران بگه است که با گشتن حرکات مداخله انقلابی حزب دمکرات و نیروهای نظیر آن و با وقوف توده خلق کرده بسا هیبت و افعالی این نیروها، بشدریج از حزب بریده و زیر پرچم کمونیستها به مبارزات خود ادامه میدهند. این چنین پیروان فروپاشی توهم توده ها نسبت بسا حزب دمکرات، وهشت آنرا سبقت برانگیخته است. از جمله در جریان جنبش رویدی است که حزب دمکرات برای شنسیت پای به های لوران خود به نیو ده کیا و لیستی به ملووت کردن چه بسا کمونیستها، مشوب با خن ادها ن زحمتکشان کردستان نسبت بسا سبقت، اهداف و عملگردهای انقلابی آنها تو مل جسته و در نهایت به حملات گسترده و در عین حال مذیو خانه بر علیه آنها برداشته است.

حمله گسترده عوامل مسلح حزب دمکرات به پیشمرگان گومله نتیجه منطقی ادا به ستیهای است که حمله و مقابل جنبش مقاومت کمونیستها در کردستان بویژه تومله اتحاد کرده است، کوهت فکری خواهد بود هر آینه تصور کنیم که حزب دمکرات طی توافقنامه با گومله جهت آتش بس از درگیریهای آینده و حملات گسترده دیگری احتساب خواهد کرد. چه حزب دمکرات برای حفظ وحدت آوردن هر آنچه که مورد نیاز زلفقات حاکمی و مورد حمایت اوست رهبر حاکمی فروگرداری نخواهد کرد.

توضیح این نکته ضروری است که کمونیستها در افشای حزب دمکرات و مقابل بسا توطئه های آن، با حملات رژیم حاکم و سوزگاری روی پرچم جنبش به این حزب، رویدی کامل و رویشی دارند. رژیم حاکم بنگار جمهوری اسلامی و کار سالیسیان روی پرچم جنبش نظیر فدا شیان اکثریت و حسرت و رشک و خاش توده، برای تخطئه ما هیست، اهداف و آرمانهای انقلابی خلق سمدیده کرده و در جهت سرکوت هر چه گسترده سر و خشن تر جنبش مقاومت، حزب دمکرات را سبقت برانگیزانند و از موضعی ارتجاعی و مدخنی به مخالف بسا جزید دمکرات سراسر ادها ن این که کمونیستها ی کوهت و کمونیستها ایران، در جهت تعمیق جنبش مقاومت در مقابل رژیم پادشاهی، برای دفاع و حفظ دستاورد های دمکراتیک جنبش و تا بین منافع زحمتکشان کردستان به افشای حزب دمکرات برداشته و مقابل بسا عملگردها و بسا ستیهای آن ادامه میدهند.

حمله اخیر حزب دمکرات به گومله، سدون تودید آخرین حمله اس حزب به کمونیستها و انقلابیون میماند. این حملات در ادامه بسا ستیهای ضد دمکراتیک حزب اعدا گسترده، نری بخود گرفته و در صورت عدم هوشیاری و عدم اتحاد بسا ستیهای اصولی از جانب کمونیستها، ضربات جبران ناپذیری سر جنبش مقاومت خلق کرد و اردو خواهد داشت. همکاری کمونیستها و کار آگاه هگرا نه وسیع در جهت مقابل بسا ستیهای حزب دمکرات از شروط اولیه جنبش سبختسین توطئه های آن میماند. افشاگری، سرسبت سیاسی توده ها، تشکیل رسیخ توده های حول شعارها،

اهداف و بسا مده کمونیستها در این شرایط، برای ردودن هرگونه نوهت توده های ساژنگار کردستان نسبت به حزب دمکرات ضرورت فراوانی دارد طبیعی است که در وضعیت کمونیستی، برای دفاع از منافع جنبش و مقابل بسا رژیم مبتدا به دشمنان عمده خلق کرد، کمونیستها با ایدنا حاکمان از درگیری با حزب دمکرات کها و خواهان آن است احتساب سوده و هرگونه بر خورد های مداخله انقلابی حزب را با حاکمات کثرت مناسبت و بردباری کمونیستی پاسخ دهند. این عکس العمل به به مفهوم میدان دادن به حزب دمکرات جهت گسترش حملات بسا کمونیستها در کردستان، بلکه دقیقاً به خاطر این است که رژیم جمهوری اسلامی مبتدا به دشمن عمده خلق کرد و خلقهای سراسر ایران در صورت سرور جنگ داخلی در کردستان با خوشحالی فراوان از اوضاعی که پیش آمده است نهایت سود را برده و بسا فراخ مال به سرکوت خلق کرد خواهد پرداخت. ■

## مقاومت قهرمانانه پیشمرگان پیکار در "نوره"

در تاریخ ۶۶/۲۲/۲۲ ساعت ۳: ظهرت سدون ارضی و حاشی و سادار مرشد از ۱۰۰ حور و و ن عدد کالیبر ۵۰ و جدمعه حصار راه انداز به قصد پاک سازی آبادی نوره در سرحدی شهری سبندج به آنجا حمله ور میشوند، کها مقاومت قهرمانانه پیشمرگان پیکار که در آن حوالی مشمول حمله خورد و رو سوسو میشوند و درگیری بسا طرفین سد ب ۵ ساعت تمام ارباع ۲ تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادا به بسا میکنند که در آنجا شش پیشمرگان مردوران فادربه حاکم گردی آبادی میشوند و در نهایت با دادن ۳ گشته و ستر ارباعی جنبش ششی میکنند. در این درگیری هیچگونه سده ای به پیشمرگان وارد نشد و پیشمرگان بسلاست وارد روستا شده و با استعمال گرم و وسیع مردم رو برو میشوند. بسا برای آن حصارا سبسی میکنند که مورد توجه و سفال حرا گرفت.



### تکمیل یک خبر

در سگارشماره ۱۰۴ خبر حمله مردوران بسا روستای آوسبگ سبندج از حصارا به شماره ۱۲۴ گومله نقل شده و سدون در کرمسج درج شده بود که بسا سوسله تکمیل میگردد.



# اولین سالگرد شهادت پیشمرگه‌های های کمونیست، رفقای پیکارگر حسن (امیر) فقیر و مسعود ستایش گرامی باد!

کمال ارشادات  
قهرمانان فدوکمونیست  
پیکارگر، رفقای پیشمرگه  
حسن (امیر) فقیر و مسعود  
ستایش میگردد، ایندو  
رفیق دل‌ور در روز ۱۷ خرداد  
۵۹ در جریان حمله قهرمانانه  
پیشمرگه‌های جنبش  
مقاومت به یک ستون  
ارتشی در حمله گامی امان -  
در سنگین و دفاع از مناطق  
انقلابی خلق قهرمان گردیده‌اند.



کرد بر علیه اطاعت کورکورانه و نظام حاکم -  
ارتش به مبارزه برخاست و بجای شرکت در  
سرکوب خلق کرد، در کمانه رتبه‌های زحمتکش کرد  
و دوش بدوش پیشمرگه‌های دل‌ور جنبش مقاومت خلق  
گردید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی برداشت .  
رفیق پس از سه ماه دلاوری در کمانه رتبه‌های زحمتکش  
کردستان در روز ۱۷ خرداد سال گذشته در حمله به یک  
ستون نظامی در حمله گامی امان - ستیج زخمی و اسیر  
شد و همانجا بدست مزدوران ارتش تیرباران گردید .

کمونیست شهید رفیق پیکارگر مسعود ستایش  
در ستیج بدنیا آمده و در کمانه رتبه‌های زحمتکش  
خلق گردید در دهه ۶۰ رنج‌ها و محرومیت‌های آنان  
آشنا شده بود و برای از بین بردن ریشه‌های ستم  
و استعمار و در سر زحمتکش‌ان به مبارزه برخاسته  
بود. رفیق مسعود ستایش با رگسیم لنینیسم  
و ایمان به علم‌ها و شیفته کارگران پرچمدار  
انقلاب در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری

نواخته بود آگاهی انقلابی اش را تا حد زیادی  
بالا برد. فعالیت‌های انقلابی و آگاه‌گرانه  
رفیق که در ارتباط با رفقای هوادار سازمان  
در برورد با تمام مینا دلو می‌برد و او میرسانا گزیر  
ارتش را ترک می‌کند و در فروردین ۵۹ خود را به  
دفتر سازمان در ستیج میرسانا تبدیل شور  
انقلابی و توانائی‌ها پیش‌بینا به یک پیشمرگه  
کمونیست سازماندهی می‌شود. رفیق امیرسراز  
حمله ارتشیان انقلابی بود که آگاهی به نظام  
ارتش و ارتش و بی‌سازمانی به ما هیت ایمن  
ارتش دست پرورده آمریکا که پس از قیام تنها  
استن تفسیر یافت، آگاهانه و در ارتباط با  
سازمان کمونیستی که به آن احساس تعلق می -

رفیق شهید امیر در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده  
کارگری در سوهران برخانه (از محلات جنوب  
تهران) بدنیا آمد و از کودکی رنج و محرومیت  
ناشی از استعمار و اختلافات طبقاتی را بسا  
پیوست و گوشت خوردن ممنوع بود. تا دوره اول  
دبیرستان در دبیرستانهای میدان شوش و میر -  
داماد تحصیل کرد و سپس وارد ارتش شد. رفیق  
امیر ما هیت پیش از قیام بهمن، از ارتش فرار  
کرده و در کمانه رتبه‌ها به مبارزه علیه رژیم شاه  
می بردارد. پس از قیام مجدداً به محل خدمتش  
برو و در بر می‌گردد. اما ارتش را همان ارتش  
پیشین ناهنثا می‌یابد. رفیق در آن هنگام

با تلاشی وصف‌ناپذیر مبارزه علیه ارتش و  
امپریالیسم پروری آورد و به صفوف هواداران سازمان  
مادر ستیج پیوست. مسعود شهید در اوایل سال  
گذشته بسنا به یک پیشمرگه کمونیست تمام توان  
انقلابی خود را در خدمت مبارزه‌های بی‌غش  
زحمتکش‌ان و جنبش مقاومت خلق کرد و فرار داد .  
رفیق مسعود در جریان مقاومت ۲۵ روزه مردم  
قهرمان ستیج در سه سال گذشته بسا دلاوری  
کمونیستی، فعالیت‌ها و خستگی‌ناپذیر شرکت کرد و  
در روز ۱۷ خرداد ۵۹ در جنگ قهرمانانه بسا  
مزدوران ارتش همراه با رفیق هم‌رزمش امیر شهادت رسید.  
با دایره پیشمرگه کمونیست را در سالگرد  
مرگ رفیق گرامی می‌داریم!

## توس و هراس لیبرالها از شنیدن صدای انقلاب است!

لیبرال‌ها به حساب می‌آید، اما تمام ایمن  
بارها برای امتیاز گرفتن بیشتر از رفیق و  
حفظ نظام ارتجاعی حاکم صورت می‌گیرد چرا که  
لیبرال‌های خائن میداننده‌دیری نخواهند  
گذشت تا زحمتکش‌ان با بیشتر از پیش به ما هیت  
ارتجاعی این فریبکاران آگاهی یافته و  
مبارزه انقلابی علیه یک جناح از رژیم رایسه  
مبارزه فاطح و انقلابی علیه هر دو جناح آن  
تبدیل سازند و به همین جهت از روی "دوراندیشی"  
بورژوازی به رفیق هندا رسیده‌اند که اگر امروز  
سر عقل نیاید و حاضر نشود همراه لیبرال‌ها و بطور  
شریکی به استعمار و تعمیق توده‌ها بپردازد .  
فردا کلاه هر دو جناح و در نتیجه کل رژیم پس  
معرکه خواهد بود .  
"انقلاب اسلامی" شماره ۳ خرداد ۶۵ در ستون  
"چشم انداز" مقاله‌ای تحت عنوان "رفیقانم  
نوشته که در پایان آن چنین آمده است :

با با لگرفتن شهادت‌های موجود میان دو جناح  
خائن رژیم جمهوری اسلامی - حزب جمهوری  
اسلامی و لیبرال‌ها - لیبرال‌های خائن با سو -  
استفاده از توهم توده‌ها نسبت به این جناح از  
هیئت حاکمه و تنفر آنان نسبت به حزب جمهوری  
اسلامی، در تبلیغات فریبکارانه خویش می‌گویند  
تا خود را بعنوان قهرمانان "آزادی‌خواه" و  
مزورانه چنین جلوه دهند که گویا ایمن شفته  
مردم و تسلیم خواست آنان هستند، در چهارچوب  
همین تبلیغات مردم فریب است که بی‌سدر  
برای عقب‌نشاندن رفیق مسئله "مراحمه به آره"  
عمومی را طرح کرده و روزنا به انقلاب اسلامی  
نسبیه تبلیغ آن برداشته است. بی‌سدر خائن  
نیک میدانند در شرایطی که نیروهای انقلابی  
از امکانات تبلیغاتی بسیار محدودی - نسبت  
به آنچه که ارتجاع در اختیار دارد - برخوردار  
برده و توده‌ها از کم‌کیف انتخابات بورژوازی  
و حقه‌های آن اطلاع کافی نداشته و بخصوص نسبت  
به جناحی از هیئت حاکمه - بی‌سدر و همپالگی -  
های دیگرش - نوه‌ها رند، مطرح ساختن ایمن  
حقه تبلیغاتی برگ برنده‌ای برای او و باران

"و هندا رکه اگر این فرصت تاریخی سادگی  
ارست سرود و گروه‌ها که با عدم درک شرایط  
فعلی کشور، همچنان بر منافع تنگ نظرانه  
خود اصرار ورزیده و رای ملت را نادیده  
بگیرد معلوم نیست که فردا نیز چنین امکانی  
برای خروج از بحران همه‌جانبه کشور که هر  
روز عمیقتر میشود، وجود داشته باشد و چه  
بسیار که در آن صورت همگی محبوسا شیم تا وان  
سنگینتری را در آرزای عدم توجه امروزمان  
بپردازیم" (تا که در آماست)  
آری، لیبرال‌های خائن بسنا نمی‌کنند  
که شما مدام و فریبدهای امروزتان برای "سرمه"  
عقل آوردن رفیق "حزبی" است تا حاضر شود به  
خاطر حفظ منافع کل رژیم بخشی از سهم خود را به  
جناح دیگر بدهد و همچنان که در سرکوب  
کردستان قهرمانان کشتار خلق ترکمن، بخسون  
کشدن دانشگاه‌ها، و... نشان داده‌اند، بدست  
در دست همه سرکوب طبقه‌ها و استعمار زحمتکش‌ان  
ادامه دهند و الا محبوسا خواهند بود همگی "تا وان  
سنگینتری" را بپردازند .  
پایه در صفحه ۳۰

## علیه حزب جمهوری، علیه لیبرال‌ها، زنده باد پیکار توده‌ها!



شماره ۲۲ یادداشت‌های

چون دیکتاتور سوری سورزوازی در تمام مدت دیکراسی توده‌ای بود. رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد دیکراتیک و ارتجاعی، هر چه بنا بر دیکراسی آزاد بجوای توده‌ها راجعت بهانه آن رژیم و هرج و مرج "مورد سرکوب فرار داد، در واقع وقتی بهشتی خائن میگوید مخالف آن رژیم و هرج و مرج است، مخالفت و کینه توری خود نسبت به آزادیهای دیکراتیک که بهنج کارگسران و زحمتگشان است را با ما پیش میگذارد. شاه مردود هم آزادی ظلمی توده‌ها و دیکراسی انقلابی را که آنان سرایش سازده میگردند، آن رژیم و هرج و مرج "جلوه پیدا و بهشتی سرزمین کار را میکند. آزادی از نظر بهشتی ها یعنی حاکمیت و دیکتاتور توری طبقاتی سورزوازی، حال هر کسی که سر علیهاست حاکمیت به مبارزه انقلابی دست برسد دچار "هرج و مرج ظلمی" است و بنا بر این با سرکوب شود. این است منطق سورزوازی و جز این انتظار نیست.

بهشتی میگوید مخالف "آزادیها" است که محیط را "فاسد" کند. میزان دیکر سورزوازی بنا به ماهیت طبقاتی خود هر اندیشه‌ها را بخش کرده‌ها را راجعت تا بنیر خود فرار دهد. هر منشی انقلابی که به هیچ توده‌ها علیه سورزوازی با نیا میاید بخصوص ما رگسبیم لیسیم که کارگران را به مبارزه انقلابی علیه سرمایه داری میکشاند "فاسد" آور ظلمی می نماید. از نظر سورزوازی نیروهای دیکرات و بخصوص انقلابیون کمونیست که برای دیکراسی و انقلاب سازده میکنند، محیط را "فاسد" میکنند زیرا آنان توده‌ها را سر علیه سورزوازی و تمام جناح‌ها را تشنه میگرداند و ایدارند. و درست به همین خاطر است که سورزوازی بطور مستمر انقلابیون و کمونیستهای راستین را مورد سرکوب فرار داده و به جو خسته اقدام می نماید. از نظر بهشتی ها و همچنین لیسرایهای ضد انقلابی کسانی که با سورزوازی سازش میکنند "فاسد" میکنند. آری این منطق سورزوازی است و جز این انتظار نیست و البته فراموش نکنیم که کارگران و توده‌های زحمتکش و سوسیالیستون عدو هرگز از تهمتهای ضد انقلابی سورزوازی هراس بخورند و امید هدیه مبارزه خود برای دیکراسی و استقلال ادا شده بدهند. ولی مسئله مورد بحث اینجا است که بهشتی ها که مدعی "حجت آزاد" توده و خود را فرمودار "آزادی" شان بدهند، دستگرا نیی بشمار ما باید که جز دستگیری طبقاتی به کار دیگری نمی توانیم بردارد و دستها برای این دستگیری بوشن فاسوسی مسازد ما حاکمیت ارتجاعی سورزوازی را "ایدی والهی" جلوه دهند.

و اما روی رویونستها که دیکراسی بیست و سه ساله پیش نسبتند منتهوا آمده سربداران رژیم حاکم دارای اشتراک نظرنا شده، کما سوری مرتد از طبقات محبت میکند، ارتجاعی طبقاتی حرف میزند، از سرده طبقات دستگرو دستگش سخن می‌راند و... ولی همه این مسائل برای فریب

شماره ۱  
رژیم

میان "مقامات و با مهر "محرمات" از سر ملا شدن آنها جلوگیری کرد. اما رژیم در این مورد زیاد موفق نیست. او نمونه‌اش سند صمیمه است. کچه حاکمی از تصمیمات دولت ارتجاعی رهائی در مورد "آزادی" مذاکرات با کمپانی های امپریالیستی آمریکایی است. هر چند سر تخمینی چون نسوی ادعا کند که رژیم با "دولتها" کاری ندارد و با "شرکتها" معامله میکند. "!!" اما کمیت که تنها دشمنکتهای انحصاری امپریالیستی و از جمله با زندگشان هواپیمای سی - ۱۳۰ (C-130) که دولت اجازه مذاکره وزارت دفاع را می‌دهد، هم منشی را می‌دهد. اما داده است (او منشی است) از چرا، مهم تشکیل دهنده

نخست وزیر

محرمانه

مستقیم



جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

بر اساس مذاکرات جمعه مورخ ۱۲/۲/۶۰ هشت دولت در خصوص اقدام گانه با شرکت های آمریکائی طرف قرارداد تصمیمات زیر را گامی میبرد:

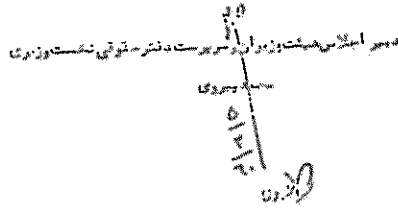
مورد گناه سبهای آمریکائی: وزارتخانه عا میستوانند سبها "وارده مذاکره شوند".

توسط دفتر حاکمیتی و ایران با سه الزام زیر در نظرند تا سبها سرآمد شد که بر مذاکرات نظارت و کنترل خواهد داشت.

وزارت دفاع میتواند با کمپانی سازنده و عرضه هواپیمای C-130 وارد مذاکره خود و اختلاف حسابهایش را حل کند.

چهار وزارتخانه: نیرو - پست و تلگراف - نفت و دفاع ازعت آید. در مذاکرات مستقیم با کمپانیهای آمریکائی راپیش از رایج اختلافات به داوری شروع دبه حل مسائل اقدام کنند.

اختلاف برسانی که دولت آمریکا جوده دارد سبهاست از طریق سفارت الجزایر حل شود و نهایتش تقاسم مستقیم گرفت شود.



امپریالیسم آمریکا بشمار میروند و در واقع دولت آمریکا نماینده کلی این امپریالیستهای جهانخوار را بدهد دارد.

آری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای ادا مدعای کمیت فدمردمی اش با امپریالیستها قرارداد های مخفیانه می بندد، ثروت عمومی مردم را به تاراج میدهد و وزارتخانه‌ها را وا میگذارد که

توده‌ها و بخصوص کارگران است. کما سوری مرتد زست مارکسیستی خود میگرداند، اما مدافع منشی و ساست ارتجاعی سورزوازی و بهشتی ها است. کما سوری دلچکی است که در برابر بار بار با سنان سرمایه چالپوسی می پردازد، او میگوید: "در این صحنه‌های آغازی بهشتی تا حدودی مطالبی که ما معتقد هستیم در همان جهتی که ما به آن معتقد هستیم گفته شد." و سپس در ادا مدعای او گوشه‌های خود و در تائید بهشتی مطرح میکنند: "سوسیالیستها و کمونیستها این دو معبود نیستند و بطور کامل قبول دارند."

آری روی رویونستهای خائن در دیدگاه خود دربار دیکراسی و آزادی با رژیم سرمایه داری حاکم وحدت نظر دارند. آنان نیز منظورشان از دیکراسی، دیکراسی برای سورزوازی و دستگیری برای کارگران و سایر توده‌ها است. کما نسوری از "طبقات دستگرا" حرف میزند ولی خود با تمام قوا از دستگرا و مرتجعین و ملادان پروولتا ریس حمایت میکند و با آنها اشتراک نظر دارد. آری، سورزوازی با همگاری روی رویونستها "بحسب

مستقیم وارد مذاکره با کمپانیهای آمریکائی گوده و... اما برای فریب توده‌ها سربداران رژیم فریب میزندند که: "رابطه با آمریکا ما محو اهمیت چه کنیم!!" رژیم جمهوری اسلامی بخشی از اردوگاه و نداشتن انقلاب جهانی است و برای تحکیم و حفظ منافع خود را هر جزگرتش روابط سرمایه داری و تحکیم وابستگی به امپریالیسم در پیش پانداخ.

آزاد" را می‌نماید دارند تا به توده‌ها بگوید که "آزادی طلب" است. حال آنکه سرکوبگران آزادی و دیکراسی و سوسیالیسم میباشند و روی رویونستها به مشاطه کفری سورزوازی و افراد سفروزی چون بهشتی می بردند زنده تا به کارگران سرگمی سبها مورد روزی لنین میگفت: "در واس حزب کارگری ما رگسبستی آلمان... مشتق از نابکارترین ارادل و پلیدترین دون فطرتان که خود را به سرمایه داران فروخته اند، از شا بدمان و تو که گرفته سادوبید و لیزین، این سفورترین جلادانی که از زمین کارگران سرخا سده و به خدمت سلطنت و سورزوازی خدا انقلابی کمر همت بسته اند، فسار گروخته." (انترناسیونال سوم و مقسام آن در تاریخ) او امروز با زمینها دستم که چگونه افرادی که لیسای مارکسیستی به تن کرده اند، منشی نابکار رذل و پلیدترین دون فطرتان هستند که خود را به سرمایه داران فروخته اند و به خدمت سورزوازی خدا انقلابی کمر همت بسته اند. آری توده‌ها و اکثریتی های خود فروختگان به سورزوازی و خاشنین به انقلاب، طبقه کارگر و سوسیالیسم میباشند.

بیاد یاران شهید



مجموعه ای از مراسم بزرگداشت چهلین روز شهادت گمنامیت های قهرمان، رفقا آذر مهر - علیان و ایرج شراسی .  
در صفحات ۱۵ - ۱۶

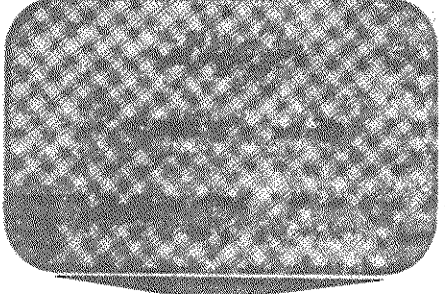
# بیادداشت‌های سیاسی هفتگی

که بر اساس آن سوز و آری نه تنها زندگی بهشتی ها  
و حتی سدرها به سرکوب و استنفا رطبه کا رگرو  
دیگر توده های زحمتکش مشغول میا شد و مگر  
بهشتی ها می توانستند رای نهادن باسی سنا  
روزی بیونیمتها با شنه آینه مرکز آروزیونیمتها و  
بهشتی ها دارای وحدت طبقاتی میا شد. اگر  
تا دیروز این سخن از سوز و آری این مسئله را  
می فهمید، امروز بروشی به چنین اسیری  
واقعات و به همین خاطر به روزیونیمتها  
اجازه میدهند تا در تلویزیون جمهوری اسلامی  
به تعلق گوئی و جاپلوسی رژیم و فریب کارگران  
وزحمتکشان بپردازند.

مگاهی به خزعات ارتجاعی بهشتی و  
روزیونیمتها نشان میدهد که آنان در دشمنی  
با توده ها هیچ دست کمی از یکدیگر ندارند. آنان  
از "آزادی حرف میزنند ولی منظور آسان از  
آزادی، آزادی استنفا رگرا و تاجا و روسیه  
حقوق زحمتکشان است، آنان با ودهای بسیاری  
در باره آزادی سخن میگویند، اما هدف آنان تجمیع  
طبقاتی و گروما میزنند، اما هدف آنان تجمیع  
با یکدیگر و وحدت کامل دارند. بهشتی میگویند:  
"در نظام احسانی اسلامی آزادیها تا جاه اندازه  
وجود دارد، میگویند آزادیها بر مبنای آزادیهای  
اجتماعی خود بخود محدود میشوند. دیگر از آزادی  
مطلق بر مبنای آسایش و هرج و مرج نمیتوان در  
اسلام و نظام اسلامی سخن گفت. در نظامی اسلامی  
آزادیهای اجتماعی حدودی دارد و محدودیتهاش  
بسیار است". محدودیتها کدامند؟ "آزادی یک  
مرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران  
خریداری نرند". "آزادیها شی که محیط را تا حد  
نیکند و زمینه را برای رشد تا حد درجه میآساده  
میگند. این آزادیها هر در نظام اسلامی گرفتار  
میشود".

همانطور که میدانیم که از زمان بقدرت روسیه  
رژیم جمهوری اسلامی تمام آزادیها و دستاورد  
ها شی که محصول قیام توده ها بود لگدمال گردید و  
مورد سرکوب واقع شد. رژیم حاکم برای تحکیم  
حاکمیت خود واهی جز سرکوب خویش کارگران و  
زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی  
نهادت. سرکوب چنین میان مشخص میکند توری  
طبقاتی بوده که از جانب سوز و آری اعمال می -  
گردید. آزادیهای دمکراتیک ناشی از قیام  
توده ها "خود بخود" محدود شد. آنها سرکوب شدند

تجدید در صفحه ۳۱



"بخت آزاد" بهشتی و روزیونیمتها  
توده های وا کثرتی در هفت گشته نمونست  
بر جسته ای بودا ر جمله به ما رگسبم، گوشش در  
تخمین توده ها و تقدیس آزادی عدا انقلابی  
سرمایه داری. در این "بخت آزاد" انتظار رسمی -  
رفت (؟) که نظرات متضادی روه روهی یکدیگر  
تراز میگردند. لیکن جوهر اساسی بحثها بر سر یک  
روال مضمونی حرکت گرد و آن عبارت است از  
تا شد سرکوب انقلاب و دفاع مشترک از آزادی  
گنبد و وارنه ای سوز و آری.

در نظامی تلویزیونی بهشتی خط میسازند و  
هدایت میگردند و سپس روزیونیمتها در همان خط حرکت  
میگردند. البته این مسئله یک امر اتفاقی نبود زیرا  
علیرغم اختلافات لفظی و باسیا رفرفی روزیونیم  
- نیستها و سردمداران رژیم سرمایه داری  
جمهوری اسلامی در باره اساسی ترین مسائل  
دارای وحدت نظر میا شد و این وحدت نظر ناشی  
از وحدت منافع طبقاتی است که آنها را سبه  
یکدیگر پیوند میدهد. گویا سوری آید این نوکر -  
منشا به حرف میزنند که گوئی اسلام و آزادی اسلام  
بهشتی دو آتشه تراست. آنچه وحدت روزیونیمتها  
با بهشتی در گذاشی کردن آزادی عمل میخورد  
برای آنکه بتوانند سپهر به فریب طبقاتی رگرا  
و توده ها دست زنند و حاکمیت سوز و آری را تحکیم  
نمایند. اگر چه حزب جمهوری اسلامی دپوره اخیر  
با برنامها تر شده و به نوکران خویش التفات  
بیشتری میکند لیکن روزیونیمتها در پی آنند  
تا از تمام آزادیها "فانون اساسی ارتجاعی  
رژیم پهلوی" میگردند، میا رده توده ها را به بحرانی  
یکشند و برای نفوذ سوسال امپریالیسم میبه  
میا عدتری فرا همینا بند. "ما بورژوازیها  
خا چنین اکثریتی میگویند: "اختلافات نظری  
بمفهوم دشمنی نیست". آنچه این مرتد در رابطه  
با مناسبات روزیونیمتها و سوز و آری حاکم  
میگوید حقیقتی است. اینکه میان روزیونیمت  
- های توده ای و اکثریتی یا رژیم "اختلافاتی"  
وجود داشته باشد امر طبیعی نیست همینانکه همیشه  
نشان بخشهای مختلف سوز و آری اختلافاتی وجود  
دارد. مسئله اساسی این است که روزیونیمتها  
مدافع رژیم جمهوری اسلامی و سیستم اقتصادی  
سرمایه داری میا شد که در دستوران سرمایه -  
داران کارگران را استنفا میکند. روزیونیمت  
نیستها مدافع مناسبات طبقاتی ای میا شد

## دعوا بر سر پاک کردن علامت روی سلاحها بود؟!

رژیم حاکم شاه جلالت برای تحق اهداف بلند  
امپریالیستی های رگرو سوز و آری را سستان  
آمریکائی اش برای نیروهای ارتجاعی و از  
جمله سلطنت طلبان بین شمالی اسلحه میفرستاد  
ولی فقط مخاطب را که کمی میسورد "او گنبدش در  
نیاید" علامت فشنگها، تفنگها و... و نیز کلمسه  
"ماخت ایران" را از روی اسلحه های ارمالیستی  
پاک میکرد.

و اینک دوما ر پاک کردن علامتهای اسلحه ها  
تکرار می شود ولی با هدفی دیگر...  
رژیم جمهوری اسلامی دستور داده است که  
"خبرنامه ها ده شده که روی بعضی افراد را  
علامت رشتا نه های از برخی از کشورها و ما زمان -  
های شیرا بر مبنای موجود است که از نظر سنا سست  
خا رخی به سلاح کشور جمهوری اسلامی سبب است."  
لذا "دشمنان ما شنیدند که به ما و تا ر و علامت  
مورد نظارت روی جنگ افزارها و ما سرا اعلام اقدام  
لازم معمول دارند".

تجدید در صفحه ۲۰

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست